





دانشکده اصول الدین شعبه دزفول

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه ای برای دریافت درجه کارشناسی ارشد ((M.A))

رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع :

ویژگیهای فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد از منظر قرآن و روایات

استاد راهنما :

دکتر سید محمد حسین میری

نگارش : سبیلارشدی نیا

تابستان : ۱۳۹۴



کلیه اصول الدین ((دزفول))

قسم: علوم القرآن والحديث

رساله ماجیستر ((M.A))

العنوان :

ملاح الثقافة الجهادیه فی مجال الاقتصاد

الاستادالمشرف :

الدوکتورسید محمد حسین میری

إعداد: سهیلا رشیدی نیا

سنه : ۱۴۳۶



USUL ALDEEN COLLEGE

DEZFUL BRANCH

A thesis presented for the degree of master

Of art in science of quran and hadith

Title :

Features jihadi culture in the economy of the quran and hadith

Supervisor :

Dr. seid mohammad hossein miri

Auther :

soheila rashidinia

Summer : 2015



دانشکده اصول الدین شعبه دزفول

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه ای برای دریافت درجه کارشناسی ارشد ((M.A))

رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع :

ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد

از دیدگاه قرآن و روایات

استاد راهنما :

دکتر سید محمد حسین میری

نگارش : سهیلا رشیدی نیا

تابستان : ۱۳۹۴

تاریخ دفاع نمره نهایی پایان نامه

استاد راهنما: دکتر سید محمد حسین میری امضاء



تاییدیه ی صحت و اصالت نتایج بسمه تعالی

اینجانب سهیلا رشیدی نیا به شماره ۹۱۲۴۱۰۵۰۰۴ رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد ورودی بهمن ۹۱ تایید می نمایم که کلیه نتایج این پایان نامه حاصل کار اینجانب و بدون هر گونه دخل تصرف و موارد نسخه برداری شده از آثار دیگران رابا ذکر کامل مشخصات منبع ذکر کرده ام در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق به تشخیص دانشکده مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان . قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ضوابط و مقررات آموزشی پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد. و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می نمایم . در ضمن مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت .

نام و نام خانوادگی دانشجو: سهیلا رشیدی نیا

تاریخ و امضاء :

واگذاری حقوق

کلیه حقوق بر گرفته از نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشکده اصول الدین دزفول است.

تقدیم به

مولایم، امام حسین (ع)

و

مولایم، گوهر هشتم آسمان امامت و ولایت، علی

بن موسی الرضا (ع)

تقدیر و تشکر

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا خاتم النبیین
محمد صلى الله عليه وآله

از اساتید بزرگواری که سفره پرفیض علم و حلم آنها توشه راهمان است و در
طول دوران تحصیل دلسوزانه به ما درس زندگی دادند

و

از استاد گرامی جناب آقای دکتر سید محمد حسین میری که در تدوین
این اثر راهنمایی های لازم را دریغ نداشتند.

چکیده

این پژوهش باموضوع ((ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد ازدیدگاه قرآن وروایات)) برآن است که بابررسی آیات قرآن کریم وروایات ائمه اطهار-(ع)- و هم چنین سیری درمنابع وکتابه های مرتبط ،به بحث پیرامون موضوع پردازد وبتواند به بخشی از سوالات ومشکلات در این خصوص پردازد.

روش این پژوهش با توجه به امکانات ومنابع موجود روش توصیفی-تحلیلی می باشد همچنین درانجام این پژوهش به این نتیجه رسیدم که:

فرهنگ جهادی ،فرهنگ اصیل اسلامی است که ولایت مداری محوراصلی آن است.ولایت مداری موجب وحدت و همدلی وجهت دهی به فعالیت های مسلمانان می شود همچنین دارای ویژگی هایی چون عدالت محوری ،استقامت ،قناعت ومیانہ روی است .ویژگی دیگر احساس مسولیت در برابر فعالیت هاست یعنی هم از نظر شخصی و هم اجتماعی ،احساس مسولیت موجب حذف کردن تجملات در زندگی می شود.به طور کلی این ویژگی ها مارا به اهدافی درجامعه می رسانند ، مثل :دستیابی به اقتدار سیاسی ، استقلال اقتصادی وخودکفایی ،پیشرفت اقتصادی ،بکارگیری قاعده ی نفی سبیل و تحقق اقتصاد مقاومتی .

برای ترویج فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد به موانعی مثل فساد اقتصادی ،مصرف گرایی ،اسراف و ... اشاره شد که برای رفع این موانع راهکارهایی پیشنهاد شد:توجه به قرآن و معارف دینی درزندگی ،پرهیز ازاسراف ،مدیریت جهادی که خود شامل بخش ها و موارد مختلفی می شود،سعی وتلاش و تشویق به کوشش و پرهیز ازتنبلی.راهکار دیگر داشتن برنامه ریزی اقتصادی است که نقش آن بسیار ارزنده است.

بخش آخر شامل بیان نتیجه گیری وپیشنهادهات است.

واژگان کلیدی:قرآن،روایات،فرهنگ،جهاد،اقتصاد،فرهنگ جهادی،جهاداقتصادی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه:
۳	بخش اول:
۳	کلیات تحقیق
۴	مبحث اول: بیان مسئله
۶	مبحث دوم: تاریخچه‌ی موضوع
۶	مبحث سوم: ضرورت، اهداف و اهمیت موضوع
۷	مبحث چهارم: پرسش های تحقیق
۷	مبحث پنجم: فرضیه های پژوهش
۸	مبحث ششم: روش تحقیق
۸	مبحث هفتم: مروری بر تحقیقات گذشته
۱۲	مبحث هشتم: تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم
۱۲	مفهوم فرهنگ
۱۳	مفهوم جهاد
۱۴	مفهوم اقتصاد
۱۶	مفهوم فرهنگ جهادی
۱۷	بخش دوم: تجزیه و تحلیل یافته ها
۱۸	فصل اول: ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد از دیدگاه قرآن و روایات
۱۹	مقدمه:
۲۲	گفتار اول: مبانی اقتصاد در قرآن
۲۲	۱- تجلی توحید در اقتصاد
۲۴	۲- اقتصاد؛ مظهری از عبودیت

۳-سعی و تلاش،نشانه‌ی جهاد در اقتصاد	۲۴
۴- اقتصاد و مبارزه با	
فقر:.....	۲۵
گفتار دوم:ویژگی های فرهنگ جهادی در اقتصاد:	۲۶
۱-ولایت مداری	۲۷
۲-استقامت	۳۳
۳-احساس مسئولیت	۳۶
۱-۳-انفاق.....	۳۷
۲-۳: حذف مصرفهای تجملی و اشرافی	۳۹
۴-عدالت محوری	۴۱
۵-قانون مداری	۴۶
۶-قناعت و میانه روی	۴۷
فصل دوم: اهداف فرهنگ جهادی در اقتصاد	۵۰
مقدمه:	۵۱
۱-دستیابی به اقتدار سیاسی	۵۲
۲- استقلال اقتصادی یا خودکفایی	۵۴
۳-پیشرفت اقتصادی	۵۹
۴-بکارگیری قاعده نفی سبیل	۶۱
۵- تحقق اقتصاد مقاومتی	۶۵
۱-۵:اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن :	۶۵
۱-۱-۵: پرهیز از مصرف گرایی	۶۶
۲-۵:پرهیز از کسب درآمدهای حرام.....	۶۸
۳-۵مبارزه با احتکار و رشوه خواری	۶۹

فصل سوم: موانع دستیابی به فرهنگ جهادی	۷۱
موانع:	۷۲
۱-۱: تعریف فساد اقتصادی	۷۳
۱-۲: علل ایجاد فساد مالی	۷۳
منابع تأمین اجتماعی	۷۴
۲- مدیریت غیر متخصص	۷۵
۳- مصرف گرایی	۷۹
میزان مصرف در اسلام	۸۰
مصرف گرایی و ممانعت از فرهنگ جهادی	۸۰
مصادیق مصرف گرایی	۸۱
نتیجه گیری:	۸۸
فصل چهارم: راهکارهای اجرای فرهنگ جهادی	۹۰
مقدمه :	۹۱
راهکارهای :	۹۱
۱. توجه به قرآن و معارف دینی در زندگی	۹۲
۲. خودباوری	۹۴
۳. مدیریت جهادی	۹۴
ویژگی های مدیران جهادی	۹۶
۱-۳. ایمان و اعتقاد به آخرت	۹۶
۲-۳. اعتقاد به ولایت فقیه	۹۶
۳-۳. تواضع و فروتنی متعادل	۹۷
۴-۳. سرعت عمل و نظم در کارها	۹۷
۵. وجدان کاری	۹۷

۶.تشویق به تلاش و کوشش	۱۰۱
۷.برنامه ریزی اقتصادی	۱۰۱
۸.پرهیز از اسراف	۱۰۲
نتیجه گیری :	۱۰۴
<u>بخش سوم نتیجه گیری و پیشنهادها</u>	۱۰۵
مبحث اول :نتیجه گیری	۱۰۶
مبحث دوم :پیشنهادهای	۱۰۷
فهرست منابع	۱۰۸
منابع فارسی	۱۰۹
منابع عربی	۱۱۱
مقالات	۱۱۲

مقدمه:

با شکل گیری جوامع، رفته رفته مسائل جدیدی پیش روی انسان ها قرار گرفت. یکی از این مسائل، معیشت و اقتصاد بود. به طوری که امروزه پایه و اساس حکومت ها، روابط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم است. هر جا که معیشت مردم دچار مشکل باشد یا ملتی از لحاظ اقتصادی وابسته به کشورهای دیگر باشد، آن ملت دیگر قادر نخواهد بود مستقلاً برای خود تصمیم گیری کند و باید همواره به کشورهای دیگر متکی باشند و. آنها را در مسائل داخلی خود دخالت دهند. این وضعیت برای قدرتهای استکباری و سلطه طلب بهترین حالت است زیرا زمینهی چپاول گری و سلطه آنان بر سایر ملتها را فراهم می کند.

ملت ایران همواره نشان داده استکبار ستیز است و اجازه نخواهد داد سلطه جویان به اهداف خویش در کشور برسند. مردم با تکیه بر ایمان به خدا و ولایت پذیری خویش توانسته اند استقلال خویش را حفظ کنند.

اقتصاد قلب تپندهی هر حکومت، جامعه و هر خانوادهای است و برای همهی اقشار جامعه امری مهم تلقی می شود. از این رو برای بدست آوردن اقتصادی سالم و پویا که ما را از سایر کشورها بی نیاز کند و به کشوری مستقل تبدیل کند نیاز به یک الگو و نظام جامع داریم که بتوان با استفاده از آن کشور را به پویایی و خودکفایی رساند.

الگوهای نظام های غربی نمی توانند راهگشا باشد چون آنها انگیزه‌ی هر حرکت را مادی می دانند و بالطبع جامعه را مصرفی و وابسته بار می آورند تا بتوانند در خلال آن به مقاصد خویش برسند.

آنچه که اسلام به ما می آموزد لزوم حفظ استقلال ملت مسلمان و عدم وابستگی به دشمن است. برای حفظ این استقلال و ساختن کشوری آباد و مستقل بهترین راه جهاد در زمینهی اقتصاد است تا به وسیلهی جهاد در این زمینه، اهداف اسلامی و ملی خویش را جامعهی عمل پیوشانیم. از سوی دیگر، هر کار یا موضوعی که بخواهد به عنوان وصف و شاخصه‌ی یک جامعه قرار بگیرد راهی غیر از فرهنگ شدن آن وصف در میان اقشار مختلف ندارد، لذا در موضوع جهاد اقتصادی

بهترین راهکار، احیای فرهنگ جهادی در این زمینه است. فرهنگ جهادی، موجب تحقق اقتصاد پویا در کشور و در بین لایه های مختلف اجتماع می شود و به فعالیتها، انگیزه می دهد.

فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد، موضوعی است که در متون دینی ما به آن توجه خاصی شده است، با توجه به اهمیت آن برای جامعه و ضرورت تمسک به متون دینی در حل مسائل و مشکلات ، لازم است این موضوع از نظر قرآن و احادیث بررسی شود. این پژوهش تلاشی است برای معرفی فرهنگ جهادی در اقتصاد و شرایط آن از منظر قرآن و حدیث که امید است مقبول حضرت حق قرار گیرد.

بخش اول:

کلیات تحقیق

مبحث اول: بیان مسئله

مسئله اقتصاد از دیرباز و در هر جامعه ای و بالطبع جامعه‌ی اسلامی ایران، مهم بوده و اثرات فراوانی بر روند زندگی انسان گذاشته است. با توجه به اینکه اقتصاد همراه با سود و زیان است، پس هر تلاشی که در این زمینه صورت گیرد، اگر بخواهد جهادی باشد باید بدون داشتن طمع بوده و انگیزه‌ی مادی در آن وجود نداشته باشد و تنها برای رضای خدا باشد، زیرا ویژگی جهاد در این است که باید این شرایط را داشته باشد، از طرفی با دقت در اوضاع کنونی می‌بینیم برای رفع موانع اقتصادی باید یک جهاد همگانی صورت گیرد تا اصول اقتصاد اسلامی در جامعه نهادینه شود و به کار گرفته شود و جهاد همگانی جز با اشاعه‌ی فرهنگی آن امکان پذیر نیست. پس چاره‌ای جز احیای فرهنگ جهادی نداریم چون با نهادینه شدن فرهنگ جهادی به دشمن اجازه نمیدهیم در جامعه نفوذ کرده و در کشور جولان دهد.

قرآن کریم اقتصاد را به عنوان یک وسیله برای نیل و سعادت دنیوی و اخروی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ^۱

و در آیه ای دیگر، یکی دیگر از راه های رسیدن به حیات طیبه و خیر و نیکی را بذل بهترین و عزیزترین چیزها می‌داند:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ^۲

که البته دستاوردهای فعالیت اقتصادی انسان از جمله‌ی عزیزترین اشیاء نزد اوست اما اینکه جهاد در زمینه اقتصاد چگونه است و انسان جهادگر در این زمینه، چه ویژگی هایی باید داشته باشد سوالی است که باید به آن پاسخ داد.

در سیره‌ی اهل بیت(ع) و در روایات متعدد راهکارهای اقتصادی درباره‌ی فرد و جامعه آمده که می‌تواند در این زمینه به ما کمک کند، مانند این حدیث-امام صادق(ع)- که فرمودند:

۱. سوره قصص، آیه ۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۲.

هر کس مالی را در غیر طاعت خداوند خرج کند اسرافکار و هر کس در راه خیر خرج کند میانه رو است.^۱

همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) - داریم که می فرمایند:

«اجر مجاهد در راه خدا جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، را به تلاشگر مجاهد که برای کسب روزی حلال زحمت کشیده می دهند»^۲

بکارگیری واژه‌ی مجاهد، برای کسی برای کسب روزی حلال، تلاش می کند: نشان از اهمیت تلاش اقتصادی نزد پیامبر اکرم (ص) دارد.

با تأمل در وضعیت کنونی کشور، تغییر در رفتار اقتصادی خانواده ها، تلاشهای فراوانی دشمن برای آوردن فشار بیشتری روی مردم ایران از لحاظ اقتصادی و معیشتی و هم چنین تلاش دشمن برای تغییر سبک زندگی به طرف زندگی تجملی و معرفی و جدا کردن مردم از آرمانهای اسلامی و ایرانی، ضرورت احیای فرهنگ جهادی، در اقتصاد احساس می شود و این مسأله دغدغه‌ای مهم برای پژوهشگران و کسانی که در صدد انجام تحقیقاتی کاربردی و علمی برای کمک به بالا بردن سطح زندگی و فرهنگی مردم هستند، شده است.

در زمینه‌ی ترویج فرهنگ جهادی در اقتصاد، تا کنون اقداماتی صورت گرفته است ولی با توجه به اوضاع و مشکلاتی که ذکر شده به نظر می رسد لازم است با مراجعه‌ی دوباره به قرآن و تحقیق در سیره‌ی اهل بیت (ع) یک جهاد همه جانبه در این باره صورت پذیرد، زیرا قرآن (تبیاناً لکل شی) است و برای انسانها در تمام زمانها، برنامه‌ی زندگی دارد، پس پژوهش در این زمینه در قرآن و حدیث می تواند راهگشای اقدامات عملی باشد.

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة،

محدوده‌ی پژوهش در مسأله مورد تحقیق در حوزه‌ی قرآن و سنت است. سعی می شود با بررسی آیات و روایات و تحقیق در تفاسیر متعدد، به نظر جامعی درباره‌ی ویژگی ها و شاخصه های فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد از دیدگاه قرآن و روایات دست یافت.

مبحث دوم: تاریخچه‌ی موضوع

با شکل گیری اجتماع، در تمام ملتها و جوامع، مسائل اقتصادی و اندیشه های مالی و رفاهی میان مردم رشد کرد. با ظهور اسلام نیز این اندیشه ها میان مسلمانان رواج پیدا کرد. بنابراین می توان منبع اصلی بحث را صدر اسلام دانست. رفته رفته و با گسترش اسلام و به وجود آمدن مشکلات دیگر، بحث درباره‌ی جهاد در این زمینه مطرح شد و تحقیقاتی هم در این باره انجام شد.

با توجه به اینکه همواره دشمنان از حربه های مختلف برای جلوگیری از رشد جامعه‌ی مسلمان استفاده کرده و می کنند لذا برای پیروزی بر دشمن و رسیدن جامعه به سعادت نیاز بوده و هست که در زمینه اقتصادی جهاد و ارائه عمل کرد.

در شرایط کنونی و در روند تحقق اهداف دین اسلام، یکی از روش هایی که می تواند راهگشا باشد، احیای فرهنگ جهادی در اقتصاد است که باعث ایجاد انگیزه و امید در میان مردم شده و حربه‌ای برای مقابله با دشمنان خواهد بود.

در سالهای اخیر، پژوهش هایی در مسأله مورد تحقیق انجام شده که منجر به تألیف کتبی و در این باره شد اما در اکثر آنها به جهاد در اقتصاد پرداخته شده که آن هم موضوعی است کلی که فرهنگ جهادی در اقتصاد شاخه ای از آن است لذا لازم است این موضوع بررسی شده و به طور جداگانه تحلیل شود.

مبحث سوم: ضرورت، اهداف و اهمیت موضوع

اهمیت و ضرورت ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد با رویکرد آیات و روایات در این است که یکی از مهم ترین نیازهای جامعه است و چیزی که امروزه از آن دور شده ایم روحیه و فرهنگ جهادی است یکی از فواید علمی موضوع مورد تحقیق بدست آوردن ایمان کاملتر و محکم تر نسبت به اهمیت فرهنگ جهاد است. هم چنین آشنایی با ویژگی های اقتصاد از نظر دین اسلام و

آگاهی بر پیامدها و اثرات کاربردی و عملی که برای فرد و جامعه دارد. امروزه که بیگانگان با هر وسیله‌ای برای تأثیر بر اذهان و افکار مسلمانان استفاده می‌کنند و تلاش دارند شیوه‌های اقتصادی خویش را بر ما تحمیل کنند لازم است ما بلا سلاح جهاد با آنها به مقابله پرداخته و در این راه اشاعه‌ی فرهنگی آن، کاربردی‌ترین روش است.

مبحث چهارم: پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی:

فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد از نظر قرآن و روایات چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱. ویژگی‌های فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد از نظر قرآن و روایت چیست؟

۲. اهداف فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد از نظر قرآن و روایت چیست؟

۳. چه موانعی در راه رسیدن به فرهنگ جهادی در زمینه اقتصادی از نظر قرآن و روایت چیست؟

۴. چه راهکارهایی برای اجرای فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد از دیدگاه قرآن و روایات وجود دارد؟

مبحث پنجم: فرضیه‌های پژوهش

فرهنگ جهادی عنوانی به ظاهر نوظهور است که در ابتدا با پیروزی انقلاب اسلامی، توسط امام خمینی (ره) وارد ادبیات ایران شد، اما به واقع، قدمتی به اندازه دین اسلام دارد و پیشوایان دینی ما پرچمدار فرهنگ جهادی بودند. فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد، در میان آیات و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به ویژگی‌های فرهنگ جهادی، مهمترین راهکار می‌تواند برنامه‌ریزی باشد تا این فرهنگ در جامعه نهادینه شود.

هم چنین مصرف گرایی و میل به تجمل گرایی، مهمترین موانع بر سر راه فرهنگ جهادی در اقتصاد می باشند که باید با توجه به شرایط برای مقابله با آنها راهکار مناسب را ارائه کند.

مبحث ششم: روش تحقیق

این پژوهش، تحقیقی کتابخانه‌ای است که در آن از روش های توصیفی- تحلیلی استفاده شده است.

ابتدا با جمع آوری اطلاعات براساس منابع موجود، کوشش شده است فرهنگ جهادی معرفی شده و ویژگی های آن بیان شود، سپس با تحلیل محتوا و مطالب، به معرفی اهداف و موانع فرهنگ جهادی و بیان راهکار مناسب برای اجرای آن در جامعه پرداخته شده است.

مبحث هفتم: مروری بر تحقیقات گذشته

پیشینه تحقیق (سابقه تحقیقات به عمل آمده، در زمینه موضوع/ مسأله / متن و بیان کمبودها و اشکالات آنها)

از قدیم الایام وبا ظهور اسلام اندیشه های اقتصادی بین مسلمانان رواج پیدا کرد، در همان اوایل اسلام بود که مسلمانان در شعب ابی طالب محاصره ی اقتصادی شدند و کسی حق نداشت با آنها معامله کند. ماندن در آنجا وتحمل مشقت های فراوان نماد جهاد است. بنابراین میتوان گفت منبع اصلی بحث به صدر اسلام برمی گردد. رفته رفته با گسترده شدن اسلام وبه وجود آمدن مشکلات دیگر بحث در باره ی جهاد در این زمینه مطرح شد وتحقیقاتی در این باره انجام شد.

لازم به ذکر است در زمینه ی ویژگیهای فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد از دیدگاه قرآن وروایات به تحقیق مستقل وجامعی دست نیافته ام ولی در زمینه های مشابه مثل جهاد اقتصادی و موانع تحقق جهاد در زمینه ی اقتصاد و مواردی با این مضمون پژوهشهایی صورت گرفته است اما اکثر آنها یابدون در اولویت قرار دادن نظر قرآن و روایات بوده یا استناد به این دو کم بوده است.

اشکال دیگر این است که در تحقیقات به عمل آمده تا کنون به فرهنگ جهادی بسیار کم پرداخته شده است.

معرفی اهم کتبی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است. لازم به ذکر است که در بررسی کتب و منابع به کتاب مستقلی با عنوان مورد تحقیق دست نیافته ام اما در موضوعات مشابه و مرتبط چندین کتاب نگاشته شده است. در این بخش برخی از این کتب معرفی می شوند:

۱- سیمای اقتصاد اسلامی اثر آیت الله سبحانی

در این کتاب نویسنده مباحث کلی اقتصاد از نگاه اسلام را تبیین کرده و سعی کرده اصول و پایه های اقتصاد اسلامی را تشریح کند. ایشان همچنین ویژگیهای اقتصاد را از نظر آیات و روایات بیان کرده که می توان با استفاده از این ویژگی ها به راههای تحقق جهاد در این زمینه پرداخت.

در فصل های اول به اصول پرداخته و معرفی مبسوطی از اقتصاد اسلامی داشته است. سپس بحث هایی درباره ی معادن و آبها و قوانین آنها آورده است. ایشان همچنین نظرات برخی از اهل سنت را ذکر کرده است. ادبیات به کار برده شده در این اثر تا حدودی تخصصی بوده لذا مهمترین مخاطبان و استفاده کنندگان آن دانشجویان و کسانی هستند که با علم دین و اقتصاد آشنایی دارند.

۲- جهاد اقتصادی نوشته ی غلامحسین حیدری تفرشی

مؤلف در این اثر سعی داشته به جنبه های گوناگون جهاد در زمینه ی اقتصاد بپردازد و به اصول و اهداف جهاد اقتصادی و راهکارهای تحقق آن در جامعه و نیز موانع آن پرداخته است ایشان در این کتاب سعی کرده به تمام جوانب مساله پرداخته و اثر جمعی درباره موضوع بجا گذارد.

نویسنده در هر بخش توانسته با دلایل قرآنی و روایی موضوع را توضیح دهد و مباحث را جمع بندی کند.

ایشان در بخش های جداگانه ایی جهاد اقتصادی را از دیدگاه امام خمینی (ره) و از منظر مقام معظم رهبری توضیح داده که این یک حسن محسوب می شود.

۳- نظری به اقتصاد اسلامی اثر استاد مرتضی مطهری

استاد شهید مطهری کتاب را در شش بخش نگاشته اند و در آن اقتصاد و مفاهیم آن را تعریف کرده اند. ایشان در نگرش سعی داشته ان از بعد فلسفی به اقتصاد اسلامی بپردازند و نظریات

اقتصادی اسلام را با نظریات غربی مقایسه کرده اند. این یکی از محاسن اثر فوق است اما در این اثر از آیات و روایات کمتر استفاده شده است.

۴- رشد-پیشرفت-توسعه ی اقتصادی ضرورتی اجتناب ناپذیر، نویسنده اسدالله افشار

این کتاب در هفده فصل نگاشته شده که نویسنده تلاش کرده با توجه ویژه به بیانات مقام معظم رهبری، جهاد اقتصادی را به خوبی برای خوانندگان اثر تبیین و تشریح کند.

ایشان مبحث عدالت اقتصادی، جهاد در عرصه ی اقتصاد و مباحث مرتبط با آن را به طور مفصل توضیح داده و سیره ی معصومین را در این باره نیز بررسی کرده که بسیار خوب است، همچنین در فصل مجزایی به سیره ی اقتصادی امام رضا(ع) پرداخته است.

۵- شاخص های توسعه ی اقتصادی از دیدگاه اسلام نوشته ی محمد جمال خلیلیان

این کتاب شامل سه فصل بوده که فصل اول تبیین مفاهیم و بین نظریات و تعاریفی در باره ی توسعه ی اقتصادی است و فصل دوم به بعد اقتصادی حیات انسان پرداخته است و فصل سوم آن شاخص های توسعه ی اقتصادی از نظر اسلام است. در این فصل نویسنده سعی کرده به خوبی اقتصاد اسلامی و توسعه ی آن را از نظر آیات قرآن بیان نماید.

معرفی اهمّ پایان نامه هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است.

در این زمینه پایان نامه ای که با این عنوان مطابقت کند رانیافته ام اما درباره ی اقتصاد در اسلام پایان نامه هایی وجود دارد.

پیام های اقتصادی قرآن

این پژوهش توسط زهرا فضایی و به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم قرآنی میبد دفاع شده و باهدف آشنایی با مسایل و منابع اقتصادی که در قرآن ذکر شده نگاشته شده است که البته جز در موارد جزئی با موضوع مورد تحقیق شباهت ندارد در این پژوهش بابررسی آیات اقتصادی قرآن پیام ها و رهنمود های قرآنی در این زمینه بیان شده است.

۲- فقر و غنا در قرآن و حدیث

این پایان نامه نوشته ی ابوالقاسم منیر دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران
واحد شمال می باشد که

مباحث آن در دو بخش نگارش شده است، بخش اول فقر که در این بخش معنای لغوی واصطلاحی
فقر، آیات مربوط به آن و بررسی فقر از نظر روایی و همچنین انواع فقر ذکر شده است.

بخش دوم غناست که در آن معنای لغوی و اصطلاحی غنا، آیات و کاربرد آن در قرآن
و حدیث، انواع غنا و قسمت پایانی که در مواردی با موضوع مورد تحقیق مشابهت دارد شامل میانه
روی، قناعت و پرهیز از تکلف می باشد.

۳- عدالت اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم

پژوهش فوق الذکر توسط فاطمه نقره دانشجوی دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی ارشد انجام
شده که شامل سه فصل بوده که فصل اول مفهوم شناسی عدالت اقتصادی، فصل دوم مبانی نظری
این معیارها در قرآن و در فصل سوم که این معیارها بررسی شده اند

معرفی اهمّ مقالاتی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است.

در طی سالهای اخیر وبادرايت مقام معظم رهبری مبنی بر مهم و حیاتی بودن اقتصاد و جهاد در
این زمینه پژوهشگران نسبت به این مساله حساس شده و مقالاتی نگاشتند تا به جنبه های مختلف آن
بپردازند

۱- مصرف و مصرف گرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی

در این مقاله که توسط سید اکبرسیدی نیا نگاشته شده، بر آن است تا از خلال مراجعه به متون
دینی اسلام به معرفی این پدیده بپردازد.

۲- بسترهای تهدید و تطمیع در جهاد اقتصادی

در این مقاله که توسط محمدمهدی بهداروند نگاشته شده راههای تحقق جهاد در زمینه ی اقتصاد معرفی و بررسی شده که یکی از مهمترین راهها ترویج و نهادینه کردن فرهنگ جهادی در این زمینه است

۳- جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (ع)

در این مقاله که توسط اصغر طهماسبی بلداجی و آذر طهماسبی بلداجین نگاشته شده، جهاد در زمینه ی اقتصاد یکی از مصادیق مهم حماسه ی اقتصادی بیان شده که تاثیر آن کمتر از دیگر جهادها در حفظ و پیشرفت کشور نیست

۴- فرهنگ جهادی در اندیشه ی امام خمینی (ره)

در این مقاله که در میان مقالات برگزیده همایش انقلاب اسلامی و مدیریت جهادی است پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی فرهنگ جهادی عناصر اساسی فرهنگ جهادی از دیدگاه امام خمینی (ره) معرفی شده است سپس جهت گیری بنیادی و اعتقادی در فرهنگ جهادی بیان شده است.

۵- همسانی های فرهنگ جهادی در صدر اسلام و انقلاب اسلامی

نوشته محمدعلی سلطانی که در این مقاله فرهنگ جهاد و ویژگی های آن در صدر اسلام و همچنین ویژگیهای آن در انقلاب اسلامی ایران بیان شده است.

مبحث هشتم: تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

واژه شناسی

کلید واژه ها: فرهنگ، جهاد، اقتصاد، فرهنگ جهادی، فرهنگ جهادی در اقتصاد

مفهوم فرهنگ

فرهنگ در لغت:

«واژه ای است فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است «فر» پیشوند و به معنای جلو، بالا و پیش آمده است. هنگ ریشه ای اوستایی به معنی کشیدن و سنگینی وزن می باشد»^۱. «این واژه مرکب، که از لحاظ لغوی به معنی بالا کشیدن و بیرون کشیدن است، در ادب فارسی به معنای مختلفی چون دانش، علم، معرفت، ادب، تربیت، هنر، آموختن و به کار بستن، آداب، بینش و ایدئولوژی مذهبی است»^۲.

از دیگر معانی که برای فرهنگ در نظر گرفته اند آداب و رسوم است در فرهنگ عمید آمده «فرهنگ به معنای آداب و رسوم است و نیز به معنای تعلیم و تربیت است. یکی دیگر از معانی که برای فرهنگ در نظر گرفته شده است، معرفت است»^۳

فرهنگ در زبان عربی به معنای الثقافة است که همان فرهنگ و ادب و تربیت است. در فرهنگ المحيط ذیل واژهی الثقافة «الادب-التربیه»^۴ آمده است.

فرهنگ در اصطلاح:

عبارتست از «مجموعه باورها و دست آوردها و اندوخته های معنوی هر جامعه که زیربنایی ترین بخش هر جامعه نیز محسوب می گردد»^۵.

معنای دیگری برای فرهنگ در اصطلاح این است «شیوهی زندگی مردم معین و میراث اجتماعی مشخصی است که فرد از گروه می گیرد»^۶.

مفهوم جهاد

جهاد در لغت:

۱. روح الامینی، محمود، ۱۳۶۸، «زمینهی فرهنگ شناسی»، ص ۱۲.

۲. معین، محمد، ۱۳۷۵. «فرهنگ معین». ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۳. عمید، حسن، «فرهنگ عمید». انتشارات امیرکبیر، ص ۷۶۹.

۴. فهری، سیدابوالحسن، «فرهنگ المحيط». ص ۵۲۹.

۵. وکیلی، حسینعلی، فرهنگ فارسی به فارسی، تهران، انتشارات دُر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲.

۶. شرف الدین، سید حسین، «مفاهیم نظری اقتصاد و فرهنگ»، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی، ص ۲۴.

جهاد به عنوان یکی از فروع دین اسلام شناخته شده است. جهاد از جمله ارکان عبادی در فرهنگ اسلامی است که به معنای مختلفی از کوشش در راه خدا مخصوصاً در راه دین، اطلاق شده است.

«جهاد از نظر لغوی بر وزن فعال از ریشه‌ی (جَهَد) به معنای کوشیدن است»^۱. در فرهنگ عمید آمده: «جهاد از ریشه‌ی جهد است به معنی تلاش و کوشش جهت بدست آوردن چیزی و کوشش در راه حق»^۲. از دیگر معانی جهاد، کارزار کردن، جنگیدن در راه حق و رنج برای مبارزه با امیال نفسانی است.

در تعریفی که فقها و عالمان دینی از جهاد دارند این برداشت به دست می آید که به نظر آنان جهاد تنها محدود به جنگ در راه خداست و دیگر گونه های جهاد-مانند جهاد با نفس -جایگاهی فقهی ندارد. اما نزد برخی دیگر از عالمان با معنای جهاد با توسعه‌ی بیشتری همراه است و در بردارنده‌ی هر نوع بذل جان و مال در راه اعتلای کلمه اسلام است.

پس از بررسی و تحلیل لغوی واژه‌ی جهاد، متوجه جایگاه و ظرافت معنوی مهم جهاد خواهیم شد. مهمترین شاخصه های لغت شناسانه جهاد عبارتست از:

الف. در جهاد «وسع» و «طاقت» ملاک است، به همین خاطر است که در لسان العرب، جهاد با «کار بستن تمام توان» شناسانده شده است»^۳.

ب. در جهاد عنصر «سختی» و «مشقت» نهفته است.

ج. در جهاد «آگاهی» وجود دارد، به این معنا که شالوده‌ی جهاد را معرفت تشکیل میدهد. جهاد در اصطلاح:

در کاربرد اصطلاحی جهاد، در تمام موارد ذکر شده، در بحث لغوی بکار می رود و همواره علاوه بر کوشش، به معنای رویارویی با یک طرف مقابل هم بوده است. پس جهاد در اصطلاح یعنی انجام کار و تلاش تا حد توان برای رویارویی در برابر دشمن.

مفهوم اقتصاد

اقتصاد در لغت:

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی، ج ۲، ص ۴۶۰.

۲. فرهنگ عمید، ص ۳۸۸.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعة، چاپ سوم، ماده جَهَد.

با بررسی فرهنگ های لغت این نتیجه حاصل شد که اقتصاد از ریشه ی قصد است به معنی راه راست در فرهنگ رائد آمده: «قصدت قصده یعنی آهنگ او کردم. اقتصاد بر دو معنی استوار است، یکی پسندیده است که حد وسط و میانه ی تفریط و افراط است. دومین معنی که برای آن گفته اند این است که امری است که بین پسندیده و ناپسندیده در نوسان است»^۱

«از معانی دیگر آن، میانه رفتن، میانه روی در هر کاری، رعایت اعتدال در دخل و خرج و به اندازه خرج کردن است»^۲

اقتصاد در آیات قرآنی نیز به معنای میانه و اعتدال به کار رفته است: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ»^۳ یعنی بعضی از آنان بر خود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند.

اقتصاد در اصطلاح:

در ذکر معنای اصطلاحی اقتصاد باید گفت: در اصطلاح به معنی حالت اعتدال بین زیاده روی و خست ورزی است، خداوند می فرماید: «والذين اذا أنفقوا لم يسرفوا لم يقتروا و كان بين ذلك قواماً»^۴ و آنان که چون هزینه کنند اسراف نمی کنند و خست نمی روند بلکه میان این دو راه اعتدال را در پیش می گیرند.

همین معنا در کلام امیرالمومنین نیز مشاهده می شود: «ما عال من اقتصد» که هر کس میانه روی پیشه کند، نیازمند نگردد.

اقتصاد در اصطلاح علمی، دانش است که «مطالعه ی چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع بین افراد مختلف است».

۱. فرهنگ رائد، ج ۲، ص ۱۳۷۱.

۲. سوره فاطر، آیه ۳۲.

۳. سوره فرقان، آیه ۶۷.

۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۰.

۵. افشار، اسدالله، ۱۳۹۰، رشد، پیشرفت، توسعه اقتصادی، انتشارات سفیراردهال، ص ۳۱.

مفهوم فرهنگ جهادی

فرهنگ جهادی « مفهومی ارزشی در فرهنگ اسلامی است که موجب رفتار مجاهدانه در عرصه های مختلف خواهد بود. فرهنگ جهادی همان فرهنگ دین و مکتب است، همان فرهنگ ولایت و امامت است»^۱.

« فرهنگ جهادی، شامل مجموعه ی وسیعی از اعتقادات، اخلاق و نحوه ی معاشرت و رفتار به ویژه یک نوع روش کار خالصانه و ایثارگرایانه است که با هدف رفع محدودیت از گروه خاصی آغاز شد»^۲.

بنابراین به طور کلی می توان گفت فرهنگ جهادی در اصطلاح «یک مفهوم کلی است که از جمله مصادیق آن دین محوری، ولایت مداری، ایثار، مردم گرایی، ارزش مداری، خودباوری، پویایی و ... می باشد»^۳.

می توان این گونه نتیجه گرفت که فرهنگ جهادی، فرهنگی است که در آن تمایلات دینی و ملی بسیار و صفت دینی بر سایر صفتها برتری دارد، فرهنگ جهادی برای یک زمان و مکان خاص نیست و قابل تعمیم به همه ی زمانها و مکانها است. همچنین مفهوم های مهمی چون، ایثار، فداکاری، سختی، صبر و ... در فرهنگ جهادی موج می زند.

تعریف دیگری که برای مفهوم فرهنگ جهادی می توان قائل بود این است که فرهنگ جهادی مجموعه ی باورهای اعتقادی مذهبی و ولایی است که در سایه ی رهبری های داعیانه ولایت فقیه و تعالیم اسلامی است.

مفهوم جهادی در زمینه ی اقتصاد به معنای باور، شیوه ی رفتار و ضوابطی است که به صورت تلاش جهادی و برای جلب رضای خدا به گونه ای خستگی ناپذیر در زمینه ی اقتصاد انجام پذیرد، به عبارت دیگر آنچه که موجب تلاش و مجاهدت مقدس در عرصه های مختلف اقتصادی است و موجب تلاش ایثارگرانه با قصد قربت در صحنه ی جنگ اقتصادی با دشمن است.

۱. مقاله ی جهاد اقتصادی، فرهنگ اقتصاد، اقتصاد و فرهنگ.

۲. زواره، علیرضا. «راهکارهای توسعه ی فرهنگ جهادی در نظام اداری» مقالات همایش فرهنگ جهادی، ۱۳۸۸.

۳. زارع، ساسان، مدیریت جهادی مدیریتی برخاسته از فرهنگ جهادی، دبیرخانه مدیریت جهادی

بخش دوم:

تجزیه و تحلیل یافته ها

فصل اول:

ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد از دیدگاه

قرآن و روایات

مقدمه:

نگاهی به وضعیت کنونی از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، این نکته را به انسان یادآور می‌شود که برای رسیدن به نقطه‌ی اوج و شکوفایی کشور و قطع کردن چشم طمع بیگانگان و خشتی کردن توطئه‌های آنان و موانعی که سد راه چرخه‌ی اقتصاد کشور دارند، ضرورت اجرایی شدن فرهنگ جهادی را به ما نشان می‌دهد. فرهنگ جهادی مسئله‌ای است که توسط قرآن و اهل بیت(ع) اشاره شده است. اهل بیت(ع) - همواره بر تلاش و جدیت تأکید داشته‌اند و تصریح کرده‌اند مسلمانان نباید وابسته و نیازمند دشمنان باشند بلکه همواره باید ملتی عزیز و سربلند باشند.

دیدگاه اسلام به زندگی انسان همواره کاملترین و دقیق‌ترین شناخت به زندگی انسان و مسائل آن داشته است زیرا اسلام دین آخر و کامل‌ترین دین اسلام، سپس فرامین و رهنمودهایش برای کمال و سعادت کافی است.

قرآن کریم مباحث زیادی در مورد جهاد در اقتصاد و نکوهش بیکاری و تنبلی و راه‌های سعادت جامعه‌ی اسلامی و عزت مسلمین بیان فرموده است.

با توجه به این که فعالیت و تلاش اقتصادی، رمز بقای جامعه است باید بیان شود چه نوع فعالیت‌ی جهادی است و اساساً فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد چه ویژگی‌هایی دارد.

نمی‌توان تنها با فعالیتها و اقدامات کوچک به فرهنگ جهادی رسید. فرهنگ جهادی مستلزم داشتن شرایط و ویژگی‌هایی است که در این بخش به آنها پرداخته می‌شود.

در جهان امروز هر یک از جوامع به نحوی با مسائل اقتصادی و توسعه‌ی همه جانبه‌ی آن مواجه هستند. جوامع پیشرفته در فکر حفظ و ارتقاء سطح توسعه‌ی خود بوده و جوامع عقب افتاده نیز در پی رسیدن به آنها قرار دارند. در این میان بررسی و توجه به نوع رفتارها و فرهنگ اقتصادی مردم جامعه از جمله مواردی است که نیاز به بررسی و توجه بیشتر دارد.

برای رسیدن به جامعه‌ای سالم و نمونه باید در کنار رشد اقتصادی به سالم سازی فعالیت ها و مقابله با مفاسد از یک سود و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی از سوی دیگر پرداخت و این در حالی است که مهمترین شیوه ها و ضوابط دستیابی به آن در آموزه های اسلامی آمده است.

در جهان بینی اسلامی، کار و تلاش در زمینه‌ی اقتصاد مفهوم ویژه ای دارد و دنیا و آخرت را به هم پیوند می زند و به عنوان مثال در باب اهمیت کار و تلاش برای خانواده می توان گفت که «پیامبران نیز همگی در بسیاری از مواقع کار می کردند، کارهایی سخت و طاقت فرسا، از چوپانی گرفته تا خیاطی و زره بافی و از هیچ وقت در خانه نمی ماندند»^۱

شاید بعد از تقوای الهی کمتر مسئله ای باشد که به اندازه‌ی اقتصاد و تأمین آن برای رفاه خانواده در قرآن و بیانات ائمه اطهار(ع) به آن پرداخته شده باشد. به عنوان مثال در سوره مبارکه شعرا آمده:

اذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اَلَا تَتَّقُونَ * اِنِّیْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ * فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوْا * وَمَا اَسْأَلُكُمْ عَلَیْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِیْ اِلَّا عَلٰی رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ * اَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُخْسِرِیْنَ * وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِیْمِ * وَلَا تَبْخَسُوْا النَّاسَ اَشْیَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوْا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ *^۲

حضرت شعیب(ع) قوم خود را پس از دعوت به حق و تقوا، به عدالت مالی و ادا کردن حق پیمانه دعوت می کند و می گوید کم فروشی نکنید و دیگران را به خسارت نیندازید.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۱.

۲. سوره شعراء، آیات ۱۸۳-۱۷۷.

این مسئله نشان می دهد که مسائل اقتصادی یک جامعه را نمی توان ساده شمرد و نیز نشان می دهد که پیامبران فقط مأمور به مسائل اخلاقی نبودند، بلکه اصلاح وضع نابسامان اجتماعی و اقتصادی نیز بخش مهمی از دعوت آن ها را تشکیل می داده است.

«در مورد اهمیت مسائل اقتصادی و کا رو تلاش جهادی می توان به داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم اشاره کرد که در میان مشکلات متعدد مصر تصمیم گرفت خزانه داری را برعهده بگیرد»^۱

« قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ »^۲

یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.

بدیهی است که برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی، انجام کار جهادی و تلاش خستگی ناپذیر با توجه به تخصص فردی و اجتماعی ضرورت دارد. در توضیح معنای جهاد در اقتصاد می توان به فرمایشات مقام معظم رهبری، آیت اله خامنه ای توجه نمود. ایشان در تشریح جهاد در اقتصاد می فرماید: «هر تلاشی را نمی توان گفت جهاد. در جهاد حضور و رویارویی با دشمن مفروض است. انسان یک تلاش می کند در حالی که دشمن در مقابل او نیست، این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاش را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است، این می شود جهاد»^۳. در مورد این آیه باید ذکر کرد چون کار حضرت یوسف (ع) به نوعی جهاد بوده، این آیه را برای شاهد مثال آوردیم، کاری که آن حضرت در آن زمان انجام داد جهاد اقتصادی بود، زیرا ایشان با اندیشه ها و کارهای خویش انقلاب و جهادی در دربار مصر به وجود آوردند.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۰.

۲. سوره یوسف، آیه ۵۵.

۳. خامنه ای، سیدعلی، سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۹۰/۱/۸.

قبل از بررسی. ویژگی های فرهنگ جهادی به بیان مبانی اقتصاد در قرآن می پردازیم تا به نظر کلی قرآن درباره ی اقتصاد برسیم آن گاه مسئله فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد را بررسی می کنیم.

گفتار اول: مبانی اقتصاد در قرآن

قبل از بیان ویژگی های فرهنگ جهادی به بیان مبانی اقتصاد در قرآن می پردازیم تا به نظر کلی قرآن در باره اقتصاد پی ببریم.

اقتصاد به عنوان یکی از لوازم آسایش انسان در دنیا و وسیله ای برای رسیدن به آخرتی خوب است. قرآن در مورد مسائل اقتصادی و معیشتی رهنمودهای بسیاری دارد. البته به این معنا نیست که قرآن تنها راه رسیدن به سعادت را مسائل مادی می داند بلکه به این معناست که از نظر قرآن اقتصاد وسیله است نه هدف، یعنی اقتصاد و وسائل مادی را می توان به عنوان وسیله ای برای رسیدن به سعادت دانست، نه اینکه اقتصاد تنها هدف زندگی باشد که در این صورت می شود نظام سرمایه داری و اسلام با این مخالف است. اسلام می خواهد ما با استفاده از مادیات و قرار دادن اقتصاد به عنوان وسیله، به کمال و سعادت دنیوی و اخروی برسیم.

اقتصاد در قرآن دارای مبانی و اصولی است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

۱- تجلی توحید در اقتصاد

از دیدگاه قرآن کریم، تمامی کائنات از جمله انسان، منابع و ابزارهای تولید، مخلوق خداوند علیم و حکیم هستند. قرآن کریم اصرار دارد به انسان بیاموزد به این نکته توجه دهد که از عوامل زمینه ساز گرفته تا عوامل مباشر در تولید، همه مخلوق اویند: «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»^۱. او کسی است که بادهای را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستند تا ابرهای سنگین بار را بر دوش

۱.سوره اعراف/آیه ۵۷.

کشند؛ سپس ما آنها را به سوی زمین های مرده می فرستیم و به وسیله ی آنها آب حیاتبخش نازل می کنیم و با آن ، هر گونه میوه ای بیرون می کشیم.

خداوند متعال در سوره ی مبارکه اسراء آیه ی ۱۲ می فرماید «وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» و نشانه ی روز را روشنی بخش ساختیم تا فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید).

انسان باید توجه داشته باشد تمامی کائنات تحت فرمان الهی هستند و خداوند آنها را آفرید که انسان از آنها بهره مند شود «رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ»^۱ پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از نعمت او بهره مند شوید و یا در سوره ی جاثیه آیه ۱۳ «سَخَّرْ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» او آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است. همه را از سوی خود مسخر شما ساخته است.

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ»^۲ و خداوند هم شما را آفرید و هم آنچه را می سازید. هر چند انسان با اراده ی خود کار می کند، ولی اراده خداوند نیز به آن تعلق گرفته است؛ او نمی تواند مستقل و بی نیاز از خداوند متعال باشد، بنابراین فعالیت های او وابسته به خداوند می باشند. پس توحید نه تنها در تولید تجلی پیدا می کند که در توزیع نیز نمود روشنی دارد:

« لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ »^۳ کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. روزی را برای هر کس بخواهد گسترش میدهد یا محدود می سازد، او به همه چیز داناست .

۱. سوره اسراء، آیه ۶۶.

۲. سوره صافات، آیه ۹۶.

۳. سوره شوری، آیه ۱۲.

۲- اقتصاد؛ مظهري از عبوديت

از دیدگاه قرآن کریم، فعالیتهای اقتصادی و مبادرت به بهره گیری از مواهب طبیعی برای تأمین معاش می تواند یک عمل عبادی و مظهري از عبودیت خداوند متعال باشد. در سوره ملک آیه ۱۵ آمده است :

« هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ »^۱ او کسی است که زمین را رام کرد بر شانه های او راه بروید و از روزی های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.

۳- سعی و تلاش وعدم وابستگی، نشانه‌ی جهاد در اقتصاد

در قرآن کریم، سعی و تلاش در معنای مختلف اعم از مادی و معنوی بکار رفته است. در برخی آیات در معنای تلاش در امور معنوی و برخی آیات دیگر، در امور مالی به کار رفته است؛ مثل :

«أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ»^۱ امام آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا زندگی می کردند.

در سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء آیه‌ی ۶۶ می فرماید:

« رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا »^۱ پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از نعمت او بهره مند شوید. او نسبت به شما مهربان است. در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی جمعه آمده: « فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »^۲ که می فرماید پس از عبادت کار و تلاش را آغاز کنید تا از نعمتها بهره‌مند شوید و رستگار شوید. در آیه‌ی فوق، تلاش و فعالیت اقتصادی را همراه با ذکر خدا آورده و این نشان می دهد فعالیت اقتصادی هم مثل یاد خدا باعث رستگاری انسان می شود.

۱. سوره کهف/آیه ۷۹.

«اسلام برتر است و چیزی برتر از آن وجود ندارد»^۱ بنابراین در مناسبات سیاسی نیز باید برتری اسلام و مسلمین مراعات گردد. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»^۲ برای مقابله با دشمن تا آنجا که می توانید نیرو و اسبان جنگی آماده کنید تا به این وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. طبق این آیه «نباید از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که در مفهوم (قوه) مندرج اند و نقش موثری در پیروزی بر دشمن دارند، غفلت کرد»^۳ با توجه به این آیه و بسیاری از آیات دیگر در می یابیم که حفظ حاکمیت سیاسی اسلام از اهداف مهم اقتصاد اسلامی است. در آیات ذکر شده، همگام با عبادت، مسأله اقتصاد مطرح شده که این نشان از اهمیت آن دارد، با توجه به این نکته و اهمیتی که حاکمیت سیاسی برای اسلام دارد نتیجه می گیریم هر فعالیتی که موجب کمک کردن در این راه شود و در هر زمینه ای که باشد نشانه ای برای جهاد در آن زمینه است.

۴- اقتصاد و مبارزه با فقر:

قرآن برای رفع فقر به کارهای ظریفی توصیه کرده است که علاوه بر حکومت، افراد جامعه نیز وظیفه ای انجام آنها را دارند. قرآن با مالکیت خصوصی و به رسمیت شناختن آن و از دست به دست گردیدن ثروت بین اغنیاء و توانگران مخالفت کرده است «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...»^۴ «نباید اموال عظیم بین اغنیاء شما دست به دست گردد. این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می کند و جهت گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به مالکیت خصوصی اموال و ثروت ها در دست گروهی محدود، متمرکز نشود»^۵.

البته این به این معنا نیست که ما ثروت را از گروهی بگیریم و به گروهی دیگر بدهیم، «اگر مقررات اسلامی در زمینه ی تحصیل ثروت و هم چنین مالیاتهای همچون خمس، زکات، احکام بیت المال و ... درست پیاده شود، خود به خود چنین نتیجه ای را خواهد داد که در عین احترام به

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۷، ص ۲۶۹.

۲. سوره انفال/آیه ۶۰.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۷، ص ۲۶۹.

۴. سوره حشر، آیه ۷.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۳، ص ۵۱۷.

تلاشهای فردی مصالح جمع تأمین شود و از دو قطبی شدن جامعه جلوگیری خواهد شد.^۱ امام صادق (ع) - می فرمایند:

«اگر همه‌ی مردم زکات اموال خود را بدهند، مسلمانی فقیر و نیازمند باقی نخواهد ماند و مردم فقیر، محتاج و گرسنه نمی شوند مگر به خاطر گناه ثروتمندان»^۲ قرآن دفاع از مال را در حکم جهاد تلقی کرده، زیرا جهاد به همان اندازه که مردان با اخلاص و کار آزموده نیازمند است به اموال و ثروت نیز احتیاج دارد. جهاد هم نفقات آماده می خواهد و هم سلاح و تجهیزات.

قرآن این آیه را بعد از آیات جهاد بیان کرده و بیانگر اهمیت انفاق است: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ احْسِنُوا إِلَى اللَّهِ يَحِبَّ الْمُحْسِنِينَ». و انفاق کنید در راه خدا و با ترک آن خود را به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد. این آیه اگر چه ذیل آیات جهاد آمده است؛ ولی بیانگر یک حقیقت عام و اجتماعی است که به طور کلی سبب نجات جوامع از مفاسد کشنده است؛ زیرا هنگامی که انفاق به فراموشی سپرده شود و ثروتها در دست گروهی محدود جمع گردد و در برابر آنان اکثریتی محروم وجود داشته باشد، دیری نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در جامعه به وجود می آید که نفوس و اموال ثروتمندان در آتش خواهد سوخت و از این جا رابطه‌ی مسئله انفاق و پیشگیری از هلاکت روشن می شود.

گفتار دوم: ویژگی های فرهنگ جهادی در اقتصاد:

فرهنگ جهادی جایگاه خاصی در آیات و روایات دارد. فرهنگ جهادی راهکاری است که امروزه به عنوان نقطه‌ی عطفی برای حل مشکلات در نظر گرفته می شود. اگر مردم از لحاظ معیشتی و اقتصادی در مضیقه باشند روند رشد و پیشرفت کشور کند خواهد شد.

فرهنگ جهادی دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر مسائل مربوط به اقتصاد متمایز می کند زیرا اقتصاد با سود و زیان است و جهاد با ایثار و از خود گذشتگی قرین است. لذا فرهنگ جهادی در اقتصاد موردی ویژه و خاص است که دارای ویژگی هایی مخصوص است، ویژگی هایی که اگر در اقتصاد به کار گرفته شود شاهد شکوفایی و بالندگی زیادی از آن خواهیم بود.

۱- ولایت مداری

امام و پیشوا در آموزه های قرانی آیت الهی است تا نقش راهنما و پیامبری را در میان امت ایفا کند. این نقش دارای ابعاد گوناگونی است. از جمله این نقش ها می توان به روشنگری و بصیرت بخشی به امت اشاره کرد تا همه چیز را از یک زاویه خاص و از دریچه الهی بنگرند و در محور توحید حرکت کرده و راه خویش را بیابند و در این چارچوب وظیفه و تکلیف وجودی خویش را ادا کنند.

((اولی الامر در جایگاه سیاسی ، اجتماعی خود لازم است تا امت را در مسیری قرار دهند تا اهداف و فلسفه ی آفرینش را تحقق بخشند. ولی فقیه به عنوان نماینده خلیفه الله در عصر غیبت این مسئولیت را به عهده دارد، این مسیر را بشناسد و به امت نشان دهد.

از آن جایی که بسیاری از مسائل تا در مقام عمل در نیاید خود را چنان که هست نشان نمی دهد، لازم است تا نظریه های علمی در قالبها و شکل های عملی در برنامه ها و سیاستها ارائه شود. از این جاست که سیاست ها را تبیین و روشن نماید و امت را به سمت اجرای آن رهنمون ساز))^۱.

هدف از این کار، اسوه سازی و ایجاد نمونه و الگوی کوچک است چرا که یک نمونه کوچک و الگوی خوب و شایسته می تواند ظرفیت های نظریه ها و برنامه ها را نشان دهد و از نقص و کاستی های آن بکاهد. از آن جایی که ولایت فقیه استمرار راه پ ایامبران و امامان(ع) است، نظریه ها و برنامه های ارائه از سوی وی نیز در این مسیر قرار دارد. ((پیامبران و امامان(ع) به حکم الهی و فلسفه ی بعثت، مأموریت و وظیفه داشتند تا با ارائه ی بهترین نظام فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب قانون عدالت محور مکتوب با قدرت مردم، امتی را بسازند که اسوه ی جامعه های بشری باشد))^۲. هرچند ولایت مداری یک ویژگی کلی است که قابل تعمیم به مسایل زیادی است ولی در فرهنگ جهادی نقش ویژه ای دارد که بدون آن، فرهنگ جهادی معنایی نخواهد داشت. ولایت مداری مثل یک مرکز ثقل و تکیه گاه است که به کارها جهت می دهد.

۱. مرادی نیا، شمس اله، تبیین فرهنگ و مدیریت جهادی و شاخص های آن، مجموعه مقالات همایش فرهنگ جهادی، خرداد ۸۸

۲. سوره حدید، آیه ۲۵ و سوره بقره، آیه ۱۴۳.

بنابراین مسئولیت ولی فقیه در استمرار حرکت پیامبران و امامان معصوم(ع) این است که جامعه‌ای شاهد، اسوه، نمونه و الگو بسازد و به جامعه‌ی جهانی ارائه دهد. به این دلیل که ولایت فقیه در امتداد راه امامان می باشد، همچنین به خاطر اینکه ولایت فقیه مسئولیت اداره‌ی جامعه را دارد و باید مردم را در صراط مستقیم نگه دارد و آنان را راهنمایی کند همچنین به دلیل اطیعوالله و رسوله، که همه این عوامل موجب اهمیت ولایت و ضرورت ولایت پذیری در فرهنگ جهادی می باشد.

برای ساختن این جامعه‌ی الگو ولی فقیه باید یک راه روشن به مردم معرفی کند تا مردم در سایه‌ی این راه و حرکت در آن به سعادت رسیده و الگویی برای سایر جوامع باشند.

جهاد در اقتصاد به عنوان بهترین راه برای تحقق جامعه‌ی عدالت محور و جامعه‌ای که بتواند به تمام اهدافش رسیده باشد مورد تأکید ولی فقیه و مقام عظمای ولایت است و اگر به صورت فرهنگ در بیاید و در کل جامعه رواج پیدا کند بهتر میتواند رشد کرده و باعث پیشرفت کشور شود.

حال که مشخص شد راه سعادت جامعه در گرو ولایت مداری و اطاعت از رهبری است پس در عرصه‌ی اقتصادی نیز باید پیرو ولی فقیه بود تا بتوان با تمسک به آن در این عرصه با موفقیت بیرون آمد.

عرصه‌ی اقتصادی یکی از مهمترین میدان‌هایی است که پیش روی هر جامعه‌ای قرار دارد، اقتصاد در جامعه‌ی اسلامی دارای حساسیت ویژه‌ای است چون کلید وابستگی و استقلال جامعه است. حال که متوجه این حساسیت شده ایم باید بدانیم با توجه به این شرایط و هم چنین شرایطی که کشور در این سالها پیدا کرده که به نوعی هشدار به خود است ضرورت وجود یک منبع ثابت که همه از آن پیروی کرده و آن را سرلوحه خویش قرار دهند، احساس می شود.

اگر در این زمینه بخواهیم جهاد و ارانه عمل کنیم و در برابر تهدیدهایی که از همه سو بر ما تحمیل شده مقاومت کنیم و این استقامت را به عنوان یک فرهنگ بپذیریم باید ولایت پذیر باشیم تا در این راه موفق شویم و در هیچ گردابی گمراه نشده و غرق نشویم.

توحید یکی از اصول دین است که حق حاکمیت مطلق را از آن خداوند متعال می داند و امامت نیز یکی از اصول دین است که ناظر به مسأله‌ی رهبری و حکومت در جامعه است. افرادی که از جانب خداوند متعال به عنوان امام و رهبر عهده دار حکومت باشند مسئولیت اجرای احکام ثابت

الهی از جانب او را داشته و تدبیر امور اجتماعی از جمله سیاستگذاری ها و تنظیم امور اقتصادی در سطح کلان متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان را از جانبی به عهده می گردند.

«اطیعوا الله و رسولہ و لا تنازعوا...»^۱

در این آیه مهمترین برنامه‌ی جهاد، توجه به مسأله‌ی رهبری است.

«ظاهر سیاق این است که منظور از «اطاعت» اطاعت دستوراتی است که از ناحیه‌ی خدا و رسول راجع به امر جهاد و دفاع از حریم دین صادر می شود.

در سوره‌ی منافقون آیه‌ی ۷ آمده:

« هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتّٰی يَنْفَضُوا... »

در این آیه اشاره به این مطلب شده که فشارهای اقتصادی در پراکندن مردم از پیرامون رهبری و جلوگیری از اطاعت کردن از ایشان دارد پس یکی از نشانه‌های مجاهدان در زمینه اقتصاد، پیروی از رهبر و ولی فقیه در هر زمان است. این نکته مستفاد از این قسمت است که می فرماید: لا تنفقوا...

باور به رهبری و اطاعت از ایشان یکی از ویژگی‌هایی است که هم در صدر اسلام جزو ویژگی‌های مجاهدان بود و هم در عصر کنونی از ویژگی‌های فرهنگ جهادی بشمار می رود. اعتقاد مردم به رهبری و اطمینان آنان به رهبری تأثیری غیر قابل انکار در پیشرفت کارها دارد.

در صدر اسلام عموم مسلمانان اعتقادی ژرف و عمیق به پیامبر(ص) و رهبری داشتند و در برابر تصمیم‌های او چون و چرا نداشتند و همین اعتقاد موجب می شد که از هر کاری پیروز و سربلند بیرون آیند. و این اعتقاد در هر جا که وجود داشت پیروزی نیز وجود داشت. و در هر موردی که از سوی کسانی مورد تردید قرار می گرفت عدم توفیق در کنارش بود.

رابطه‌ی جهادگران و خداوند رابطه‌ی عبودیت و ربوبیت است و این را قبول دارند که خداوند «رب» است و آنها «عبد» در نتیجه باید در برابر فرمان خداوند «تعبد» داشته باشند یعنی در برابر فرمان الهی، بندگی داشته و اطاعت کامل داشته باشند، پس باید آنچه را که خدا خواسته انجام دهند.

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

چنین حالتی را نیز باید در برابر کسی که از طرف خدا ولی قرار داده شده داشته باشند. پس اطاعت از پیامبر و امام نیز شاخصه‌ی اصلی جهادگران است و اطاعت از ولی امر فرمان امام معصوم است. آیه‌ای از قرآن، این نکته را در خود دارد:

« فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا »^۱ به پروردگارت سوگند اینان هرگز مومن نخواهند بود مگر آنکه در اختلافات خودشان تو را داور قرار دهند، سپس در داوری تو هیچ احساس ناراحتی در دل نداشته و کاملاً تسلیم باشند.

چون پیامبر رهبر جامعه است، پس هر گاه موضوع اطاعت از ایشان در مورد جامعه باشد، می‌توان نتیجه آن را تعمیم داد و آن را شامل ولی فقیه نیز کرد مطابق آیه ی ولایت.

در این آیه اشاره شده اطاعت از ولی امر باید به صورت تمام باشد.

امام علی(ع) در خطبه‌ی ۲۷ نهج البلاغه در مورد ضرورت اطاعت از ولی و رهبر چنین می‌فرماید:

شامیان در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود متفرقید. حضرت علی(ع) یکی از شاخصه‌های اصلی جهادگران و فرهنگ جهادی را اطاعت از ولی فقیه می‌داند.

« امام علی(ع) دلیل پیروزی شامیان را اطاعت از رهبر خویش میدانند و این در حالی است که حق هم با آنان نیست و دلیل شکست لشکر کوفه را نافرمانی از ولی خویش می‌داند هر چند که حق با آنها است».^۲

امام علی(ع) در این سخن این نکته را یادآور می‌شود که اطاعت از رهبری موجب پیروزی و موفقیت است هر چند ممکن است آن راه حق نباشد مانند شاهد مثالی که خود آورده اند. ایشان هم چنین در خطبه‌ی ۱۸۷، اطاعت از رهبری را امری ضروری می‌داند و می‌فرماید: «امام خود را تنها مگذارید که در آینده خود را سرزنش می‌کنید»

۱. سوره نساء، آیه ۶۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۵.

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »^۱ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.

از نشانه های ولایتمداری، تاسی از آرمان های رهبری و حمایت قاطع از رهبری است. انسان جهادگر باید ولایتمدار بوده و در هر شرایطی مطیع امر امام باشد. اگر اوضاع به گونه ای است که نیاز به جهاد (مسلحانه) است باید اطاعت کند و اگر نیازمند به جهاد در زمینه ی دیگری است باید به دیده منت نهد.

«یکی از مهمترین ویژگی های جامعه اسلامی ولایتمداری و رعایت حق رهبری (همان اطاعت از ایشان) است، اگر این حق بزرگ فراموش شود در این زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می شوند و اگر مردم ولایتمدار نباشند و بر حکومت چیره شوند، وحدت کلمه از بین می رود و نشانه های ستم آشکار می شود.»^۲

در نهج البلاغه در بیان ضرورت ولایتمداری آمده:

«ای مردم بصره، در پیدایش فتنه ها هر کس که میتواند خود را به اطاعت پروردگار عزیز و برتر مشغول دارد و چنان کند، اگر از من پیروی کنید به خواست خدا شما را به بهشت خواهم برد.»^۳

فرهنگ جهادی نیازمند یک وحدت و همدلی دارد همانطور که جهاد در درون خود نیازمند انسجام و همدلی است و یک لشکر متفرق و پراکنده هیچ وقت نمی تواند به اهداف خود دست پیدا کند ولو اینکه ظرفیت ها و توانمندیهای زیادی داشته باشد. لذا مورد نیاز است که حول محور ولایت حرکت کرده همه به حرکات و برنامه ها مطابق نظر ولایت بود تا به اهداف مورد نظر برسیم.

اطاعت از رهبر و پیروی از ولی مصداق بارز اطاعت از خداست:

« أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ »^۱

۱. سوره ص، آیه ۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۳. همان، خطبه ۱۵۶.

«بهترین پاداش الهی برای بندگان فرمانبردار است که رهبر خویش را اطاعت کردند»^۲

با توجه به آنچه ذکر شد نتیجه می گیریم اطاعت از ولی فقیه و رهبری شاخصه و ویژگی بارز فرهنگ جهادی است و برای رسیدن به فرهنگ جهادی باید ولایتمداری در بین مردم نهادینه شود و رهبر به عنوان مرکز و حسن ختام پوشش دهنده اصلی فعالیت ها باشد تا فعالیت ها در یک هدف قرار گیرند و در یک سو باشند.

در زمینه اقتصاد اگر بخواهیم فعالیت جهادی انجام دهیم و در آن زمینه به گونه ای باشیم که به یک نوع فرهنگ برسیم و در زندگی پیاده کنیم باید ولایتمدار باشیم تا کارهایمان خدایی باشد و در جهت رضای او در عین حال مایه ناامیدی دشمن.

«در سوره مبارکه آل عمران هنگامی که خدای سبحان به تحلیل شکست در جنگ احد پرداخته است یکی از عوامل عمده شکست مسلمین را، تخلف و سرپیچی از فرمان رهبری می داند».^۳

همین طور ذکر شد که امام علی(ع) در تحلیل خود از پیروزی شامیان این گونه می گوید که اطاعت و فرمانبری از رهبر را دلیل پیروزی می داند. از نظر آن حضرت بی توجهی به فرمان های رهبر و سستی نسبت به آن به قدری درد آورد است که می فرماید «کاسه های غم و اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید و با نافرمانی و ذلت پذیری رای و تدبیر مرا تباه کردید».^۴

۲- استقامت

ویژگی دیگر فرهنگ جهاد استقامت است. در کارهای جهادی باید ثبات قدم داشت و در برابر توطئه های گوناگون دشمن استوار بود. ارزش فعالیت های جهادی به این است که در راه خدا باشد و در آن سستی به خرج ندهد.^۵

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۲.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۷۷.

۵. سوره صف، آیه ۴.

مومنان در مواجهه با دشمن باید منظم و سازمان یافته باشند و هم چنین بنایی ریخته شده از سرب، استوار و نفوذ ناپذیر باشند(مرصوص از ریشه رصاص(سرب) مشتق است. بنیان مرصوص یعنی بنایی که با سرب استوار و محکم شده است).

فرهنگ جهاد، نماد بارز استقامت است. در مسئله اقتصاد اگر استقامت باشد، فشارهای اقتصادی مردم را دچار تزلزل می کند و از پیرامون رهبری پراکنده می کند. همانطور که در قرآن کریم داریم:

« هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا... »^۱

در این آیه اشاره به این می شود که فشارهای اقتصادی چه نقشی در پراکندن مردم از پیرامون رهبری دارند هر چند تنگدستی یاران پیامبر ناشی از حکمت الهی بود ولی منافقین از درک حکمت تنگدستی یاران پیامبر(ص) ناتوان بودند.

هدف فرهنگ جهادی این است که امت اسلامی در همه‌ی ابعاد زندگی از بیگانگان مستقل باشد. بدست آوردن این استقلال، با استقامت در برابر دشمنان و تحمل مشقتها میسر می شود.

قرآن کریم ضمن بیان لزوم ایستادگی در برابر دشمن، استقامت و صبر را لازمه‌ی رستگاری میداند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا ... لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ »^۲ ای مردم باایمان صبر بورزید و در برابر مشکلات استقامت کنید تا به رستگاری دست یابید.

پس با مقاومت در برابر سختی ها و شکیبایی در برابر مشکلات می توان اهداف مهم و الهی را دنبال کرد برای بالا بردن روحیه‌ی استقامت میان مومنان میتوان به آیه‌ی ذیل مراجعه کرده که همه‌ی قدرت و توان را از آن خدا می داند: «إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»^۳ هم چنین آنجا که می فرماید:

« أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلًا مِّنْكُمْ... »^۴ کار و تلاش شما(دینداران) را ضایع نکنم.

۱. سوره منافقون، آیه ۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۳. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.

در مورد استقامت و صبر داشتن بر مشکلات، روایاتی هم داریم مانند روایتی از امام صادق(ع) که می فرمایند:

« الصَّبْرُ يُعِيبُ خَيْرًا ، فَاصْبِرُوا تَظْفَرُوا »^۱ صبر و استقامت پیامد نیکی در پی دارد، استقامت کنید تا پیروز شوید. هم چنین حدیثی از امام علی (ع) که ایشان معتقدند صبر و شکیبایی دشمنان را به زانو در می آورد و به شکست وادار می کند: «الصبر يرعنم الاعواء»^۲. خداوند متعال برای امید بخشی به کسانی که در راه خدا ثبات قدم دارند و مشکلات را تحمل می کنند می فرماید:

« اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... »^۳

خدا ولی مومنان است و آنان را از ظلمتها به سوی نور و روشنایی سوق میدهد. پس هر کس خدا را ولی خویش بداند و در راه او و در اعتلای اسلام تلاش کند و در برابر حربه های مختلفی که دشمنان به کار می برند استقامت کند خداوند او را به سوی نور خویش هدایت می کند.

فرهنگ جهادی، ادامه ی راه اولیای خداست زیرا در فرهنگ جهادی هم مثل راه اولیای خدا، باید در راه خدا ایستادگی کرد و از راه راست منحرف نشد حال در هر زمینه ای که باشد خواه عقیدتی یا سیاسی یا اقتصادی.

در سوره ی مبارکه ی آل عمران آیات ۱۴۸ تا ۱۴۶ به این مطلب اشاره شد که همواره در طول تاریخ خداپرستان و موحدان زیادی همراه پیامبران تلاش و زحمت داشتند و در این راه استقامت ورزیده و سستی به خرج ندادند و این ویژگی اصلی آنان است، آنان ضعف و ناتوانی به دل راه ندادند و در برابر دشمن تسلیم نشده و از خدا ثابت قدمی را خواستند و بر همین دلیل خداوند به آنها پاداش دنیوی و بهترین مراتب اخروی را ارزانی داشت.

لذا استقامت ویژگی و شاخصه ی فرهنگ جهادی است. فرهنگ جهادی با استقامت داشتن عجین است و از آن جداشدنی نیست.

۱. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۳، میزان الحکمة، قم، انتشارات دارالحديث، ج ۵، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۵۷.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

امام علی(ع) در مورد استقامت داشتن می فرماید:

«واستشعروا علی الصبر، فانه إلى النصر»^۱ صبر و استقامت را شعار خویش سازید که پیروزی می آورد.

استقامت شاخصه اصلی ویژه در فرهنگ جهادی است، زیرا جهاد به منظور غلبه(سیاسی- اقتصادی و ...) بر دشمن انجام می شود و این مهم همراه با سختی و مشقات فراوان است، بهمین دلیل باید در این راه استقامت داشت تا بتوان در این راه به سرانجام رسید و به اهداف مورد نظر دست یافت.

اقتصاد یکی از زمینه های است که دشمن با استفاده از آن نفوذ خویش را بر سایر ملتها می افکند، برای جلوگیری از این کار و ناکام گذاشتن دشمن در عرصه ی اقتصادی نیازمند فرهنگ جهادی در این زمینه هستیم که یکی از ویژگی های مهم آن داشتن استقامت و صبر است. مشکلات اقتصادی، معضلات و موانع زیادی را برای جامعه به وجود می آورد که تحمل این موانع و مشکلات با استقامت ممکن می شود و این یعنی فرهنگ جهادی.

در سوره ی مبارکه ی انفال ذیل دستوراتی که در مورد جهاد آورده،^۲ و ویژگی هایی که برای مجاهدان ذکر کرده، فرموده مجاهدان ثبات قدم و استقامت باید داشته باشند و یکی از نشانه های بارز ایمان و جهاد را ثبات قدم و استقامت دانسته است.

هم چنین این قسمت از آیه که فرموده:

« وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » که باز هم دستور به صبر و استقامت داده و فرموده خداوند با استقامت کنندگان است.

۳-احساس مسئولیت

ویژگی دیگر فرهنگ جهادی احساس مسئولیت در کارهای اقتصادی است. احساس مسئولیت در برابر رفع نیازهای هم نوعان خود است که از مبنای تقویت شخصیت اجتماعی افراد شکل می

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲. سوره انفال، آیه ۴۶.

گیرد. در جهان بینی اسلامی و در حوزه ی کار و تلاش، انسان در مقابل رفع نیازهای ضروری جامعه مسئول است. خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی نساء می فرماید:

« بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ
الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ »^۱

فرد مسلمان گاهی نیازهای خود را نادیده گرفته و نیازهای دیگران را بر خود مقدم می دارد که تحقق این روحیه نیازمند تلاش جهادی است چرا که توام با از خود گذشتگی است که این تلاش جهادی از داشتن فرهنگ جهادی نشأت میگیرد. در سوره ی حشر، خداوند متعال در مورد انصار می فرماید:

« وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ »^۲

آنان(انصار) هر چند به چیزی نیازمند باشند اما مهاجران را بر خویش (در آن چیز) مقدم می دارد. این روحیه نشانگر احساس مسئولیت آنان در قبال هم نوعان است.

و در جای دیگری می فرماید:

« وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ »^۳ (نمازگذاران)، آنانند که در اموالشان حقی معلوم برای سائل و محروم است.

یکی از عوامل قرار دادن مالیاتهای اسلامی نیز می تواند این احساس مسئولیت دین اسلام در قبال محرومان و مستضعفان باشد تا آنها بتوانند کمبودهای خویش را جبران کنند. افق مالیاتهایی که اسلام قرار داده مثل خمس، زکات و ... نشان دهنده همین حس مسئولیت و نوع دوستی است که باعث رشد اجتماعی، نوع دوستی و دستیابی به گوهر سعادت و کمال به شمار می رود.

این احساس مسئولیت در فرهنگ جهادی در ویژگی هایی چون انفاق و ایثار اقتصادی نمود بیشتری پیدا می کند

۱. سوره نساء، آیه ۳۶.

۲. سوره حشر، آیه ۹.

۳. سوره ذاریات، آیه ۱۹.

۱-۳-انفاق

«اعمال اقتصادی چون انفاق، احسان مالی، اطعام و ... به عنوان عمل صالح شمرده شده و عاملی برای ورود به بهشت. در حقیقت دو عامل مهم برای سعادت بشر عمل صالح ایمانی و عمل صالح در قالب عبادی و اقتصادی است که حرکت در این مسیرها انسان را به سعادت ابدی می‌رساند».^۱

اهمیت انفاق در اقتصاد اسلامی بسیار زیاد است. هم در قران آیاتی در این باره نازل شده و هم در سیره‌ی اهل بیت(ع) موارد زیادی از انفاق آمده است. پیامبر اکرم(ص) نمونه‌ی انفاق بود. هیچ نیازمندی را رد نمی‌کرد و اگر چیزی نداشت با سخن خوش، دل او را شاد می‌کرد.

«مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا نفاق می‌کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد و خداوند آن را براتی هر کس بخواهد (و. شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند و خدا وسیع و داناست».

«مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۲

در آیه‌ی شریفه‌ی «مثلی را که خداوند متعال آورده مقید به آخرت نکرده؛ بلکه به صورت مطلق فرموده است. بنابراین شامل دنیا نیز می‌شود». اگر انسان به این مهم برسد که ارزش کارهای نیک نیز در این دنیا به انسان میرسد، با جدیت بیشتر به انجام این امور پرداخته و در این باره حس مسئولیت بیشتری دارد.

با دقت در آیات و روایات در می‌یابیم، مراعات مسائل اخلاقی و روابط انسانی و رعایت قسط و عدل و انصاف و ... همگی نشان دهنده‌ی دقت و توجه اسلام به این امور حتی در مسائل مادی است و چنانچه این اموال در جامعه عملیاتی شود موجب برقراری عدالت و سالم سازی اقتصاد خواهد شد و انجام این کارها برای کسانی مقدور است که فرهنگ جهادی داشته باشند.

انفاق کردن شرایطی دارد که از آن می‌توان دریافت که این کار در زمره‌ی جهاد است و یکی از نشانه‌های فرهنگ جهادی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. زارع، ساسان، شاخصه‌های مدیریت جهادی، سایت اینترنتی سماسوس.

۲. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

الف: انفاق از آنچه که انسان به آن علاقه مند است انجام می شود.

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۱

تا از چیزهایی که دوست میدارید (و به آنها دل بسته اید) انفاق نکنید، هرگز به نیکوکاری دسترسی پیدا نمی کنید. همچنین در تفسیر مجمع البیان حدیثی ذکر شده از حضرت امام علی (ع) که ایشان لباس خویش را که به آن علاقه داشتند، بخشیدند و فرمودند:

«من أثر على نفسه آثره الله يوم القيامة بالجنة. و من أحب شيئاً ف جعله الله، قال الله تعالى يوم القيامة: قد كان العباد يكافئون فيما بينهم بالمعروف، و أنا أكافيك اليوم بالجنة»^۲

ایشان فرمودند: هر کس ایثار کند و دیگری را بر خود مقدم دارد (و چیزی را که خود دوست میدارد و برای خود می خواهد به دیگری بدهد)، خدا در روز قیامت او را در رفتن به بهشت مقدم میدارد و هر کس چیزی را دوست دارد و آن را در راه خدا بدهند خداوند در روز قیامت خواهد گفت: بندگان (در دنیا) به نیکیهای یکدیگر پاداش می دادند، و من امروز بهشت را پاداش به تو می دهم.

ب: انفاق در راه خداست و برای رضای خدا

«هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۳

توجه کنید این شماست که برای انفاق کردن در راه خدا دعوت می شوید...

امام علی (ع) نیز می فرماید:

« بجاست انسان آوای درون خود را دریابد و با امکانات مالی خود همان کند که پیام درونی خالص و پیراسته از هواهای نفسانی او می طلبد»^۴

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۲.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، ج ۲، ص ۴۷۳.

۳. سوره محمد، آیه ۳۸.

۴. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمدرضا حکیمی، ج ۵، ص ۴۱۱.

« وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ... »^۱

مثل کسانی که اموال خود را برای طلب رضای خدا انفاق می کنند (مثل بوستانی است بر تپه ای که ژاله بر آن بیارد و دو چندان بار دهد)...

از جمله ی و تثبیتاً من انفسهم این برداشت می شود که برخی از اتفاق ها برای پا برجایی بر دین حق و اطاعت است»^۲.

۲-۳: حذف مصرفهای تجملی و اشرافی

تولید و مصرف کالاهای تجملی و اشرافی در اعتقاد اسلامی به طور قاطع رد شده است، زیرا تولید و یا مصرف این گونه کالاها با اصول اسلامی تضاد و تناقض دارد. یعنی «از مصداقهای نیازمندی عمومی نیست- از مصداقهای سودمند بودن برای عموم نیست- از موارد قوام اجتماعی نیست و یا از وسایل پاسخگویی به نیازمندیهای عمومی نیست»^۳.

اصول ذکر شده طبق حدیثی از امام صادق (ع) برداشت شده^۴ که در آن کارها و صفت هایی که مردم به آن نیاز دارند و آنچه که برای اجتماع مفید و مجاز است را ذکر کرده اند. امام صادق (ع) رد این حدیث تمام وسایل یا کالاهای مورد نیاز انسان را در این ۴ اصل ذکر شده قرار داده اند. همانطور که می بینیم کالاهای تجملی و اشرافی جایی در این بین ندارند. اما مسئله دردناک این است که این نوع کالاها، مصرفشان در بین مردم روز به روز بیشتر شده و به صورت یک فرهنگ و هنجار در آمده است، در حالی که واقعیت امر چیز دیگری است. باید تا جایی که می توانیم فرهنگ استفاده از این نوع خدمات و وسایل را کنار گذاشته، مطابق اصول اسلامی زندگی کنیم. چون این قبیل کالاها نه تنها موجب تجمل پرستی و مصرف گرایی می شود بلکه موجب گرفتاری جامعه و وابستگی بیشتر جامعه به گردنکشان و قدرتهای استکباری میشود. اگر ما این را احساس کنیم باید در این باره احساس مسئولیت بیشتری نشان داده و با این پدیده مبارزه کنیم.

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۵.

۲. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۶، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۲۶۵.

۴. همان، ص ۲۶۱.

احساس مسئولیت در برابر چنین پدیده ای ویژگی فرهنگ جهادی است زیرا روی آوردن مردم به تجملات، روحیه خداترسی و اسلامی را از آنان دور می کند، لذا احساس مسئولیت در حذف مصرفهای نادرست و اشرافی نشان دهنده ی فرهنگ جهادی است.

اگر مردم در مورد مصرف گرایی و رواج اشرافی منشی احساس مسئولیت نداشته و با این پدیده، جهاد وارانانه مقابله نکنند پیامدهایی برای جامعه ی اسلامی در پی خواهد داشت:

الف: لذت پرستی و کامرانی:

لذت پرستی و غرق شدن در مادیات، شالوده ی معنویت را منهدم می سازد. جوهره ی اخلاق اسلامی را از بین می برد و این ویران شدن روحیات از مهمترین دستاوردهای زندگی تجملی است. در این صورت لذت پرستی رواج پیدا می کند و جایی برای پرداختن به معنویات باقی نمی ماند.

امام علی(ع) در پرهیز از لذت پرستی می فرماید:

«فلا یکن افضل ما نلت فی نفسک من دنیاک بلوغ لذت»^۱

ایشان همچنین در جای دیگر می فرماید ما کنت تصنع بسعة هذ الدار فی الدنیا، و انت إلیها فی الآخرة کنت أحوَج؛^۲

ایشان پس از جنگ بصره به خانه ی علاء بن زیاد وارد شده که از یاران امام بود. وقتی خانه ی مجمل و با شکوه او را دید فرمود: با این خانه ی وسیع در دنیا چه می کنی در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟

ب: شیوع افت اخلاقی:

از لوازم حتمی و آثار روشن زندگی پر ریخت و پاش و مصرفی، رواج یافتن اخلاق اشرافی و رفتار مصرف گرایانه و طرز معیشت ایشان در میان مردم و تقلید از این اخلاق و رفتار در بخش های گوناگون اجتماع است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۶.

۲. همان، خطبه ۲۰۹.

«اشراف مصرف گرا و مسرف از نفوذ فراوان در دیگر گروههای اجتماعی برخوردارند، مردم به آنان نگاه می کنند و در روش زندگی و اعمال و حرکات و طرز لباس پوشیدن و چیزهایی نظیر اینها به تقلید از آنان می پردازند و دوست دارند شبیه آنان باشند و این چیزی است که خود توانگران نمی خواهند آن هستند تا مردم نتوانند در برابر زندگی استثمارگرایانه آنها عرض اندام کنند و این هم باعث افت اخلاقی می شود».^۱

۴- عدالت محوری

ویژگی دیگر عدالت محوری است. فرهنگ جهادی به گونه ای است که در راستای عدالت قدم بر می دارد و شرایطش به گونه ای است که در راستای تحقق عدالت می باشد.

الف: مفهوم عدالت

وقتی واژه ی عدالت درباره ی خداوند به کار رود، وصف فعل خداوند شمرده میشود و مفهوم آن چنین است:

«رعایت استحقاقها در افاضه ی وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود با کمال وجود را دارد»^۲

ولی وقتی درباره ی انسان به کار گرفته می شد به دو گونه است:

اول: « گاه در مورد فعل انسان نسبت به فردش استعمال می شود؛ در این صورت عادل به کسی گفته میشود که آنچه موجب سعادت اوست انجام میدهد. و تاز کارهایی که برای سعادتش زیان بار است دوری می گزیند.

دوم: گاه در مورد فعل انسان نسبت به دیگری به کار می رود؛ در این صورت به این معناست که با هر فرد از افراد جامعه چنان که حق اوست رفتار می کند و هر کس را در جای مناسب خود قرار می دهد».^۳

۱. آرام، احمد، الحیة، ترجمه: محمدرضا حکیمی، ج ۳/ص ۱۷۳.

۲. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۸۲.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۴، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

این معنای دوم عدالت، شامل همه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی (اعم از دولت و ملت) یک جامعه می‌شود، که در این صورت عدالت اجتماعی به وجود می‌آید که هم شامل حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و حقوقی و اقتصادی و شاخه‌های آنها می‌شود. در این عدالت اجتماعی اصطلاحی به وجود می‌آید که تنها در مورد عدالت در توزیع ثروت و منابع و درآمدها در جامعه به کار می‌رود.

ب: اهمیت عدالت

تأمین عدالت در جامعه در مکتب اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که در سوره‌ی حدید، هدف ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی، اقامه‌ی قسط و عدالت معرفی شده است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱

تأمین عدالت در فرهنگ جهادی اهمیت بسزایی دارد. تا جایی که دغدغه‌ی تأمین عدالت شاخص‌ترین ویژگی جهادگران در فرهنگ جهادی است.

مطالعه‌ی تعالیم اجتماعی قرآن و اسلام نشان می‌دهد نگرانی اصلی شریعت از واگذاری انسانها به حال خود و هدف آن از طرح نظامات اجتماعی دینی، تحقیق عدالت اجتماعی است.

دین مقدس اسلام تحقق عدالت در عرصه‌ی اقتصاد را از دو طریق دنبال می‌کند؛ از یک سو به همه‌ی افراد جامعه حق می‌دهد که برخوردار از یک زندگی متعارف و آبرومندانه‌ی انسانی باشند و از سوی دیگر با اتخاذ احکام و روشهایی به دنبال متوازن کردن ثروت‌ها و درآمدها است.

اسلام فقر و گرفتاری انسان را نه در خست طبیعت و کمبود منابع، بلکه در اعمال و رفتار خود انسان‌ها می‌داند، طبق آیه‌ی شریفه‌ی

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»^۲ روزی هر جنبنده‌ای را خداوند مهیا کرده است و طبق آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ»^۳ هر آنچه به آن نیازمند است را فراهم نموده است و سپس باید ریشه‌ی هر چه فساد و بدبختی است را در جای دیگر جستجو کرد، یعنی در خود

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره هود، آیه ۶.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۳۴.

انسانیت و اعمال و رفتار او» **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ**^۱ فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است»

هر چه اقتصاد اسلامی، آزادی فعالیتهای اقتصادی را به عنوان یک اصل و منبع جوشش ابتکارات قبول دارد و حاصل تلاش و اندیشه ی هر فرد را به رسمیت می شناسد، لکن برای تحقق عدالت و جلوگیری از ضایع شدن حق برخی از افراد راه هایی را بیان کرده است که یکی از آنها جهاد در این زمینه و پیاده کردن فرهنگ جهادی در این باره است تا به وسیله ی آن در جامعه عدالت به وجود آید.

«در فرهنگ جهادی عدالت خواهی موج می زند و فرهنگ جهادی با عدالت خواهی و عدالت طلبی پیوند دارد. این عدالت محوری در مواردی چون کاهش سطح درخواستها و قانع و راضی بودن، خوش بینی در زندگی و کنترل نیازهای عادی زندگی گرایش به صرفه جویی و شکرگذاری در برابر مواهب الهی نمایان می شود»^۲

ج: مهمترین نشانه جامعه عدالت محور

جهاد اقتصادی به عنوان نقشه راه تحقق عدالت اقتصادی مورد توجه و تأکید مقام معظم رهبری است زیرا عدالت، مأموریت اصلی پیامبران و امامان بوده است. و عدالت اقتصادی همان عدالت مشهود و ملموس و به عبارت دیگر عدالت قسطی است هم چنین عدالت قسطی یعنی عدالت اقتصادی و مادی به عنوان هدف "آغازین هر جامعه ی بشری مورد تأکید اسلام و قرآن قرار گرفته است؛ زیرا جامعه ی آگاه به عدالت و خواهان آن میتواند بست ر لازم را برای فهم و درک اهداف آفرینش فراهم آورد. پس لازمه ی هر حرکت و جهادی در جامعه، در بر داشتن عدالت و قرار داشتن عدالت در متن اصلی ویژگی های آن است.

فرهنگ جهادی که فرهنگی برخاسته از دین مقدس اسلام است نیز باید عدالت محور بوده تا با اهداف خود سازگار باشد.

۱. سوره روم، آیه ۴۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

امام خمینی (ره) درباره‌ی عدالت در جامعه می‌فرماید:

«عدالت را اجرا کنید، عدالت راب رای دیگران نخواهید برای خودتان هم بخواهید».^۱

ایشان به این نکته متذکر می‌شوند که برای داشتن جامعه‌ی عدالت محور، باید هر فرد از خودش شروع کند و حق دیران را پایمال نکند.

امام علی (ع) می‌فرماید:

«والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء؛ لرددته فان فی العدل سعة و من ضاق علی العدل، فالجور علیه أضیق»^۲

به خدا سوگند بیت المال تاراج شده را در هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم گر چه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کسی که عدالت بر او گران آید تحمل ستم بر او سخت است.

پس یکی از مهمترین نشانه‌های جامعه‌ی عدالت محوری، اجرای عدالت اقتصادی در آن جامعه است هم چنین قرار دادن عدالت را در متن اصلی کارها از ویژگیهای مدیریت جهادی و یکی از شاخص‌های مدیریت غیر جهادی، عدم باور به عدالت اجتماعی است.

د: ضرورت وجود عدالت در فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد

فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصاد دارای شاخصه‌ی عدالت می‌باشد یعنی در فرهنگ جهادی که از اعمال و رفتار مجاهدان این راه، موج می‌زند، عدالت باید در نظر گرفته شود.

قرآن در زمینه‌ی «برانداختن و از بین بردن بی‌عدالتی‌های اقتصادی چنین می‌گوید:

«فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ اَمَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَاُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»^۳ برای از میان بردن این (شک و اختلاف، مردمان را به دین توحید) فراخوان. و خود نیز

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۳۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۳. سوره شوری، آیه ۱۵.

چنانکه فرمانت داده اند استقامت ورز، و از هوسهای ایشان پیروی مکن و بگو به کتابی که خدا فرو فرستاده است ایمان دارم، و به من فرمان داده اند تا در میان همه‌ی شما به عدالت رفتار کنم...

امام علی(ع) نیز در این باره می فرمایند:

لما اجتمع الناس علی و سالوه ان یخاطب عثمان بن عفان، فدخل علیه و تکلم معه بلکامه المشهور، المنقول فی «نهج البلاغه» فقال له عثمان: کلم الناس فی أن یؤجلو فی حتی اخرج إلیهم من مظالمهم فقال: ما کان بالمدينة فلا اجل فیه، و ما غاب فاجله وصول أمرک إلیه^۱

هنگامی که مردمان نزد آن امام آمدند و خواستند تا با عثمان بن عفان سخن گویند، امام نزد او رفت و سخن مشهور خود را که در نهج البلاغه نقل شده است گفت: پس عثمان به او گفت: از مردم بخواه که به من مهلتی بدهند تا از بی عدالتی خا جلوگیری کنم. علی(ع) چنین پاسخ داد: آنچه در مدینه است مهلتی نمی خواهد و آنچه بیرون مدینه است، مهلت به اندازه‌ی رسیدن دستور به آنجاست^۲.

نکته ای که از این حدیث فهمیده می شود این است که این کلام هشدار است برای کسانی که برای عملی کردن عدالت و اصلاح مسائل اقتصادی و جلوگیری از بی عدالتی در این زمینه، کوتاهی می کنند و آن را به تأخیر می اندازند.

هم چنین در آیه‌ی

« وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ »^۳ ضرورت اقامه‌ی عدالت حتی در اموال فردی، متذکر شده است.

۵- قانون مداری

وجود قانون برای هر جامعه ای ضروری است تا در سایه‌ی عمل به آن، جامعه از نظم کافی برخوردار باشد و مردم بتوانند در آن جامعه رشد کرده و به تعالی برسند.

۱. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۳، ص ۳۵۵.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۸.

ضرورت وجود قانون و مقررات در هر جامعه و لزوم احترام همگانی و رعایت دقیق آن امری مسلم و بدیهی است تا جایی که یکی از عوامل پیشرفت هر کشوری وجود قانون صحیح اجرای مساوی آن از سوی آحاد مردم و حرمت نگه داشتن قانون از سوی مردم است.

اجرای قانون به عنوان یک وظیفه‌ای است که بر دوش همه‌ی مردم قرار دارد، اعم از اینکه آنها عهده دار منصبی باشند یا یک فرد عادی در جامعه.

«الَّذِينَ إِن مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱

براساس این آیه‌ی شریفه کسانی که به یاری خدا به پیروزی رسیدند و از امکانات حکومتی برخوردار شدند همانند خودکامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی پردازند بلکه از پیروزی‌ها و موفقیت‌ها ابزاری برای ساختن خویش و جامعه قرار می دهند.

قانون مداری شاخصه‌ی مهمی در هر موقعیتی است زیرا با رعایت آن، انسانی به یک چارچوب کلی رفتاری می رسد که به وسیله‌ی آن انحراف نداشته و در صراط مستقیم حرکت می کند.

در فرهنگ جهادی نیز رعایت قانون، اصلی مهم بوده که به فعالیت‌هایی که در این زمینه افراد انجام می دهند نظم و چارچوب می دهد، هم در جهت‌گیریها و هم در برنامه ریزیها.

برنامه ریزی‌ها باید طوری طراحی شوند که به سمت جهاد در زمینه اقتصاد پیش بروند. اگر همه چیز طبق قانون و برنامه ریزی باشد و از حرکت‌های نمادین و شتابزده جلوگیری شود، می توان به جهاد در زمینه‌ی اقتصاد رسید.

فرهنگ جهادی در اقتصاد عامل و کلیدی اصلی در پیروزی جامعه اقتدار در جهان داد و در این بین قانون‌گرایی می تواند نقش اساسی ایفا کند زیرا به کارها نظم داده و آنها را طبق چارچوب منظم می کند و از انحراف و هرج و مرج جلوگیری می کند.

۱.سوره حج، آیه ۴۰.

۶- قناعت و میانه روی

با توجه به اهمیت اقتصاد و نقش تربیتی و اخلاق مصرف در روند توسعه اقتصادی کشور، نشر فرهنگ جهادی در زمینه‌ی اقتصادی می‌تواند به پایداری اقتصادی کشور منجر شده و موجب ترقی کشور شود. با توجه به این امر، نشر فرهنگ جهادی در اقتصاد واجب است پس باید بخشی از تلاش‌های فرهنگی و تربیت اقتصادی افراد آموختن فرهنگ جهادی در اقتصاد اختصاص داده شود.

یکی از مصادیق و ویژگی‌های فرهنگ جهادی در اقتصاد، اعتدال و میانه روی در مصرف است. جایی که صرفه جویی و اعتدال در هزینه‌ها موجب رشد اقتصاد خانواده و در نتیجه رشد اقتصادی کشور شود. پس جهاد است و این نوع اخلاق مصرفی، فرهنگ جهاد است.

امام صادق(ع) قناعت و میانه روی را نشانه‌ی افراد مومن معرفی کرده است:

«المومن حسن المعونة، خفيف المعونة، جيد التدبير لمعيشة»^۱ مومن به خوبی به مردم یاری می‌رساند، کم هزینه است و خوش تدبیر در زندگی.

ایشان هم چنین، رعایت اندازه در خرج کردن را از وظایف دینداری معرفی کرده است:

«قال الصادق(ع) من الدين التدبير في المعيشة»^۲ از جمله وظایف دینداری، تدبیر(عاقبت اندیشی، نظم و برنامه ریزی) در زندگی است.

فرهنگ جهادی در قناعت و اندازه داری در مصرف در موارد زیر تجلی پیدا می‌کند:

الف: مدیریت متعادل مالی

در این راستا قرآن کریم، اولین قدم را جلوگیری از اسراف بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^۱ زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. هم چنین ضمن آنکه اسراف را در هزینه‌ها ممنوع می‌داند مصرف تفریطی و زهد افراطی را نیز مردود می‌شمارد و مسرفین را برادران شیطان می‌نامد: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»^۲

۱. الحیة، ج ۴، ص ۳۵۰ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۰.

۲. همان، به نقل از امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۸۳.

و در آیه ای دیگر می فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۳

و در مورد نکوهش تبذیر و منع اسراف، قرآن کریم بسیار شیوا بیان می کند که: «و عانت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیراً» و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را (دستگیری کند) و ولخرجی و اسراف مکن.

ب: بسندگی به کفاف

انسان مومن باید در زندگی و در دخل و خرج خویش دقیق باشد، به حد کفایت در زندگی قناعت کند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا»^۴ ای مومنان چیزهای پاکیزه ای را که خداوند بر شما حلال کرده است بر خود حرام نکنید و از حد نیز در نگذرید.

رسول اکرم (ص) نیز در دعایی از خداوند متعال می خواهند به خودشان و دوستانشان کفاف عنایت کند:

«اللهم ارزق محمداً و آل محمداً و من احب محمداً و آل محمداً. العاف و الکاف...»^۵

پیامبر اکرم (ص): خدایا به محمد (ص) و آل محمد (ص) و دستان محمد (ص) و آل محمد (ص)، عفاف و کفاف کن، نویسنده الحیاء، ذیل این حدیث می گوید: «عفاف در بعد روحی و اخلاقی و کفاف در بعد مادی و زندگی»^۱

۱. سوره انعام، آیه ۱۴۱.

۲. سوره اسراء، آیه ۲۷.

۳. آرام، احمد، الحیاء، ترجمه: محمدرضا حکیمی، ج ۴، ص ۳۵۰ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۰.

سوره فرقان، آیه ۶۷.

۴. سوره مائده، آیه ۸۷.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۴۰.

همانطور که می بینیم پیامبر اکرم(ص) در این سخن بندگی به حد کفایت را در کنار عفاف آورده است که این نشان از اهمیت کفاف در زندگی است.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ... »^۲

هدف از آیات و روایات ذکر شده نفی زندگی مادی و نفی لذت از زندگی نیست بلکه مقصود از آنها ساختن زندگی سالم برا مردم است تا در بهره برداری و استفاده از نعمتها اسراف و زیاده روی نکنند. چارچوب های اقتصادی در اسلام، برای چنین زندگی مقرر شده که همان زندگی کفافی است و زندگی کفافی که اسلام از انسان می خواهد تا چنین زندگی کند یک امر فردی و مخصوص یک عده ی خاص نیست بلکه برنامه ای است برای زندگی جامعه ها. پس مسلمان مومن به دین محمدی-(ص)- زندگی اینگونه خواهد داشت یعنی تلاش او برای کسب مال به این منظور است که نیاز خویش را برآورده سازد و به دیگران انفاق کند و به کفاف اکتفا کند و از اسراف و بخل و غرور ورزی دوری کند و به اجتماع خود سود برساند این همان فرهنگ جهادی در اقتصاد است.

۱. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۴، ص ۳۷۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۷۲.

فصل دوم:

اهداف فرهنگ جهادی در اقتصاد

مقدمه:

یکی از عوامل مهم که می تواند به رشد و توسعه‌ی اقتصاد و افزایش کارآوری در جامعه کمک نماید، احیای فرهنگ جهادی است. فرهنگ جهادی موجب انجام کار و تلاش در حوزه های مختلف می شود، به کارها سرعت و انگیزه می دهد و به تمامی فعالیتها رنگ الهی و انگیزه خدایی می دهد.

فرهنگ جهادی دارای ویژگی هایی است که اگر تمامی این ویژگی ها در فعالیتها در نظر گرفته شوند و به کار گرفته شوند موجب بالندگی فرد و جامعه خواهند شد.

در فصل قبل ویژگی های فرهنگ جهادی را بیان کردیم و گفتیم در فرهنگ جهادی باید فعالیتها برای رضای خدا باشد و طبق فرمان ولایت فقیه، زیرا در این صورت هم در انجام کارها وحدت و هماهنگی به وجود می آید زیرا حول یک محور می چرخد و هم اینکه زا راه راست منحرف نشده و طبق فرامین الهی عمل می کنیم.

فرهنگ جهادی در سیره ی اهل بیت-(ع)- مشاهده شده است و آنها همواره به تلاش و مجاهدت و تحمل سختی ها در زندگی اشاره داشته اند. با احیای فرهنگ جهادی در جامعه، ما به اهدافی می رسیم که در واقع همان بدست آوردن جامعه‌ای ایده آل است. در این فصل اهدافی که فرهنگ جهادی در اقتصاد دنبال می کند تا آنها را در جامعه اسلامی پیاده کند را بیان می کنیم.

فرهنگ جهادی در اقتصاد اهداف والایی دارد که لازم است با بیان آنها درک بیشتری از فرهنگ جهادی پیدا کنیم.

۱- دستیابی به اقتدار سیاسی

بهره مندی از قدرت همواره مطلوب ملتها و انسانها بوده است و چه بسا اساس بسیاری از تمدنها بر استفاده‌ی صاحبان آنها از قدرتشان استوار بوده است. چه بسا، قدرت، موجب عدم طمع بیگانگان از ظلم و یا سلطه بر ملتی باشد.

قدرت داشتن موجب عدم وابستگی به کشور و گروهی می شود که این خود نوعی اقتدار برای ملت و دولت به وجود می آورد. اسلام تحصیل قدرت را در همه‌ی زمینه‌ها تکلیف آحاد مردم دانسته است پس مسلمانان مکلف اند از تمام راهها قدرتی بدست آورند که در جهان رقبای آنها نتوانند با آنها مقابله کنند.

فرهنگ جهادی که فرهنگ اصیل اسلامی است موجب دست یافتن مسلمانان به اقتدار و عدم وابستگی می شود. فرهنگ جهادی در اقتصاد باعث نوعی استقلال میشود که یکی از نتایج و اهداف آن اقتدار سیاسی است. زیرا اگر ملتی از لحاظ اقتصادی وابسته باشند نمی توانند از لحاظ سیاسی و حکومتی اقتدار داشته باشند دو ناگزیر تحت سلطه قرار می گیرند. با پیاده شدن فرهنگ جهادی در اقتصاد، مردم از لحاظ اقتصادی به آنچه که دارند بسنده می کنند و نیازمند و مصرف کننده‌ی کالاهای خارجی نخواهند بود لذا به آنها احتیاجی نیز نخواهد داشت و اگر هم نیاز به تولیدات آنها باشد در کمال احترام متقابل و بدون وابستگی از آنها، کالاهای تأمین خواهند شد و لطمه‌ای به سیاست و استقلال کشور وارد نخواهد شد.

قرآن کریم مسلمانان را مکلف کرده که به هر نوع قدرتی که رقبای آنان در صحنه‌ی حیات بشری دارند مجهز شوند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱

این قدرت مطلق مصادیق زیادی می تواند داشت باشد که قدرت اقتصادی یکی از مصادیق بارز آن به شمار می رود.

۱. سوره انفال، آیه ۶۰.

در تفسیر این آیه باید گفت «کلمه‌ی (اعداد) به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده بود، به مطلوب خود نمی‌رسید. کلمه‌ی قوه به معنای هر چیز دیگری است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است، از قبیل انواع اسلحه، مردان جنگی با تجربه و تشکیلات نظامی».^۱

اما برخی از مفسران عصر حاضر (قوه) را عام‌تر در نظر گرفته‌اند و می‌گویند: «کلمه‌ی قوه، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد و شامل می‌شود، اعم از نیروهای فرهنگی، اقتصادی، معنوی و سیاسی که آنها نیز در مفهوم قوه مندرج هستند و نقش موثر در پیروزی بر دشمن دارند نیز نباید غافل شد».^۲

فرهنگ جهادی در اقتصاد موجب اقتدار و عزت سیاسی می‌شود، چون اقتصاد برای تحکیم و پایداری حکومت و ملت مهم است و اصولاً قوام و پایداری حکومت در اقتصاد نهفته است. اهل بیت (ع) همواره به نقش اقتصاد در جامعه‌ی اسلامی اشاره می‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«لا توتوا السفها اموالکم...»

نباید مشتبه شود که منظور از سفهاء افرادی هستند که نادانی آنها مشهود است بلکه منظور کسانی است که در ظاهر چنین نیستند مثل افراد تنبل یا افرادی که مدیریت ضعیف دارند، اینها موجب می‌شوند که اقتصاد ما ضعیف شود در نتیجه اقتدار امت اسلامی را از بین می‌برند.

فرهنگ جهادی در مدیریت و اقتصاد موجب می‌شود هم در اقتصاد و منابع مالی و هم در بخش‌های دیگر مثل مدیریت یا خانواده و ... پیشرفت کرده که این پیشرفت موجب اقتدار می‌شود.

هر فعالیتی که باعث شود امت اسلام در رفاه باشند یا مشکلی از پیش رویشان برداشته شود مثل تحقیقات پزشکی یا سد سازی یا هر فعالیت دیگر اگر جنبه‌ی الهی داشته باشد و باعث استقلال

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۹، ص ۱۵۱ و ۱۵۰.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۲۲۲.

خودکفایی مسلمانان شود، نوعی جهاد است و باعث مقتدر شدن و قدرتمندتر شدن امت اسلام خواهد شد.

۲- استقلال اقتصادی یا خودکفایی

دین اسلام، نظامی صرفاً معنوی نیست که فقط بهخ استقرار و پایداری عقیده در دل‌های مسلمانان و انجام امور دینی به صورت فردی اکتفاء کند و با انجام امور دینی به صورت فردی مأموریت خویش را پایان یافته بداند بلکه اسلام، روشی عمل‌یو واقعی برای زندگی شرافتمندانه، همراه با سربلندی و عزت جامعه و امت است. و با هر گونه سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و ... به مقابله بر می‌خیزد.

« خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ »^۱

با توانمندی آنچه را به شما داده ایم و در اختیارتان نهاده ایم بگیرید.

بدترین نوع سلطه بیگانگان که زمینه ساز سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی می‌گردد. سلطه‌ی اقتصادی است و سلطه‌ی اقتصادی وقتی بر جامعه‌ای مستولی می‌شود که اقتصاد آن از نظر تولید و تأمین کالاهای اساسی عاجز باشد.

رهای از سلطه‌ی بیگانگان و رسیدن به خودکفایی با فرهنگ جهادی میسر می‌شود و رسیدن به استقلال، یکی از اهداف فرهنگ جهادی در اقتصاد است. با نهادینه سازی فرهنگ جهادی در اقتصاد و بخش‌هایی مثل کشاورزی، صنعت و تولید و امثال آن، در این بخش‌ها بیشتر از این رشد و ترقی کرده و به جایی می‌رسیم که از این نظر خودکفا شده و به استقلال می‌رسیم.

فرهنگ جهادی، مسلمانان را از سستی و عقب ماندگی در کارها بر حذر می‌دارد و موجب پویایی و فعال شدن افراد می‌شود و به آنها امید و انگیزه مضاعف نمی‌دهد و در نتیجه موجب سربلندی ملت خواهد شد.

۱. سوره بقره، آیه ۶۳.

«از لوازم ایمان، بی نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمانان است، زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و ملتی که بخواهد عزیز و سربلند باشد باید خود را از نیاز به دیگران برهاند»^۱

به همین علت مسلمانان موظفند برای حفظ اعتبار و حیثیت جامعه‌ی اسلامی با استعانت از فرهنگ جهادی از هر گونه عملی که راه نفوذ بیگانگان را برای تسلط بر مسلمانان می‌گشاید، خود داری کنند و از پیش، راههای نفوذ آنان را با تدبیر و سیاست ببندند و از آن جا که بزرگترین راه نفوذ، تأمین نیازهای اقتصادی است، اعمال سیاستهای فرهنگ جهادی در اقتصاد، میتواند در این مسئله را یاری کند.

فرهنگ جهادی در اقتصاد به عنوان مهمترین راه برای بدست آوردن استقلال اقتصادی است که بر دوش مسلمانان قرار داده شده است. امام صادق (ع) - می فرماید: «لقمان برای فرزندش چنین وصیت کرد که اگر خواسته باشی تمام عزت دنیا را داشته باشی، پس از آنچه در دست مردم است چشم بپوش زیرا پیامبران و اولیاء خدا که به مقام های عالی رسیده اند تنها با قطع طمع موفق به دستیابی مقامات عالیّه شدند»^۲.

جامعه ای که در آن فرهنگ جهادی نهادینه نشود و افراد آن تلاش و کوشش نکنند، توسعه ی واقعی دست پیدا نمی کنند:

امام علی (ع):

«لقد اخطا العاقل إلا هي الرشد، و اصابه ذوالاجتهاد و الجد»^۳ کوشندگان و تلاشگران به رشد و پیشرفت دست می یابند نه خردمندان بیکار. این حدیث به این معنی است که جامعهای که بخواهد رشد کنند باید نخبگان آن جامعه با جدیت تلاش کنند و با تلف کردن فرصت ها، جامعه توسعه پیدا نمی کند و از وابستگی رهایی نخواهد داشت.

۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، انتشارات دارالحديث، ج ۶، ص ۲۹۰.

۲. همان، ص ۲۹۲.

۳. آرام، احمد، الحیة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۱، ص ۳۳۸.

استقلال اقتصادی رهاورد و هدف فرهنگ جهادی است و این بدان جهت است که فرهنگ جهادی می تواند ترفند تحریم- که برخی کشورهای استعماری برای فلج کردن اقتصاد کشورهای در حال توسعه ب کار می برند- را خنثی کرده و تولید ملی را افزایش میدهد یک ملت فقیر و محتاج به بیگانه هرگز استقلال، عظمت و سربلندی نخواهد داشت از این رو است که فرهنگ جهادی در اقتصاد موجب استقلال ملت خواهد شد و اصولاً جهاد در اقتصاد بخشی از جهاد با دشمن است.

جمله ای از عبدالله بن مسعود صحابی معروف نقل شده است که می گوید «هر کس متاعی را به یکی از شهرهای مسلمانان ببرد و زحمات خود را در این راه خدا محسوب دارد سپس آن را به قیمت عادلانه آن روز بفروشد چنین کسی در پیشگاه خدا به منزله ی شهیدان است»^۱

وی سپس این جمله از آیه ی آخر سوره ی مزمل را به عنوان شاهد مثال حرف خود تلاوت کرد:

« وَ آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ »^۲ و گروهی دیگر برای بهدست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند.

انجام فعالیت اقتصادی و تلاش برای وابسته نبودن به دیگران که موجب استقلال می شود در آیات دیگری نیز تصریح شده است:

« وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا »^۳ خداوند هرگز راهی برای کافران به مومنان قرار نداده است.

از این آیه چنین میتوان استفاده کرد که مسلمانان باید استقلال خود و حیثیت اسلامی خود را حفظ کنند و از هر گونه عملی که راه نفوذ سلطه کفار را باز می کند. خودداری کنند و «از آنجا که بزرگترین راه نفوذ آنان از طریق تأمین نیازهای اقتصادی است، بنابراین اعمال سیاست های اقتصادی

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۵، ص ۲۰۰.

۲. سوره مزمل، آیه ۲۰.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

جهت ایجاد خودکفایی در کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در قطع این وابستگی و بستن راههای نفوذ آنان بسیار مهم بوده و از مسئولیت های امت اسلامی است.^۱

روشن است که اسلام جامعه ای عزیز و مستقل می خواهد و نمی پسندد ملت مسلمان زیر دست بیگانگان باشد، و برای بدست آوردن این استقلال باید از تمام لوازم و تکنیک ها استفاده کند مثل علم آموزی و تلاش فراوان، فراگرفتن تکنولوژی و هر علمی که در این باره به ما کمک می کند زیرا دنیای امروزه، دنیای تکنولوژی است، با روش های قدیمی نمی توان تمام مشکلات را حل کرد، باید فرزندان امت اسلامی، سطح علمی خویش را بالا ببرند و همگام با جهانیان باشند بلکه کمی فراتر از آنان، تا نیازهای خویش را تأمین کرده و خودکفا باشند. اما از آن ها که دانش به تنهایی برای حفظ استقلال کافی نیست باید مسلمانان علاوه بر دانش، روحیه فداکاری و ایمان به خدا را در خود تقویت کنند تا با همدلی و اتحاد، استقلال میهنی خویش را حفظ کنند و قرآن کریم می فرماید:

« وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »^۲ سستی و اندوه به خود راه ندهید و تا زمانی که مومن بوده و به لوازم آن مستلزم باشید برتری و تفوق از آن شماست.

اما باید گفت ایمان تنها کافی نیست بلکه «یک ملت با ایمان باید دارای قدرت نظامی و غنای فرهنگی باشد تا آمادگی کافی برای مقابله با اتهامات نظامی و فرهنگی دشمن را داشته باشد».^۳

بدست آوردن استقلال تنها در قالب کلمات امکان پذیر نیست و با شعار دادن بدست نم آید، اراده ی پولادین می خواهد تا هنگامی که ما مصرف کننده ی کالاهای غربی باشیم. کاری از پیش نمی بریم؛ « تا هنگامی که مسلمانان در دانش و تکنیک، دست نیازشان به سوی غربیها باشد و حتی برای دفاع از خود به سلاح های دشمنان اسلام متکی باشند برای همیشه در حاشیه می مانند و دیگران به اجبار یا اکراه برایشان تصمیم می گیرند».^۴

۱. فراهانی فر، سعید، ۱۳۷۸، سیاستهای پولی و بانکداری بدون ربا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ص ۱۰۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

۳. فراهانی فر، سعید، سیاستهای پولی و بانکداری بدون ربا، پیشین، ص ۱۲۸.

۴. همان، ص ۱۲۹.

استقلال اقتصادی، لازمه‌ی حکومت اسلامی است، اگر حکومت اسلامی استقلال اقتصادی نداشته باشد و به غیر مسلمین وابسته باشد بر ظالمین اعتماد کرده است.

« لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ »^۱

براساس این آیه اعتماد به ستمکاران که از دیدگراه قرآن کافران مصداق آن هستند و تمایل به آنها جایز نیست. پس تأمین استقلال اقتصادی از وظایف حکومت اسلامی است زیرا زمینه‌ی اقتدار و قدرت اقتصادی را فراهم می‌کند. این امر را این آیه‌ی شریفه نیز تأیید می‌کند: « وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا »^۲. خداوند هرگز برای کافران راه تسلطی بر مومنان قرار نداده است. غالباً فقهای بزرگ اسلام برای نفی هر گونه سلطه‌ی کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده اند، از جمله راه های تسلط کفار بر مسلمین، سلطه‌ی اقتصادی است، طبق این آیه مومنان وظیفه دارند جهاد وارانه تلاش کنند و خود و جامعه‌ی اسلامی را از وابستگی‌ها رهایی دهند. پس رسیدن به استقلال اقتصادی یکی از اهداف فرهنگ جهادی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره‌ی فرهنگ جهادی و استقلال کشور می‌فرمایند: امروز مسئله‌ی اصلی کشور ما استقلال است، انقلاب برای ما استقلال سیاسی به بار آورد، اما اگر ملت بخواهد این استقلال و عرض اندام سیاسی را محکم تر کند باید پایه های اقتصادی خود را از پیش محکم تر کند. این امر وابسته به تولید و کار و شکوفایی در تمام زمینه ها که این با فرهنگ جهادی در این زمینه تحقق پیدا می‌کند»^۳.

ایشان هم چنین در تعیین استقلال اقتصادی می‌فرمایند: «استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستند و به کسی احتیاج نداشته باشد، معنایش این نیست که با کسی داد و ستد نداشته باشیم، خرید و فروش، نشانه‌ی ضعف نیست اما باید طوری

۱. سوره هود، آیه ۱۱۳.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۴.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷.

باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند و ثانیاً در معاملات جهانی به گونه ای باشد که دیگران نتوانند آن را کنار بگذارند و هر چه می خواهند به املا کنند»^۱

۳- پیشرفت اقتصادی

یکی از اهداف فرهنگ جهادی در اقتصاد، پیشرفت اقتصادی است. پیشرفت اقتصادی مبنا و هدف تلاشهای جهادی است. در بسیاری از آیات قرآن به این مبنا اشاره شده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^۲ که پیشرفت انسان را در گرو اعمال او دانسته و یا آیه ی شریفه ی: «وَأَنْ لِّإِنْسَانٍ إِلَّا مَا سَعَى»^۳ که بهره ی انسان را تنها در گرو تلاش وی قرار داده است.

در این آیات پیشرفت در گرو اعمال و تلاش فراوان دانسته شده است پس اگر بخواهیم در اقتصاد هم پیشرفتی داشته باشیم باید جهادوارانه و باتلاش زیاد قدم برداشت، بنابراین رسیدن به پیشرفت یکی از اهداف فرهنگ جهادی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص رابطه ی جهاد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی می فرماید: «اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهاد گونه ای انجام بهد و این گام بلندی را که برداشته است با گام های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت آن تأثیرات زیادی خواهد داشت»^۴

ایشان در ادامه می فرماید: «ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصاد به همه ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت ها بتوانند ببینند که یک ملت، در سایه اسلام و تعالیم اسلامی و جهادی چگونه می تواند پیشرفت کند»^۵

توسعه و پیشرفت اقتصادی، نقش مهمی هم در استقلال مسلمانان و هم در دیگر جنبه های مثبت آنان دارد. برای تحقق توسعه و پیشرفت اقتصادی میان مسلمانان که هدف فرهنگ جهادی

۱. همان، ۱۳۷۲/۲/۱۵.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۸.

۳. سوره نجم، آیه ۳۹.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱/۸.

۵. همان.

است، برخی از ارزش ها نقش اساسی دارند مثل تقوی داشتن و توکل بر خدا اینجا موجب پیشرفت اقتصادی می شوند.

الف: نقش تقوی در پیشرفت اقتصادی

تقوی به معنای فرمانبری کامل از خداوند گوش به فرمان خدا بودن می باشد و تنها از خداوند ترسیدن است. تقوا در کنار تلاش و کوشش و تحمل مشکلات موجب پیشرفت می شود. آیات و روایات متعددی وجود دارد که مردم را به تحمل مشکلات و فعالیت اقتصادی دعوت میکنند و سستی و سهل انگاری را موجب فقر و وابستگی به دیگران میداند.

تقوی در تحقق و بدست آمدن پیشرفت نقش بسزایی دارد. اول اینکه « تقوی سبب می شود که کار دارای برکت گردد و نتایج و دستاوردهای آن فراتر از محاسبات مادی شود. به تعبیر قرآن کریم، « در این حال برکات از آسمان و زمین فرود آمده، از هر سو جامعه را دربر می گیرد»^۱

«نقش دیگر یکه تقوا در تحقق پیشرفت دارد و با فرهنگ جهادی می توان به آن رسید، این است که «آن گاه که سبب های مادی از رسیدن به مقصود در می مانند و تلاش ها به جایی نمی رسد، تقوا همچون پنجره ای از غیب به روی انسان باز می شود و چون هدیه ای از آسمان فرود می آید و روزی انسان را از طریق غیر عادی فراهم می کند. بنابراین تقوا در کنار عمل، نه تنها مانع توسعه و پیشرفت نیست، بلکه از مبانی ارزشی آن به شمار می رود.»^۲

گوهر تقوا در فرهنگ جهادی، بسیار مهم است. زیرا در فرهنگ جهادی باید با تمام توان تلاش کرد و برای رضای خدا و موفقیت اسلام سختی ها را به جان خرید و تقوا به موازات این است و بلکه تکمیل کننده آن. زیرا با داشتن تقوا، موفقیت در جهاد بیشتر و بهتر میسر می شود.

ب: نقش توکل در رشد و پیشرفت اقتصادی

۱.سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. ری شهری، محمد. توسعه اقتصادی بر پایه ی قرآن و حدیث. انتشارات دارالحدیث، ج ۲، ص ۵۱۳.

توکل داشتن یعنی، انسان در زندگی تنها تکیه گاه خود را خداوند متعال بداند و در هر کاری به او پناه ببرد. چنین فردی در انجام کارها تنها به خدا پناه برده و به او ایمان و اعتقاد دارد و در انجام وظایفش تزلزل نخواهد داشت این خصیصه در فرهنگ جهادی بسیار کاربردی است.

علامه طباطبایی معتقد است که می‌تواند که هنگامی که انسان تصمیم به انجام کاری بگیرد و وارد میدان عمل شود سعی می‌کند تمام عوامل مورد نیاز خود را تأمین کند تنها عاملی که می‌تواند بین او و هدفش فاصله بیاندازد برخی عوامل روحی مثل سستی اراده و تصمیم، توسل، عدم تعادل، شتابزدگی و نظیر اینهاست که با توکل به خدا این عوامل اثر خویش را از دست می‌دهند. در فرهنگ جهادی این عوامل نباید وجود داشته باشند. که در فرهنگ جهادی نمی‌توان سستی اراده بود او از چیزی ترس داشت، لذا فرهنگ جهادی موجب پیشرفت است و رشد و توسعه را در پی خواهد داشت.^۱

۴- تحقق عدم سلطه بر مسلمانان

یکی از قواعد فقهی، قاعده‌ی نفی سبیل است که در ابواب مختلف فقه کاربرد دارد. لازم است این قاعده شرح داده شود.

«واژه‌ی سبیل به معنای طریق، راه و رابطه»^۲ است و در قرآن به معنای راه و دلیل و برهان و هم چنین سلطه به کار رفته است.^۳ مفهوم قاعده نفی سبیل به استناد آیات و روایات این است که «در شریعت حکمی که سبب سلطه کافران بر مومنان شود وجود ندارد. این مفهوم در قرآن به صراحت بیان شده:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۴ خداوند هرگز برای کافران بر مومنان راه

تسلط و برتری قرار نداده است. از این رو فقهای اسلام اتفاق نظر دارند که هیچ حکمی از احکام شریعت مایه‌ی تفوق و برتری کافران بر مومنان نیست.

۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، تفسیر المیزان. پیشین، ج ۴، ص ۶۷.

۲. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۳۴.

۳. همان، ص ۳۴.

۴. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

طبق این قاعده، «مسلمانان باید تمام فعالیتها و دیدگاه های خودشان را بر طبق این دیدگاه تنظیم کنند مثلاً در باب جهاد هر گاه کافران با سپر قرار دادن زنان یا کودکان بخواهند از حکم عدم جوار قتل بین افراد در اسلام علیه مسلمانان استفاده کنند، کشتن زنان و کودکان وقتی مسلمانان که سپر کافران قرار گرفته اند به منظور دفع کافران و جلوگیری از سلطه آنان جایز است».^۱

بخش عمده‌ای از کمبودها و مشکلات در جوامع بشری، ریشه در طغیانگری و سلطه جویی دنیا طلبان (طبقه اشراف و سرمایه داران) دارد. قدرت طلبان، شرافت و برتری را در به چنگ آوردن امکانات مادی و افزایش زور و قدرت خویش می دانند و همت و تلاش خویش را در راه بدست آوردن سلطه و قدرت بر سایرین قرار میدهند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«... إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۲ تراکم امکانات و منابع در دست انسان سبب می شود تا طغیانگری و سرکشی پیش گیرد.

پیامبر اکرم-(ص)-: «هلاک رجال امتی فی... جمع المال»^۳

کسانی که قصد دارند بر مسلمانان سلطه پیدا کنند دو دسته اند: یک دسته کافران و دشمنان دین اسلام و دسته دوم افراد قدرت مند و سرمایه دار و گاهاً از خود مسلمانان هستند ولی قصد دارند بر آنان سلطه پیدا کنند. طبق قاعده‌ی نفی سبیل مسلمانان نباید به هیچ کس اجازه سلطه بدهند که این هم شامل سلطه‌ی سیاسی و هم سلطه‌های دیگر مانند اقتصادی، فرهنگی و ... می شود.

در مورد افراد قدرت طلب یا سرمایه دارانی که می خواهند با استفاده از قدرت و ثروت بر مردم سلطه پیدا کنند احادیث فراوانی آمده است برای نمونه به حدیثی از امام علی اشاره میشود که دنیا طلبان را درندگان خونخوار تشبیه می کند و می فرمایند:

«فانما اهلها الدنيا کلابٌ آویه و سباع ضاربه یهر بعضها بعضاً»^۴ دنیا طلبان چون سگان زوزه کش و درندگان خوانخوارن به هم چنگ و دندان نشان میدهند. در این حدیث با ذکر اوصاف دنیا طلبان و

۱. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۳۴.

۲. سوره علق، آیات ۷-۶.

۳. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۳، ص ۳۱۴.

۴. همان.

سلطه طلبان این نکته را یادآور می شود که سلطه جویان به مردم زبردست خویش و حتی به یکدیگر رحم نمی کنند و کارشان چپاول کردن است پس نباید اجازه هیچ گونه سلطه ای به آنها را داد.

همچنین امام سجاد می فرماید:

«ممصیبتکم الطواغیت من اهل الرغبة فی الدنیا...»^۱ طاغوتیان دنیا طلب سد توسعه، کامیابی و درستکاری انسان هستند.

پیشوای ششم شیعیان امام صادق(ع) می فرماید:

«...واعلم ان کل فتنة بدوها حب الدنیا»^۲ ریشه‌ی هر نابسامانی و فلاکت در سلطه طلب یاست.

آیات زیادی در قران کریم داریم که در مورد دنیا طلبان و سلطه جویان است به عنوان نمونه در سوره‌ی مبارکه‌ی سباء آیه‌ی ۳۵ و ۳۴ می فرماید: «و ما ارسلنا فی قریة من تدیر الاقال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثرا موالا و اوولادا و ما نحن بمعذبین. در طول تاریخ سلطه طلبان همواره در مقابل پیامبران ایستاده اند و فورا امکانات مادی را نشانه‌ی خوشبختی و نجیب زادگی خود عنوان کرده اند. هم چنین آیه‌ای که در اول بحث ذکر شد یعنی «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتّٰی يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ، يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَزْلَ...»^۳ منافقان سلطه جو بر آن بودند تا با محاصره‌ی اقتصادی پیامبر(ص) و دین باوران، اسلام را با شکست مواجه سازند... آنان از شیوه‌های ممکن برای جلوگیری از گسترش اسلام استفاده می کردند و ..

امام علی (ع) نیز سلطه جویی را اساس آفتها و کمبودها می دانند: «راس الآفات الوله بالدنیا»^۴

۱. همان، ج ۳، ص ۲۷۱

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰۴.

۳. سوره منافقون، آیه ۸-۷.

۴. آرام، احمد، الحیاء، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۴، ص ۸۲.

بنابراین همانطور که ذکر شد سلطه جویی و سلطه طلبی یکی از رذیل ترین اخلاقیات است و مسلمانان باید بر قرآن بایستند.

طبق آیه شریفه « وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا »^۱ خداوند هرگز نخواسته است که کافران و دشمنان دین بر مومنان سلطه یابند.

هدف فرهنگ جهادی نیز همین است، عدم پذیرش هر نوع سلطه و دیکتاتوری بر مسلمانان با فرهنگ جهادی ما ملت مسلمان، با بدست آوردن خودکفایی و تلاشهای مثمر ثمر اقتصادی زمینه‌ی هر نوع سلطه و اجبار را به کسی نمیدهیم زیرا زیر بار کافر و دشمن رفتن عین رذالت است و طبق سخنان ائمه (ع) هر کس به خاری و ذلت تن نهد از آنها (اهل بیت) نیست.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: « من اقر بالذل طائعا فليس منا اهل البيت »^۲ هر کس به خاری گردن نهد از ما اهل بیت نیست. امام علی (ع) نیز می فرمایند:

« لا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حراً »^۳ خداوند انسان را آزاد آفریده است، روا نیست خود را بنده دیگران سازد هم چنین آیات دیگری که از آنها می فهمیم نباید غیر مسلمان را بر خود حاکم کنیم لذا باید زمینه هر گونه سلطه را بر ملت مسلمان قطع کنیم: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا... مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ »^۴ انسانهای دینی حق ندارند اهل کتاب و کافران را که دین را مسخره می انگارند و بازیچه میدانند، بر خود حاکم کنند.

۱.سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲.آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۴.سوره مائده، آیه ۵۸.

یا آیه دیگری که می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ... »^۱ ای مردم با ایمان ولایت یهود و نصاری را نپذیرید. همانطور که از آیات و روایات بر می آید دین اسلام با هر گونه سلطه و ولایت کافران و دشمنان دین مخالف بوده و از مسلمانان خواسته در مقابل آنان بایستند. این سلطه میتواند اقتصادی باشد. اگر ملت مسلمان از لحاظ معیشتی و اقتصادی دچار مضیقه باشد و دشمنان آنها را از لحاظ اقتصادی تحریم کنند تا مسلمانان تسلیم شوند و سلطه‌ی استکبار را بپذیرند، باز هم نباید چنین چیزی را قبول کنند آنها باید بوسیله‌ی فرهنگ جهادی در اقتصاد، توطئه‌های آنان را خنثی کنند.

۵- تحقق اقتصاد مقاومتی

با ظهور انقلاب اسلامی شکل جدیدی از حکومت در دنیا بوجود آمد که با نظام استکباری و سلطه، به مبارزه پرداخت پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات بر عرصه‌های دیگر کشیده شد یکی از این عرصه‌ها که در سالهای اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است عرصه اقتصادی است بنابراین خود انقلاب اسلامی باید نظریه پردازی و نوآوری کند و الگویی برای مردم ارائه دهد یکی از این مفاهیم اقتصاد مقاومتی است که یکی از اهداف فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد همین است.

اقتصاد مقاومتی، آن چنان که از تعاریف و سخنان برخی اقتصاد دانان فهمیده می شود این است که این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد. اقتصاد مقاومتی منفعل نبوده و در مقابل اهداف نظام سلطه، ایستادگی می کند و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی دارد.

۱- ۵: اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن :

از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی عبارت است از « تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم و کنترل و بی اثر کردن تحریم‌ها و تبدیل فشارها به فرصت‌ها با

۱.سوره مائده، آیه ۵۱.

باور مشارکت همگانی و اعمال مدیریت عقلانی و مدبرانه برای کاهش وابستگی و تاکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی^۱ که همانطور که از تعریف بر می آید برای تحقق اقتصاد مقاومتی» نیاز به جهاد در این زمینه و فرهنگ جهادی می باشد تا با ترفندهای دشمنان به طور اصولی و برنامه ریزی شده مقابله کرد.

از نظر قرآن کریم برای تحقق اقتصاد مقاومتی شروطی لازم به اجراست که در واقع همان ویژگیها و خاستگاههای فرهنگ جهادی می باشند یعنی با فرهنگ جهادی می توان به اقتصاد مقاومتی رسید.

۱-۱-۵: پرهیز از مصرف گرایی

مصرف گرایی پدیده ای است که نتنها پیامدهای اقتصادی دارد بلکه نتایج سوئی در فرهنگ و اجتماع برجا می گذارد. بطر یک حالت هیجانی روانی است که به انسان بر اثر بد رفتاری با نعمتها و بی توجهی نسبت به ادای حق نعمت و صرف آن در غیر جهت مصرفش عارض می گردد. راغب اصفهانی در مورد واژه بطر می گوید: «والبطر دهش یعتدی النسان من سوء احتمال النعمه و قله القیام بحقها و صرفها الی غیر وجهها»^۲ بطر یک حالت روانی است که نشان از بی ظرفیتی در مقابل نعمت کوتاهی در انجام وظیفه در قبال آن و له کارگیری آن در غیر محل آن است.

« وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا^۳ »

« وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ^۴ » وچه بسیار شهرها و آبادی هایی را که بر اثر فراوانی نعمت ، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم این خانه های آنهاست که ویران شده و بعد از آنان جزاندکی کسی در آنها سکونت نکرد

۱. بلداجین، اصغر و بلداجی آذر، مقاله جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ قرآن ، ترجمه: غلامرضا خسروی، انتشارات مرتضوی.

۲. سوره انفال، آیه ۴۷.

۳. سوره قصص، آیه ۵۸.

۴. سوره اسراء، آیه ۲۹.

خداوند تبارک و تعالی خطاب به رسولش در خصوص دستورالعمل اسلامی در تنظیم امور معیشت می فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»^۱ و دستت را بر گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

در باره میزان مصرف، به گونه ای که از حد مجاز نگذرد و از آن سو موجب تفریط نباشد، متون دینی ما تعالیم و رهنمودهایی داشته اند لذا طبق بررسی های انجام شده متوجه شدیم که مطابق دین اسلام، انسان از روزی که دنیا می آید به طور طبیعی با نیازهای بیشماری روبروست و برای پاسخ به این نیازهای فطری، اسلام مطابق با فطرت و حکمت استفاده از نعمت های الهی و بهرمندی از آنان را حلال و گاهی واجب کرده است ولی در عین حال برای رعایت برخی حدود و حفظ مصالح فرد و جامعه برای آن قانون و حدی دانسته است و بطور کلی انگیزه های ذیل را به عنوان انگیزه های مصرفی مورد قبول خود معرفی کرده است.

الف: تامین نیازهای زندگی

انسان، از بدو تولد برای ادامه زندگی به مصرف انواعی از کالاها احتیاج دارد این مقدار از مصرف از نظر اسلام، مجاز و در برخی موارد مثل سلامت انسان واجب است.

«هر فردی که در جامعه اسلامی زندگی می کند، حق داشتن یک زندگی متناسب با شرافت انسان و حق مصرف کالاها و خدماتی را که برای ادامه حیات و سلامت او لازم است دارد حال اگر خود قادر به سبک درآمد باشد باید تلاش کند و اگر نتواند در مرتبه اول خویشاوندان نزدیک و در مرتبه بعد دولت اسلامی و عموم مسلمانان مسئولیت تامین نیازهای او را دارند»^۱

ب: برخورداری از مواهب و نعمتهای الهی

دایره مصرف یک فرد مسلمان از نظر دین اسلام منحصر در نیازهای زندگی نیست بلکه انسان حق دارد با انگیزه لذت بردن از زندگی و نعمت های مصرف خود را گسترش دهد یعنی از

۱. موسویان، سید عباس، «کلیات نظام اقتصادی اسلام»، ص ۹۹-۹۶.

یک سو رفاه و آسایش متعارف را حق انسان می داند و از سوی دیگر افراط در این موارد را مذموم می داند.

خداوند متعال در سوره مبارکه مائده آیه ۸۷ می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**

و در ایه دیگری برای مبارزه با برداشت های غلط از مفاهیمی چون زهد بعد از دعوت به اراستگی در پوشش می فرماید: **قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ**^۱ ای پیامبر بگو چه کسی زینت الهی را برای بندگان خود افریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است **«إِنَّ اللَّهَ (يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ، وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا»**^۲ به راستی که خداوند زیبایی و اراستگی را دوست دارد و فقر و فقیر جلوه دادن را مغبوض می دارد و هنگامی که بر بنده اش نعمتی می دهد دوست دارد آثار آن نعمت را بر او ببیند بنا براین با اینکه کامیابی انسان از نعمت های الهی حلال بوده اما در عین حال برای تعدیل انسان و جلوگیری از فرو رفتن او در مادیات برخی مصارف حرام و برای برخی محدودیت هایی وجود دارد.

پس مصارف انسان چنانچه به صورت یکی از دو دسته زیر باشد مصرف گرایی نیست ولی چنانچه برای مواردی از قبیل چشم و هم چشمی فخر فروشی رفاه طلبی مواردی از این گونه باشد مصرف گرایی است و باید از آن پرهیز کرد.

آنچه که خواسته فرهنگ جهادی است نیز همین است با فرهنگ جهادی می توان به اقتصاد مقاومتی رسید.

۲-۵: پرهیز از کسب درآمدهای حرام

شرط دوم برای تحقق اقتصاد مقاومتی که در راستای فرهنگ جهادی در اقتصاد است، پرهیز از کسب درآمدها حرام می باشد. **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ**

۱. سوره اعراف، آیه ۳۲.

۲. موسویان سید عباس «کلیات نظام اقتصادی اسلام» ص ۹۹ به نقل از وسائل الشیعه ص ۳۴۱.

تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید اموال تان را در میان خود به باطل نخورید مگر اینکه داد و ستدی از روی رضایت شما باشد. با توجه به این آیه اگر اقتصاد به هر طریقی نا سالم باشد سبب بحران اجتماعی می شود.

۳-۵ مبارزه با احتکار و رشوه خواری

انباشت مال توسط مومنان و به حرکت نیاوردن مومنان در جامعه اسلامی مذموم شمرده شده است. قرآن کریم مال را فتنه ای می داند که مای گرفتاری و آزمون بشر است و انسان موحد و متعهد، نباید آن را محور فعالیت های خویش قرار دهد. «اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۲ و بدانید که اموال و فرزندان شما (وسیله) آزمایش شما هستند که نزد او پاداش بزرگی است.

لذا سرمایه داران و ثروتمندان جامعه با توجه به این موضوع و باید سعی کنند با استفاده از این نعمتهایی که خداوند به آنها بخشیده، کبرای پیشرفت جامعه کاری انجام دهند و بدانند که اموال از آن خداست و نباید با رفتارهایی مثل احتکار موجب بدتر شدن بازار اقتصادی اجتماع شوند، زیرا زندگی دنیا ناپایدار است و همه باید در برابر پروردگار پاسخگوی اعمال خود باشیم.

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»^۳ بدانید زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزونم جویی در اموال و فرزندان است، چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن (باران) به شگفتی اندازد، سپی (آن کشت) خشک شود و آن را زرد بین آنگاه خاشاک شود و در آخرت (دنیا پرستان) را غذایی سخت است و (مومنان را) از جانل خدا آموزش و خشنودی است. زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

۱.سوره نساء، آیه ۲۹.

۲.سوره انفال، آیه ۲۸.

۳.سوره حدید، آیه ۲۰.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ» و اموالتان را میان خودتان به ناوړا منځوړید و (به عنوان رشوه قسمتی از) آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان میدانید.

فرهنگ جهاد در اقتصاد به عنوان یک شروع برای ساختن آینده است و اقتصاد مقاومتی نتیجه و ثمره ی فرهنگ جمادات زیرا با تکیه بر حرکت های جهادی و فداکارانه در برابر رشوه خواری و احتکار و مواردی از این قبیل میتوان به اقتصاد پایدار و مقاومتی رسید که نتیجه آن برای کشور و ملت مفید خواهد بود.

فصل سوم:

موانع دست یابی به فرهنگ جهادی

موانع دست یابی به فرهنگ جهادی:

برای تحقق اهداف فرهنگ جهادی و نهادینه شدن آن در جامعه باید تلاشهای زیادی کرد. در ضمن انجام تلاش، باید موانع موجود را هم شناخت و راه های مناسب از بین بردن این موانع را یافت. به همین دلیل شناخت موانع کمک شایانی به ترویج و نهادینه سازی فرهنگ جهادی دارد. موانعی که هم اقتصادی هستند و هم فرهنگی و اجتماعی با شناخت موانع می تواند به راهکاری مناسب رسید لذا، ضرورت دارد این موانع را شناخته و بررسی کرد تا راه حل مناسب مقابله را یافت

الف) موانع اقتصادی

۱- فساد اقتصادی

امروزه فساد اقتصادی و سیاسی فزاینده در اکثر کشورها با شرایط متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مشاهده می شود. در نتیجه جلوگیری از این پدیده، یکی از اصلی ترین برنامه های هر دولت و کشوری است.

فساد اقتصادی، موجب عدم اعتماد مردم به دولت و عدم همکاری با آن در حل مسائل اقتصادی است. وقتی مردم با موارد عظیم و متعدد فساد در کشور باشند، نسبت به مسئله ی فرهنگ جهادی در این زمینه دلسرد می شوند زیرا انجام جهاد در اقتصاد مستلزم تحمل مشکلات است و لذا وقتی مردم مشاهده کنند عده ای ثروت کشور را چپاول می کنند، آنها نیز دغدغه و میل خود را برای تحمل مشکلات جهت حل مسائل اقتصادی کشور از دست میدهند.

فساد اقتصادی موجب افزایش شکاف بین طبقات اجتماعی. افزایش بی اعتمادی مردم نسبت به دولت و نسبت به یکدیگر می شود.

۱-۱: تعریف فساد اقتصادی

«برای فساد اقتصادی، تعریف دقیقی وجود ندارد و شامل موارد متعددی می شود. فساد اقتصادی در مصادیق آن جلوه گر است مواردی مانند: رشوه، تقلب، پرداخت های غیر قانونی، رانت خواری و ...»^۱

۱-۲: علل ایجاد فساد مالی

اینکه به مهم ترین عللی که در ایجاد فساد مالی به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت دارند اشاره می شود:

الف) انحصار قدرت در دست گروهی خاص

ساختار انحصاری قدرت، امکان مداخله گروهی خاص را در فعالیت های اقتصادی امکان می دهند و موجب می شود، با وجه به اطلاعاتی که در اختیار عامه مردم نیست، فرصت هایی برای عده ای خاص به وجود آید و این موجب ثروت اندوزی برای گروهی میشود. افزایش ثروت در جامعه توسط گروهی خاص موجب شکاف طبقاتی می شود. هر چه شکاف طبقاتی بیشتر باشد انگیزه های عامه مردم برای تحمل مشکلات و همکاری با دولت کمتر می شود دیگر علاقه ای به کارهای عام المنفعه و فعالیتهایی که برای کشور مفید هستند، ندارند.

فساد اقتصادی مهمترین مانع برای فرهنگ جهادی در اقتصاد است. فساد مالی موجب پایین آمدن انگیزه ی تولید، افزایش ناامنی در بخش تولید، حذف وجدان کاری و توزیع ناعادلانه ی ثروت می شود که هر کدام از آنها مانعی مهم در راه تحقق فرهنگ جهادی است. زیرا در فرهنگ جهادی بر خلاف فساد مالی، انگیزه ی تولید افزایش می یابد و وجدان کاری افزایش پیدا می کند.

ب) فقدان تأمین اجتماعی

از دیگر عوامل بروز فساد اقتصادی، نارسایی چتر حمایتی از قشر آسیب پذیر جامعه است. گروهی از افراد جامعه را سالخوردگان، معلولان، عقب افتادگان ذهنی و ... تشکیل می دهند که ادامه ی زندگی برای آنها بدون کمک دیگران ممکن نخواهد بود.

۱. اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۹۰، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، مرکز نشر هاجر، ص ۲۵۲-۲۵۰

مکتب اسلام رفع نیازهای افرادی از این قبیل را بر همه‌ی مسلمانانی که امکانات بیشتری دارند واجب کرده است بنابراین دولت اسلامی به عنوان حافظ احکام اسلام وظیفه دارد علاوه بر تشویق مردم به این مسأله، خود به طور مستقیم برای رفع نیازهای این گروه اقدام کند.

اگر دولت و مردم در این زمینه کندی و غفلت داشته باشند، این گروه آسیب پذیر از لحاظ معیشتی دچار مشکلات جدی شده و زمینه‌ی ایجاد هر چه بیشتر شکاف و اختلاف طبقاتی می شود.

«تأمین اجتماعی موجب بهبود وضع جامعه می شود و میان افراد جامعه توازن برقرار می کند. منظور از توازن، از نظر سطح زندگی است نه سطح در آمد. با ایجاد تأمین اجتماعی هر چند از نظر درآمد ممکن است اختلافاتی داشته باشند ولی از نظر رفاه عمومی آن گونه نیستند که به آن اختلاف طبقاتی بگویند. هم چنین باید گفت برای ایجاد توازن ابتدا باید از مصارف زیاد طبقه‌ی مرفه جلوگیری شده و از طرف دیگر، سطح زندگی طبقه‌ی پایین ترقی کرده تا جایی که سطح زندگی‌ها به هم نزدیک شود»^۱

منابع تأمین اجتماعی

اسلام برای تأمین اجتماعی منابع فراوانی را قرار داده است تا آن جا که هیچ نیازی از نیازمندان جامعه‌ی اسلامی بدون پاسخ باقی نمی ماند. در روایات زکات، شواهد بسیاری بر این مطلب وجود دارد که اسلام برای رفع فقر و هر گونه نیاز اقدام لازم را انجام داده است، امام صادق (ع) در روایتی فرموده اند: «و لو ان الناس ادوا زكاة اموالهم ما بقى مسلم فقيراً محتاجاً و لاستغنى بما فرض الله له و ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا إلا بذنوب الأغنياء»^۲ اگر مردم زکات اموالشان را می پرداختند هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند باقی نمی ماند و به آن مقداری که خدا بر او قرار داده است، زکات اموالشان را می پرداختن هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند باقی نمی ماند و به آن مقداری که خدا بر او قرار داده است، بی نیاز می شد و همانا مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند، مگر بر اثر گناه ثروتمندان (که از پرداخت حقوق آنان امتناع کردند).

۱. صدر، محمد باقر، «اقتصادنا». ترجمه ع اسپهدی، (مشهد، جهاد سازندگی ۱۳۶۰) ج ۲، ص ۳۰۱

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل بیت، ج ۶، ص ۴، ۶

بنابراین برای برآوردن نیاز همه‌ی کسانی که باید از تأمین اجتماعی برخوردار شوند منابع در نظر گرفته شده است که روشن ترین آنها عبارتند از فیء و انفال و دارایی بستگان.

« كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ »^۱

در آمد فیء و انفال متعلق به امام و حکومت اسلامی است و امام حق مصرف آن ها را در مصالح مورد نظر خود دارد. که از جمله موارد مصرف فیء یتیمان، مساکین و در راه ماندگان می باشند تا از انحصار ثروت، به وسیله ی پاره‌ای از افراد جامعه جلوگیری شود.

تأمین مخارج برخی از افراد به عهده دیگران است مانند تأمین مخارج همسر و فرزندان که به عهده پدر خانواده می باشد که اگر خود آن ها اقدام به تأمین نیازمندیهای زندگی بستگی واجب النفقه نکردند، حکومت اسلامی آنان را به این امر وای می دارد.

هنگامی که تأمین اجتماعی انجام نشود و مردم از لحاظ امکانات زندگی به هم نباشند زمینه‌ی بروز فساد اقتصادی ایجاد می شود و فساد اقتصادی هم مانع اصلی برای جهاد در اقتصاد است.

۲- مدیریت غیر متخصص

در اصول و مبانی اقتصاد اسلامی و در کلام اهل بیت(ع) همواره به استفاده از افراد متخصص و دانا در مسائل اقتصادی اشاره شده است.

امام رضا(ع) در نامه ای که مأمون نوشتند، درباره‌ی تبیین اسلام خالص و کلیات دین توضیحاتی دارند. این نامه که به درخواست مأمون نوشته شده بود چند برائت (بیزاری جویی و جبهه گیری) و چند ولایت (پذیرفتن و اطاعت) ذکر شده است مثل برائت از کسانی که نیکان را از مراکز کشورهای اسلامی دور ساختند و سفیهان و نادانان (بی تشخیصان) را در پست های ملکت به کار گرفتند:

۱.سوره حشر، آیه ۷

«البرائةُ ممّن نفى الاخيار... و آوى الطّرداءَ للّعناء... و أستعمل السفهاء...»^۱ جزء اسلام خالص بيزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و آنان را که پیامبر (ص) رانده و لعنت کرده بود، در مرکز اسلامی پناه دادند... و کم خردان و سفیهان را به کارها گماردند.

«در اینجا جمله‌ی: «و أستعمل السفهاء» کم خردان و بی تشخیصان مورد گفتگو است که مسأله‌ی مهم ضرورت هوشیاری و بینایی (تخصص و وارد بودن) در برنامه ریزی های اقتصادی- اجتماعی را مطرح کرده است. امام رضا(ع) نابسامانی، بی عدالتی، فقر و مشکلات آن دوره از تاریخ اسلام و حاکمیت اسلامی را به عللی نسبت میدهد که از آن جمله به کار گرفتن جاهلان و نا آگاهان است چون موجب عقب ماندگی و فساد اجتماعی و بینوایی مردم می شوند»^۲.

در قرآن کریم نیز واژه‌ی «سفهاء» به کار گرفته است:

« وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا »^۳ اموالتان را که خدا مایه‌ی قوام کار(سامان یابی زندگی شما) قرار داده است، در اختیار کم خردان و ناواردان قرار مدهید... .

در این آیه از واگذاری اموال به دست سفیهان نهی شده است به علت اینکه اموال مایه‌ی قوام زندگی و سامان یابی جامعه است، به همین علت نباید افراد ناوارد و نا آگه و نا متخصص و فاقد تشخیص زمام، امور چیزی را در دست بگیرند و نباید مدیریت های مل یو اقتصادی به افراد ناوارد و بی تشخیص سپرده شود.

قوام بودن مال برای زندگی از «لکم قیاماً» مشخص می شود. در برخی از روایات آمده به عنوان مثال، جمع آوری مال مذموم شمرده شده است اما باید گفت آنجا منظور جمع آوری مال از راه حرام یا ثروت اندوزی بدون دادن خمس و زکات است. لذا مال و ثروت به خودی خود نه تنها مورد نکوهش دین اسلام نیست بلکه برای اداره ی جامعه و سعادت انسان مفید است. برای نمونه در روایات پیامبر اکرم(ص) آمده که روزی ایشان با یاران خویش نشسته بودند که چشم شان به جوان نیرومندی افتاد که از صبح مشغول کار و کوشش بود ، یاران پیامبر اکرم(ص) از کار او نکوهش

۱. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۲، ص ۱۰۶

۲. حکیمی، محمد، «معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی»، قم، موسسه بوستان کتاب، ص ۱۳۸

۳. سوره نساء، ۵.

کردند و گفتند چقدر خوب بود که این جوان، نیروی خویش را در راه خدا صرف می کرد ولی پیامبر فرمود: «چنین نگویند اگر این جوان می کوشد زندگی خود را تامین کند تا خویش را از مردم بی نیاز سازد، این کار نیز در راه خداست و یا اگر می کوشد پدر و مادر ناتوان یا کودکان بی پناه را از سوال مردم بی نیاز سازد همین کار نیز در راه خداست»^۱.

از نظر پیامبر اکرم (ص)، انسان گرسنه فاقد آرامش و سکون است: «ان النفس اذا حررت قوتها استقرت»^۲ آدمیزاد آنگاه که مایه ی زندگی را بدست آورد آرامش پیدا می کند.

اقتصاد سالم برای حیات یک جامعه مانند ضرورت و جود خون برای بدن است. امام علی (ع) در مورد قوام انسان می فرماید: «المرء ... يقوم بعمله...»^۳ قوام انسان وابسته به تلاش عملی اوست.

«در مورد آیه فوق الذکر که می فرماید اموالتان را به سفیهان ندهید باید گفت که این آیه در مورد اموال یتیمان است اما نکته ی قابل توجه تعبیر اموالتان به جای اموالشان است که به مردم تفهیم شود که اموال بعدی اجتماعی دارد که به همان سبب، مال هر کسی مال شماسست پس آن را حفظ کنید و مانع از بین رفتن آن نشوید زیرا مایه ی قوام شماسست»^۴.

خداوند با استفاده ی صحیح و درست اموال و دارایی ها و همچنین مدیریت آنها توسط افراد با تقوا، با هوش و خردمند تاکید کرده است. همانگونه که از این آیه مستفاد می شود، خداوند امر فرموده تا مدیریت و اداره اموال به دست افراد خردمند سپرده شود.

۱. ان كان يسعى على نفسه ليكفيها عن المسألة و يغنيها عن الناس فهو في سبيل الله، و ان كان سعى على ابوين ضعفين أو ذرية ضعفاً ليغنيهم و يكفيم فهو في سبيل الله». راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز، قرآن و اقتصاد، ص ۲۰۵ به نقل از محبة البيضاء، ج ۳۰، ص ۱۴

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: مصطفوی، پیشین، ج ۵، ص ۸۹

۳. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمدرضا حکیمی، ج ۱، ص ۳۲۹

۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۲

امام علی (علیه السلام) در مورد سپردن کارها به افراد با تدبیر می گوید: «یا ایها الناس... لا خیر فی دنیا لا تدبیر فیها»^۱ ای مردم... در دنیایی (زندگی، جامعه ای، مدیریتی) که تدبیری در آن نباشد خیری نیست.

ایشان همچنین در مورد برنامه ریزی در کارهای اقتصادی می فرماید: «حسن التدبیر ینمی قلیل المال و سوء التدبیر یغنی کثیره»^۲ برنامه ریزی درست (اقتصادی) مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست مال فراوان را نابود می کند.

در مورد سپردن کارها به دست افراد نا وارد یا خائن احادیث دیگری نیز آمده است. امام صادق (ع) می فرماید: «ما ابالی الی من ائتمنت :خائناً و مضیعاً»^۳ تفاوتی نمی بینم میان اینکه کار را به دست خائن بسپارم تا ناوارد.

« این حدیث تعلیمی است بیدار کننده و نقش آفرین در حرکت های سازندگی، امام معصوم (ع) با صراحت می فرماید: غیر متخصص با خائن مساوی است و نتیجه ی کار هر دو یکی است (ضایع شدن کار و تباه شدن هدف و پایمال سازی نقشه ها و برنامه ها) و فرقی نمی کند که کاری، شغلی (فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) را به غیر متخصص و کارشناس و فاقد مهارت بسپارید یا به خائن، اگرچه غیرمتخصص زاهد زمان باشد»^۴.

همانطور که از آیات و روایات استفاده می شود یکی از عوامل نابودی اجتماع و مال این است که دارایی ها و مدیریت کارها به دست افراد نالایق و کسانی که حق آن مال را نمی دانند بیفتند: «النبی (ص)... فیما رواه الامام علی بن ابی طالب (ع): الدینار و الدرهم اهلکا من کان قبلکم و هما مهلکاکم»^۵ پیامبر اکرم (ص) به روایت امام علی (ع) فرمودند: دینار و درهم (مال و دوستی مال)، کسانی که پیش از شما بودند را هلاک کردند، شما را نیز چنان خواهند کرد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربیه، ج ۷۰، ص ۳۰۷

۲. آرام، احمد، الحیاء، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۴، ص ۸۷

۳. همان، ص ۴۹۰

۴. همان، ص ۴۹۱

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۶، ص ۲۶

همچنین امام جعفر صادق(ص): «از عوامل فناء اسلام و مسلمانان آن است که اموال به دست کسانی بیفتد که حق مال و توان اقتصادی را ندانند و اموال را در راه کارهای نیک به مصرف نرسانند».^۱

با توجه به آن چه تاکنون ذکر شد نتیجه می گیریم ((برای اجتماع اسلامی ... بنابر تعالیم دینی.. واجب است که هم برنامه ریزی اقتصادی داشته باشند و هم تلاش تعهد آمیز و دامنه دار داشته باشند که اینها موجب تعدیل و هماهنگی و تکامل پذیری اقتصادی و به جریان انداختن اموال به منظور تامین زندگی انسانی و بالابردن سطح آن می شود. همچنین لازم است در این برنامه ریزی و تدابیر، راههایی برای طرد افراد و تفریط ها و نفی هر گونه استفاده از افراد ناوارد در بخش های مدیریتی شود تا جامعه با امنیت و خوبی به وجود آید. در این صورت است که جامعه قوام لازم را خواهد داشت)).^۲

۳- مصرف گرایی

مصرف و مصرف گرایی، مقوله ای چند بعدی است که می توان از ابعاد گوناگون به آن نگاه کرد. مصرف گرایی افزون بر عوامل و اثرات اقتصادی، اثرات روانی و اجتماعی نیز خواهد داشت. امروزه مصرف گرایی یکی از مهمترین موانع بر سر راه فرهنگ جهادی است زیرا مصرف گرایی با شکل و شرایطی که امروزه به خود گرفته است چرخه ی اقتصاد، فرهنگ و سیاست را نیز تحت تاثیر قرار داده است. برای نهادینه سازی فرهنگ جهاد باید مصرف گرایی را در جامعه کاهش داد تا مردم با خیال آسوده و راحت تر و با منش اسلامی به مسائل جامعه توجه کنند.

مصرف گرایی عبارتست از: «اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی های مادی برخی مصرف گرایی را به معنای برابر دانستن خوشبختی شخصی با خرید دارایی های مادی و مصرف گرفته اند».^۳

۱. آرام، احمد، الحیاة، ترجمه: محمد رضا حکیمی، ج ۳، ص ۱۲۸

۲. پورازغدی، رحیم، سلسله نشست های بازار اسلامی، ۱۳۹۳

۳. سیدی نیا، سید اکبر، ۱۳۸۸، مصرف و مصرف گرایی از منظر اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۴۴

برای سرعت بخشیدن در تبدیل یک جامعه به جامعه ای مصرفی، از سیاستها و حربه های مختلف استفاده شد. برای مثال برگزاری نمایشگاه ها، تأسیس فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای و ظهور کالاهای مصرفی ارزان قیمت در حجم فراوان. تفاوتی که جامعه ای مصرف گرا با پیش از خود دارد این است که هدر جامعه ای مصرفی، مصرف انواع کالا (برای مردم عادی نیز رواج و در درجه ای اول قرار دارد.

مصرف گرایی در تعالیم و ادبیات دینی معادل دقیق و مشخصی ندارد اما با مفاهیمی مانند: اسراف، تبذیر و اتلاف مرتبط است.

مصرف گرایی، مانعی اصلی بر سر راه فرهنگ جهادی است زیرا در فرهنگ جهادی باید برای پیشرفت کشور از خود گذشتگی داشت و منافع جمع را بر خود ترجیح داد ولی در مصرف گرایی قضیه برعکس است.

میزان مصرف در اسلام

اسلام دین اعتدال، میانه روی است یعنی هم امر به مصرف مال در مصارف شخصی به اندازه کفاف کرده و هم از اسراف و تبذیر برحذر داشته است. به طور کلی در اسلام، مصارف؛ به پنج دسته تقسیم میشوند: معارف واجب که به منظور تأمین نیازهای ضروری انجام می شوند، مصارف مستحب که برای جلب رضای خدا هستند مل اهداف خدا پسندانه، مصارف حرام که د راه های نامشروع و حرام و در مواردی که از حد شرعی و نیاز خارج می شوند مثل اسراف و مصرف گرایی بی رویه، مصارف مکروه که همان میزان مصرف بیش از حد متعارف و مصارف مباح که هیچ نکوهش یا ثوابی برای آن نیست»^۱.

مصرف گرایی و ممانعت از فرهنگ جهادی

در اسلام حفظ مال و دارایی ها و تباه نکردن آن، تأکید شده است. در فرهنگ جهادی نیز استفاده درست از امکانات و دارایی ها مد نظر است. زیرا وجود امکانات مادی و دارایی نقش مهمی در بقای اسلام و مسلمانان دارد، امام صادق (ع) می فرماید: «از علل بقای مسلمانان و اسلام این است

۱. موسایی، میثم، ۱۳۷۴ ش، «دین و فرهنگ توسعه». تهران، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی

که اموال در دست افرادی قرار گیرند که قدر آن را می دانند و آن را به صورت پسندیده مصرف می کنند، از اموری که به نابودی اسلام و مسلمانان می انجامد این است که اموال در دست افرادی قرار گیرد که قدر آن را نمی شناسند و به صورت پسندیده، مصرف نمی کنند».^۱

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید: «باید از دارایی، نیکو نگهداری کنی زیرا انسان بخشنده، با آن قدرت می یابد و از فرومایه، بی نیاز می شود».^۲

واضح است که مصرف بی رویه به جا خرج نکردن یکی از مصادیق استفاده نادرست و هدر دادن اموال است که از دید آموزه های اسلامی و فرهنگ جهادی صحیح نیست.

مصادیق مصرف گرایی

۱- اسراف

یکی از مصادیق مصرف گرایی اسراف است. اسراف در لغت قصد و اعتدال، و اسراف در هزینه است.^۳

«طریحی در مجمع البحرین خوردن چیز حرام، تجاوز از حد اعتدال در خوردن چیزهای حلال، انفاق در غیر طاعت خداوند، خوردن، خریدن و پوشیدن چیزی که مناسب حالش نیست را از معانی اسراف دانسته است».^۴

قرآن کریم درباره ی اسراف می فرماید: «بخورید و بیاشامید و زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد».^۵

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان جهاد در اقتصاد یکی از ملزومات آن را پرهیز از اسراف می دانند و می فرمایند «مسئله جلوگیری از اسراف و اصلاح الگوی مصرف، به عنوان یک حرکت

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۱، ص ۵۲۱، ح ۱

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، پیشین، ج ۵، ص ۸۸، ح ۶

۳. فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱ ش، «فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی». تهران، نشر البرز، ج اول ص ۶

۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، «مجمع البحرین». محقق: حسین اشکوری، ج ۵، ص ۶۹

۵. سوره اعراف/۳.

عمومی هستند که می‌تواند وضع اقتصاد را سامان دهی کند، برای این کار باید اسراف از الگوی مصرف حذف شود.^۱

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود می‌فرمایند: «مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است، یعنی مصرف متعادل و پرهیز و اسراف. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه متعادل در مصرف، بلاشک، حرکت جهادی است. انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.»^۲

آیه‌هایی از قرآن که به دفعات، اسراف را امری مذموم می‌شمارند زیاد هستند.^۳ در حرام بودن اسراف شکی نیست و روایاتی هم داریم که اسراف و مصادیق آن را ذکر کرده‌اند، مانند حدیثی از امام صادق (ع) که روایت شده ایشان ذیل آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف می‌فرماید: «مال، مال خداوند است، آن را نزد انسان به امانت گذاشته و اجازه داده به حد میانه بخورند و به اعتدال بنوشند... مرکب سواری در حد اعتدال داشته باشند و با آن نابسامانی‌های زندگی خویش را برطرف سازند.»^۴ پس اسراف شامل مصرف و استفاده‌ی هر چیزی است که از حد اعتدال بگذرد.

۲- اتراف

حالت و مصداق سوم مصرف‌گرایی که مانع از فرهنگ جهادی در اقتصاد است، اتراف است. اتراف یکی از اشکال زیاده‌روی در مصرف است که در لغت، «طغیان» از حدود و رهایی و بی‌بند و باری در شهوات دنیا است.^۵

از طرف دیگر، اتراف از ریشه‌ی ترفه به معنی زندگی خوش گرفته شده است.^۶

برخی از نویسندگان مترف را به صورت زیر تعریف می‌کنند:

۱. بیانات در جمع مسئولان و کارگزاران، ۹۱/۵/۳

۲. همان

۳. سوره فرقان، ۶۷، سوره نساء، ۶، سوره شعراء، ۱۵۲، سوره یونس، ۸۳

۴. حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، پیشین، ج ۸، ص ۳۶۶

«مترف کسی است که در فراخی نعمت به سر می برد و از لذت های دنیوی و امکانات مصرفی زیاد بهره مند است»^۱

از مطالب پیش فهمیده می شود که مصرف بیش از حد و مصرف گرایی که در آن تجاوز از حد و ریخت و پاش است و مخالف فرهنگ جهادی است، مذموم بوده، و طبق تعالیم دینی انسان باید از حیف و میل نعمتهای الهی پرهیز کند و امکانات خویش را در راه ثبات اسلام و مسلمین به کار ببرد.

ب) موانع فرهنگی و اجتماعی

۱- تبدیل شدن ثروت به ارزشی بهتر در جامعه

چون میزان ثروت در میان افراد جامعه متفاوت است پس میزان رفاه و زندگی هر فرد با فرد دیگر نیز متفاوت خواهد بود. برای نهادینه شدن فرهنگ جهادی باید همه ی اقشار و بیا هر طبقه ی اجتماعی، به میزان توان خود در این راه قدم بگذارند، اما اگر ثروت در جامعه ای، به عنوان یک ارزش بهتر و یک نوع هنجار شناخته شود. مردم به جمع آوری ثروت روی می آورند و به مسائل معنوی و یا مقابله با تاکتیک های اقتصادی و سیاسی دشمنان توجهی نمی کنند زیرا تنها داشتن ثروت و مال را به عنوان راهی برای برتری خویش به دیگران میدانند.

در چنین حالتی ارزش های غیر مادی و الهی جای خود را به ارزش های مادی می دهند هم چنین شکاف های طبقاتی روز به روز بیشتر می شود، در چنین جامعه ای ثروت مند به دلیل رفاه زدگی و فقیر به دلیل نداشتن توان رقابت، میل به جهاد در اقتصاد و برنامه های فرهنگی کم می شود و مردم اینقدر در پی مسائل مادی هستند که مجالی برای تاکتیک های فرهنگی و مقاومتی در برابر توطئه های دشمنان ندارند.

در چنین صورتی، نابرابری ها، نارضایتی ها میان مردم مشاهده میشود هر چند خود فقر برای مسلمانان، به دلیل باورمداری و ارزشی بودن قابل تحمل است اما گر در اجتماعی ارزش ثروت آنقدر بالا رود که جای ارزش های دینی و فرهنگی را بگیرد، تضاد طبقاتی بسیار بیشتر مشاهده

۱. حسینی، سید رضا، ۱۳۷۹ش. «الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده ی مسلمان» تهران، موسسه ی دانش

میشود که این منجر به تمایز اجتماعی میشود که این ها همه موانعی برای فرهنگ جهادی هستند زیرا در جهاد در زمینه‌ی اقتصاد باید فرد مسلمان، با تمام توان تلاش و کوشش کند و در راه آبادانی کشور بکوشد اما گر میان افراد جامعه شکاف طبقاتی باشد و همچنین به دلیل زندگی لوکس و رفاه کامل تحمل مشقت را ندارد و افراد فقیر هم انگیزه‌ای برای این کار ندارند. افرادی که در آمد کمتری دارند و در طبقه‌ی فقیر قرار میگیرند چون توان خرید ندارند تمام سعی خود را می کنند که حداقل با اجناس بدل یا قرضی، سطح زندگی خود را به سطح مرفهین برسانند و تمام کوشش خویش را برای این کار می گذارند لذا توجهی به فرهنگ جهادی در اقتصاد ندارند.

قرآن کریم حب مال و توجه بیش از اندازه به جمع آوری ثروت را نوعی انحطاط اخلاقی و تربیتی میداند و میفرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». ^۱ و کسانی که طلا و نقره را جمع آوری می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند، آنان را به عذابی دردناک خبر ده.

در جای دیگری، یکی از آثار توجه به مال اندوزی را، غفلت می داند: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» ^۲ زیاده خواهی ثروت و اولاد شما را غافل کرده است.

این آیه، اشاره به غفلت در اثر زیاده خواهی دارد و آیه‌ی نخست اشاره به مثال دوستی و جمع آوری آن بدون در نظر داشتن اهداف و نیت الهی دارد که هر دو نوعی انحطاط و غفلت از آرمان های اسلامی دارد.

۲- یأس و انکار توان مسلمانان

وقتی انسان مشکلات را خیلی بزرگ ببیند و توانایی خود را در مقابل آن ناچیز انگارد، نسبت به موفقیت خویش نا امید و مأیوس می شود و نمی تواند در آن مقوله جهادی عمل کند و این مانع عو همت و تلاش جهت آباد کردن کشور است.

۱.سوره توبه، ۳۴

۲.سوره تکاثر، آیه ۱

در جامعه نباید به گونه ای عمل شود که افراد نسبت به تلاش و تحمل مشقت دل سرد شوند یا به این نتیجه برسند که فعالیتهای آنان ناچیز است و گرهی از مشکلات کشور باز نمی کند علی الخصوص امروزه که تمام دشمنان اسلام دست در دست هم نهاده اند تا مسلمانان را ضعیف کنند و آنان را مرمی محتاج دیگران در جهان معرفی کنند.

در قرآن کریم خداوند نسبت به مومنان امید و خودباوری می دهد و از اینکه احساس ناتوانی و عجز کنند، آنان را برحذر می دارد: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ»^۱ پس (شما ای اهل ایمان، در کار دین) سستی روا مدارید و (ترس جنگ ، کافران را) دعوت به صلح نکنید که شما غالب و بلند مقام تر خواهید بود و خدا با شماست و از (ثواب) اعمال شما هیچ نمی کاهد.

منظور از اعتماد به نفس و داشتن امید، این است که انسان شایستگی ها و نعمتهای خدا را که به او داده است بشناسد و با توکل به خداوند یقین داشته باشد هر کاری که برای پایداری اسلام انجام دهد مورد لطف خداوند است ولی وقتی این احساس در انسان نباشد و از دل با شک و تردید و بی اعتمادی زندگی کند، رسیدن به فرهنگ جهادی و موفقیت در آن محال است.

۳- جهالت و هم نشینی با جاهلان

جهل و نادانی از آنجا که مانع دانستن و فهمیدن مراتب بالاتر همت است، موجب پستی همت و تلاش می شود و انسان را از تلاش ثمربخش باز می دارد. یکی از راههای رسیدن به فرهنگ جهادی، فهم بالا و درک نقشه ی راه جهاد در اقتصاد است، بنابراین نادانی و جهل در این باره، مانعی فرهنگی در راه فرهنگ جهاد در اقتصاد است. امام علی(ع) می فرماید: «رغبة العاقل في الحکمة، و همة الجاهل في الحماسة»^۲. رغبت خردمند، به همت است و همت نادان در کار احمقانه.

انسان نادان و جاهل به اوضاع جهاد و کشور، همت خویش را در کارهای بیهوده صرف می کند و توجهی به اولویتهای ندارد. امام علی(ع) می فرماید: «اقصد همتک علی ما یلزمک، ولا تخض فیما

۱.سوره محمد، آیه ۳۵

۲. محمدی ری شهری، ۱۳۷۷. «میزان الحکمة». ج ۴، ص ۳۴۷۱

لا یعنیک^۱ همت خویش را مصروف چیزی گردان که لازم توسست و در آن چه به کارت نمی آید فرو مرو.

پس یکی از موانع فرهنگ جهادی، نادانی و جهل به این مسئله است زیرا جهل و صرف همت و تلاش در اموری که لازم نیست، مانع استفاده‌ی صحیح و به جا از امکانات و موجب عقب ماندگی می شود.

پذیرش فرهنگ جهادی مستلزم علم کافی و فهم مقاصد آن است. اگر مردم نسبت ه فرهنگ جهادی، جهل داشته باشند نمی توانند همگام با اهداف آن عمل کنند و لذا تحقق فرهنگ جهادی امکان پذیر نخواهد بود. برای اجرای فرهنگ جهادی باید از نظر روانی و فرهنگ بستر سازی شود و مردم از لحاظ فکری آماده‌ی پذیرش آن باشند.

۴- تنبلی

کار و تلاش به عنوان یکی ارزش در اکثر نقاط دنیا مطرح است و در اسلام از تأکید خاصی برخوردار است به طوری که در برخی روایات هم ردیف با جهاد معرفی شده است. امام رضا(ع) کار مفید را که موجب رفع نیازهای اساسی خانواده گردد اجرش را از جهاد در میدان جنگ بیشتر میدانند.^۲

برعکس، وقتی تنبلی و بیکاری در جامعه امری عادی تلقی شود و مردم از زیر بار مسئولیتها شانه خالی کنند، آن گاه روح ذلت بر جامعه حکمرفا می شود و زمینه‌ی نفوذ بیگانگان در کشور ایجاد می شود.

اهل بیت (ع) همواره نسبت به تنبلی هشدار داده واز مسلمانان می خواستند روح تنبلی را از خود دور نگه دارند. به عنوان مثال امام رضا(ع)، که در سخنان خود نسبت به گروهی از مردم بغض و

۱. طهماسبی بلداجی، اصغر. طهماسبی بلداجی، آذر. ۱۳۹۲. «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی». فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۴۷

۲. محمد ری شهری، محمد، «میزان الحکمة». ج ۴، ش ۷۲۰۴

کینه دارد و آن گروه، کسانی هستند که ((تنبل و تن پرور هستند و روح گدایی دارند و مدام آنچه را می خواهند از دیگران طلب می کنند. چنین کسانی، امت را به خواری می کشانند چون علاوه بر اینکه باعث می شود از مردم مسلمان طلب کنند بلکه ابایی ندارند از اینکه از بیگانگان نیز درخواست کمک کنند. ایشان می گویند «چگونه ممکن است امام رضا(ع) نسبت به کسانی که از سایرین گدایی می کنند اینگونه بغض داشته باشد اما از کسانی که از بیگانگان طلب کمک می کنند بغض نداشته باشد در صورتی که این کار بدتری است زیرا طلب کمک از نظام سلطه، باعث نفوذ آنان در کشور می شود و عزت و اقتدار اسلام را از بین می برد.»^۱

تنبلی باعث زیاد شدن روح درخواست و گدایی می شود و به همین دلیل تنبلی مانعی برای فرهنگ جهادی است. در فرهنگ جهادی باید با تلاش و جدیت در راه استقلال و آبادانی کشور اسلامی کوشید و. در حال که تنبلی کاملاً مخالف این است. انسان اگر عادت به تنبلی کند، روح خواهش و تمنا از بیگانه در وی بوجود می آید که این مخالف فرهنگ جهادی است.

خداوند در سوره ی انشراح آیه ی ۷ می فرماید:

«فاذا فرغت فانصب» هنگامی که از کار مهمی فارغ میشوی به مهم دیگر پرداز.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

«دقت در این آیه نشان میدهد، تلاش سازنده و موثر است که رمز پیروزی و تکامل انسان در آن نهفته است، اصولاً بیکار بودن و فراغت کامل مایه ی خستگی، کم شدن نشاط، موجب تنبلی و فرسودگی و در بسیاری از مواقع مایه ی فساد و تباهی و انواع گناهان است.»^۲

امام علی (ع) نیز می فرماید:

«اگر از کار دنیا خلاص شوم مسرور نمی گردم زیرا از بیکارگی بیزارم»^۳.

۱. حکیمی، محمد، «معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی»، قم، موسسه بوستان کتاب، صص ۹۲-۸۵

۲. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، پیشین، ج ۲۷، ص ۱۲۸

۳. محمدی ری شهری، محمد، «توسعه ی اقتصادی بر پایه ی قرآن و حدیث»، پیشین، ص ۱۸۵

با توجه به اهمیت کار و تلاش و ارزشی که کار کردن دارد در مقابل، تنبلی و بیکاری مورد نکوهش است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید:

«سهل انکاری شعار شیطان است که به قلب مومن القا می کند»^۱.

امام صادق(ع) نیز دوری از کسالت و بی حالی را روش همه ی نیاکانش می داند و می فرماید:

«در امور روزمره زندگی و تأمین نیازها سستی به خرج ندهید زیرا پدران ما در این مورد تلاش ویژه داشتند و به آنها دست یافتند»^۲.

نتیجه گیری:

در این بخش به بررسی موانع پیش روی فرهنگ جهادی پرداختیم. فرهنگ جهادی در اقتصاد مثل هر کار دیگری موانعی در پیش رو دارد، مخصوصاً اینکه با فرهنگ جهادی در اقتصاد سلطه جویان ضررهای زیادی می بینند چون دیگر محیطی آماده ی سوء استفاده ندارند که بوسیله ی آن بر دارایی های خویش بیافزایند.

بیان شده که موانع موجود در مقابل فرهنگ جهادی دو دسته اند. دسته ی اول موانع اقتصادی هستند یعنی موانعی که به نوعی به اقتصاد وابسته هستند مثل فساد اقتصادی، مدیریت غیر متخصص و سوم مصرف گرایی.

تأثیری که فساد اقتصادی می گذارد این است که هر گاه فساد اقتصادی در جامعه ای وجود داشته باشد باعث ایجاد شکاف طبقاتی می شود و مردم به دو دسته تقسیم می شوند، طبقه ی اشراف که بوسیله ی فساد مالی و تبانی و مثال آن به ثروت زیادی می رسیده اند و علاقه ای به فرهنگ جهادی در اقتصاد ندارند چون خود ثروتمند بوده و دلیلی نمی بینند خود را به زحمت بیافکنند.

۱. باینده، ابوالقاسم، «نهج الفصاحة». دنیای دانش، چاپ چهارم، ش ۱۰۰۶

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۸.

دسته‌ی دوم، افراد ضعیف از نظر مالی هستند که چون وضعیت نابسامان و بی عدالت جامعه را می بینند، انگیزه‌ای برای فرهنگ جهادی ندارند چون می بینند هر چقدر هم تلاش کنند نمی توانند وضعیت مالی خوبی پیدا کنند.

مدیریت غیر متخصص هم چون اموال عمومی را حیف و میل می کند و راهی برای رساندن مجموعه به کمال، به دلیل نداشتن تخصص در آن مجموعه ندارد، اراده نمی کند لذا سرمایه های اجتماع را از بین می برد و باعث دلسردی سایرین به فرهنگ جهادی می شود.

مصرف گرایی نیز یکی از موانع بود. مصرف گرایی باعث میشود مردم کمتر میل به تولید داشته باشند و بیشتر دوست داشته باشند کالاهای لوکس و تجملی مصرف کنند که این اهم باعث هدر رفتن سرمایه می شود و هم زمینه‌ی سلطه‌ی بیگانگان را زیاد میکند.

دیگر موانعی که بر سر راه فرهنگ جهادی هستند موانع فرهنگی و اجتماعی هستند، موانعی مثل بالا رفتن ارزش پول و ثروت در یک جامعه، نادانی و نا آگاهی نسبت به فرهنگ جهادی، یاس و ناامیدی مردم نسبت به فرهنگ جهادی و تنبلی و عادت کردن به تن پروری که موجب نیاز بیشتر به بیگانگان می شوند و مانعی جدی بر سر راه فرهنگ جهادی هستند.

فصل چهارم:

راهکارهای اجرای فرهنگ جهادی

مقدمه :

اسلام و مسلمین از همان آغاز، آماج حملات دشمنان بوده چه از لحاظ فرهنگی، نظامی و چه سیاسی و امثال آن. اما مسلمانان همواره توانستند با تکیه بر ایمان و پیروی از امام خویش و سایر مؤلفه ها جهادی دست دشمنان را از کشور اسلامی کوتاه کنند.

امروزه عرصه ی اقتصادی به میدان جنگی واقعی تبدیل شده که باتوجه به اهمیت آن، لزوم جهادی همگانی برای پیروزی در عرصه ی اقتصاد در برابر دشمنان را می طلبد. برای جهاد در اقتصاد، کار فرهنگی از همه مهمتر است. ارزش کار فرهنگی بسیار بالاست چون تاثیرگذاری اش بیشتر است، لذا برای تحقق جهاد در اقتصاد نیازمند فرهنگ جهادی هستیم و اینکه فرهنگ جهادی چه راهکارهایی رابه ما معرفی می کند تابوسیله ی آن بتوانیم موانع پیش روی اقتصاد کشور را از بین ببریم .

فرهنگ جهادی چون ازدل اسلام بیرون می آید و فرهنگ و منش بزرگان دین ماست، لذا برای سعادت انسان کافی و جامع است .

بنابراین بر ما واجب است راهکارهای فرهنگ جهادی را بشناسیم تا بتوانیم آنها رابه کار گیریم تا ملت رابه سعادت، هم دنیوی و هم اخروی برسانیم .

راهکارهای اجرایی شدن فرهنگ جهادی :

فرهنگ جهادی به عنوان فرهنگ غنی اسلامی و فرهنگی که به جامعه ی مسلمانان اصالت و ویژگی می بخشد و نشانه ی جامعه ی اسلامی است باید در کشورهای اسلامی و مخصوصا ایران اسلامی ترویج و نهادینه شود. زیرا ایران در شرایط خاصی قرار دارد، ایران جزو معدود کشور هایی است که با تمام توان و انرژی در مقابل کشورهای سلطه جو ایستاده است. بیگانگان که استقامت مردم را می بینند از راههای مختلف مثل تحریم کالاها و غیره سعی در تسلیم سازی مردم دارند. فرهنگ جهادی راهی است که بوسیله ی آن می تواند امید سلطه جویان رابه یأس تبدیل کرد .

برای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ جهادی، راهکارهایی وجود دارد که در این بخش به بیان و تشریح این راهکارها می پردازیم :

۱. توجه به قرآن و معارف دینی در زندگی

اولین راه نهادینه سازی فرهنگ جهادی در اقتصاد توجه به قرآن و معارف الهی است. انسان باید در تمام جنبه های زندگی، قرآن را به عنوان چراغ راهی قرار داده، تا طبق آن عمل کند. قراردادن قرآن و معارف دینی در امور دنیوی و زندگی در واقع پاسخ به ندای فطرت خود ماست زیرا خداوند خالق کل جهان است و برنامه هایی هم که برای راهنمایی ما فرستاده مطابق فطرت ما و برای رساندن ما به سعادت است.

امور اقتصادی هم، بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده اند. جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد نیز باید طبق دستورات الهی باشد تا در زندگی به آنچه که خالق خواسته نزدیکتر باشیم. پیروی از روش کسانی که به خود مخلوق هستند و دارای عیب و نیاز، کاری دور از تعقل است. باید در گام اول، برنامه ها مطابق دستورات الهی باشد.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ »^۱ دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد ...

امام صادق (ع) - عبادت واقعی را تفکر در اوامر الهی می دانند و می فرمایند :

((ليس الغبادة كثرة الصلوة والصوم، إنما العبادة التفكير في أمر الله عزوجل))^۲ عبادت و بندگی خداوند به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت حقیقی، تفکر در امر الهی است.

اگر انسان در زندگی به خدا توجه داشته باشد و به قرآن و معارف دینی عمل کند، هنگامی که بخواهد کاری انجام دهد خداوند نیز به او مدد می رساند. برای موفقیت در جهاد در اقتصاد و نهادینه سازی فرهنگ جهادی باید در همه ی مراحل زندگی خداترس بوده و به اوامر الهی توجه داشت تا خداوند ما را یاری کند. امام علی (ع) در این باره می فرماید :

۱. سوره انفال، آیه ۲۴

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۷۱، ص ۳۲۳، ج ۴

((تنزل المعونه على قدر المؤونه))^۱ کمک الهی به اندازه نیاز فرود می آید. به عبارت دیگر وقتی انسان به خدا توجه کند و تنها از او بخواهد خداوند هم به او امداد می رساند و او را موفق می نماید.

ایشان هم چنین در وصیت های خویش به فرزندان خویش توجه به نماز و معارف دینی مثل حج و خانه ی کعبه رادر رأس امور قرار می دادند و به فرزندان خویش سفارش می کردند نماز را به پادارید و خانه ی کعبه را خالی مگذارید و همواره معارف دینی را توجه کنید و می فرمودند:

((والله الله في الصلاه، فإنها عمود دينكم. والله الله في بيت ربكم، لا تخلوه ما بقيتم فإنه ان ترك لم تناظروا...))^۲

طبق فرمایشات حضرت علی-(ع)- توجه به دین و معارف آن و پیاده کردن احکام قرآن در زندگی نقش بسزایی در رشد و پیشرفت دارد و موجب امدادهای الهی نیز می شود. ایشان همچنین در مورد ضرورت توجه به قرآن و اینکه قرآن و تمسک به آن موجب حفظ روحیه و وحدت و یکپارچگی می شود می فرمایند: ((أَمْ أُنْزِلَ إِلَيْكَ (سبحانه) دينا تاما فقصر الرسول(ص) عن تبليغه وأدانه. والله يقول: ((مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ))^۳ وفيه تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ (...))^۴ آیا خدای سبحان دین ناقصی فرستاده و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد ... درحالی که خدای سبحان می فرماید: ما در قرآن چیزی رافرو گذار نکرده ایم و فرمود در قرآن هر چیزی بیان شده است ... همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست. مطالب شگفت آور آن تمام نمی شود و اسرار نهفته آن پایان نمی پذیرد و تاریکی ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد.

برای قرار دادن معارف قرآنی در بطن زندگی و توجه به آنها در کارها، لازم است رابطه ی انسان و خدا تغییر کند به عبارت دیگر انسان باید باور کند که خداوند ظرفیت های لازم برای

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷

۳. سوره انعام، آیه ۳۸

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۸

کارهای مهم رادر وجود او به ودیعه گذاشته و اوست که باید سپاسگذار باشد و از آنها در راه پیشرفت اسلام و مسلمین استفاده کند.

«اگر نوع نگاه انسان به وظایفی که خداوند برعهده انسان گذاشته تغییر کند و انسان به این ایمان پیدا کند که هر کاری که او انجام دهد در پیشگاه الهی محاسبه می شود و خداوند، خودش اجر کسانی که در راه او قدم می گذارند و تلاش می کنند را می دهد آن گاه با جدیت تمام فرهنگ جهادی را پذیرفته و آن را در زندگی خویش پیاده می کند»^۱.

۲. خودباوری

اینگونه که به نظر می رسد، جامعه ی ما، مثل بسیاری از جوامع در حال توسعه، نیاز به خودباوری و خود اتکایی دارد. «مردم ما در برخی از زمینه ها با اینکه استعداد و نیروی کافی دارند اما به این باور نرسیده اند که می توانند بدون کمک و دخالت سایر کشورها در آن زمینه ها موفق شوند. البته طی سال های اخیر محققین و متخصصین ایرانی به موفقیت های چشم گیری دست یافته اند تا جایی که موجب رعب بیگانگان شده اند، اما برای رسیدن به فرهنگ جهادی باز هم نیاز به خود باوری بیشتری وجود دارد»^۲.

۳. مدیریت جهادی

یکی از راهکارها و راههایی که می توان به وسیله آن فرهنگ جهادی رادر جامعه گسترش داد، مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی کاری است که در سطح دولت و سازمانها انجام می شود و اقداماتی است که مسئولین باید انجام دهند تا فرهنگ جهادی در جامعه پیاده شود.

امروزه، رکن اصلی اجتماع، سازمان ها و ادارات هستند و مدیریت، مهم ترین عامل در رشد و بالندگی این رکن اصلی جامعه است به گونه ای که نوع مدیریت، تاثیر بسزایی در زندگی اقشار مختلف دارد و می تواند موجب اشاعه ی یک رفتار والگو شود و برعکس برخی از الگوها را از جامعه حذف کند. بنابراین یک راهکار مناسب برای فرهنگ جهادی، مدیریت جهادی مدیران ما در سطح های مختلف است.

۱. تاج آبادی، رضا و مشایخی، کریم، شاخص ها و نشانه های وجدان کاری، مجموعه مقالات فرهنگ و مدیریت جهادی، خرداد ۸۸.

۲. نجفی، علی، توجه به فرهنگ جهادی راهکاری برای اصلاح الگوی مصرف، همان جا.

((مدیریت جهادی غیر از مدیریت علمی نیست که براساس قوانین مطرح دردانش مدیریت پایه ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت که از ترکیب اسلامی یا جهادی برخوردار است با مدیریت مطلق در این است که مبنای آن را نظام ارزشی اسلام می سازد. نظام ارزشی اسلام نقش مهمی را در نظریه های علمی و شیوه های عملی مدیریت دارد به همین دلیل در روش های مدیریت مسلمانان تاثیر گذاشته و به آنها جهت می دهد)).^۱

اگر مدیران مسلمان، در بخش های مدیریتی خویش جهادی و اسلامی باشند و ارزش های اسلامی را مبنای کار خویش قرار دهند و دغدغه ی اصلی خویش را خدمت به مردم قرار دهند، فرهنگ جهادی به خودی خود به سایر مردم القا می شود، آنها می بینند که افرادی که در سطح های بالای مدیریتی هستند خود را فدا کرده

و رفع نیازهای مردم را در اولویت قرار داده اند، مردم هم این فرهنگ برایشان نهادینه می شود اما در غیر این صورت اگر مدیران ما، به شغل خویش به عنوان فرصت و حق خویش نگاه کنند و از آن سوء استفاده کنند نمی توان انتظار داشت مردم جهادی باشند و به فرهنگ جهادی برسند.

البته همانگونه که در اقتصاد اسلامی نظام ارزشی اسلام به جای قوانین علمی و دانش اقتصاد قرار نمی گیرد، بلکه به عنوان مبنای آن قرار می گیرند، باید در مدیریت جهادی نیز نظام ارزشی اسلام مبنای قوانین علمی و عملی باشد نه به جای آن به همین علت مدیریت جهادی بر دو اصل استوار است:

الف: علم مدیریتی

ب: نظام ارزشی که مبنای قوانین مدیریت و اساس شیوه های عملی مدیریت مدیران قرار می گیرد.

حاصل سخن اینکه: اسلام در همه شئون زندگی انسان از جمله مدیریت یا رهبری جامعه و سایر روابط، قانون و پیام دارد و از طریق نظام ارزشی خود بر همه امور تاثیر می گذارد.^۲

^۱. مشایخی کریم، تاج آبادی و رضاو شعبانی، سمیه. «مقایسه ی تطبیقی مدیریت جهادی با سایر سبک های مدیریتی، مجموعه

مقالات همایش مدیریت جهادی.

^۲. همان.

در مدیریت جهادی، مدیران باید توجه داشته باشند که مدیریت برای آنها باید خدمتگذاری به مردم باشد نه ریاست مداری و مدیران جهادی باید در جهت خدمت به خلق خدا و برپایی عدالت و رفع بی عدالتی باشند. اگر مدیران این گونه باشند، در این صورت، اعمال و رفتار آنها تاثیر مثبتی در اشاعه ی فرهنگ جهادی خواهد داشت.

اما اگر مدیران ما، مدیریت جهادی نداشته باشند و در عوض آن با خودپسندی و تحکم کارها را پیش ببرند و منافع خویش را بر منافع جامعه ترجیح دهند، در این حالت خود مانعی برای فرهنگ جهادی هستند.

ویژگی های مدیران جهادی

۱-۳. ایمان و اعتقاد به آخرت

یک مدیر می بایست به خداوند و جهان آخرت ایمان قلبی داشته باشد و عالم را محضر خدا بداند و در تصمیم گیری ها و رفتارهای مختلف خویش، فعل خلافی انجام ندهد. وجود ایمان باعث وظیفه شناسی، وجدان کاری و عدم گرایش به مادیات و امثال اینها می شود.

ایمان به خدا موجب تقوی و پرهیزکاری می شود. یک مدیر می بایست متقی بوده تا به این وسیله به سمت پلیدی ها نرود. و هرگاه در کار با مشکل مواجه شد آرامش و تعادل روحی خود را از دست ندهد.

۲-۳. اعتقاد به ولایت فقیه

پیروی از ولایت فقیه موجب اتحاد و همدلی میان مدیر و سایرین می شود. اعتقاد به ولایت فقیه مثل یک محور که همه دور آن می گردند و به فعالیتها جهت می دهد.

((یک مدیر موفق و مطلوب در نظام اسلامی بایستی بر این اعتقاد قلبی باشد که پیروی از دستورات ولی فقیه موجب ایجاد وحدت و انسجام در نظام اجتماعی و هماهنگی بیشتر کلیه ارکان اجتماعی در مسیر حرکت به سوی مقاصد الهی خواهد شد)).^۱

۳-۳. تواضع و فروتنی متعادل

یک مدیر جهادی نباید در رفتار و اعمال خویش دچار کمبود شود و خود را بالاتر از دیگران بداند بلکه باید ((در رفتار با دیگران (بجز دشمنان و مستکبران) فروتن و متواضع باشد و با ادب و احترام زیاد با دیگران برخورد نماید)).^۲

۳-۴. سرعت عمل و نظم در کارها

در مدیریت جهادی، سرعت عمل و درعین حال نظم در کارها یک مؤلفه اصلی است. منظور از سرعت شتابزدگی نیست بلکه (دوری از کاهلی و سستی در انجام وظایف است). در مدیریت جهادی بی نظمی و پراکندگی وجود ندارد. باید کارها طبق برنامه ریزی انجام شوند.

اگر مدیریت جهادی، بین مدیران و دست اندرکاران به کار گرفته شود زمینه ساز نهادینه سازی فرهنگ جهادی می شود، در این حالت چون مردم در رفتار و اعمال مدیران، نظم، فروتنی، ولایت پذیری و امثال آنها را مشاهده کنند، زمینه ی پذیرش فرهنگ جهادی را بیشتر پیدا می کنند.

۳-۵. وجدان کاری

وجدان کاری یعنی انجام کار بیشتر و بهتر چه از لحاظ کیفی و چه از نظر کمی. وجدان کاری، شاخصه ای مهم از مدیریت جهادی است. وجدان کاری موجب می شود برای انسان باید و نبایدهایی بوجود آید و به شیوه ی مدیریتی سمت و سوی دهد. موجب تغییر در نگرش به مقام و مدیریت می شود. یک مدیر جهادی که وجدان کاری داشته باشد اول از همه خود را در برابر خداوند مسئول می داند.

۱. مشایخی کریم، تاج آبادی، رضا، شعبانی، سمیه. «مقایسه ی تطبیقی مدیریت جهادی با سایر سبک های مدیریتی، مجموعه

مقالات همایش مدیریت جهادی، خرداد ۸۸

۲. همان

احساس مسئولیت در فرهنگ اسلامی ریشه دارد. زیرا همانطور که می دانیم خداوند انسانها را خلیفه الله خوانده پس انسانها جانشین خداوند روی زمین هستند و باید نسبت به اعمال خویش پاسخگو باشند لذا مسئولیت پذیر باید باشند. یکی از ره آوردهای همین وجدان کاری، مسئولیت پذیری است.

((وَ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ))^۱ مسلما در برابر آنچه می کنید مسؤول هستید. ((از این رو فرد مؤمن هنگامی که اقدام به ساخت کالا یا خدمتی می کند سعی می کند درپیشگاه خداوند سرافراز شود زیرا انجام کار خویش را، اگرچه از چشم انداز سایرین مخفی بماند، در محضر او می بیند)).^۲

وجدان کاری موجب می شود انسان خود را در مقابل سایر انسان ها نیز مسؤول بداند. انسان موجودی نیست که بتواند به تنهایی زندگی کند و نیازهای خویش را برآورد کند. شهید مطهری می فرماید :

((زندگی باید به صورت یک شرکت دریابید که همه در وظایف و بهره ها سهیم باشند و یک نوع تقسیم کار میان افراد برقرار شود)).^۳

بنابراین همه در مقابل کاری که انجام می دهند باید احساس مسئولیت کنند زیرا کار آنها برای کل جامعه است. مدیریت جهادی، موجب فرهنگ جهادی است. مدیر جهادی که وجدان کاری داشته باشد، ساده از مسئولیت هایش شانه خالی نمی کند و برای مسئولیت هایش ارزش قائل است، سعی می کند مسئولیت هایش را به نحو احسن انجام دهد و برای جامعه مفید باشد. فرهنگ جهادی نیز دنبال همین مسئله است و یکی از خاستگاههای فرهنگ جهادی وجدان داشتن در کارهاست.

۴. کنار گذاشتن آهنگ جهادی و رسیدن به فرهنگ جهادی

اگر بخواهیم راهکاری برای رسیدن به فرهنگ جهادی ارائه کنیم، شاید عملی ترین روش، برگشت از آهنگ جهادی باشد. آهنگ جهادی یعنی فقط در ظاهر جهادی باشیم و فرهنگ جهادی را

۱. سوره نحل، ۹.

۲. مشایخی، کریم. تاج آبادی، رضا. ((شاخص ها و نشانه های وجدان کاری معیاری برای ارزیابی مدیر جهادی))، مقالات همایش مدیریت جهادی، خرداد ۱۳۸۸.

۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۹. ((انسان و ایمان)). قم، انتشارات صدرا

تنها در شعارها و حرف ها و سخنرانیها به کار ببریم. آهنگ جهادی، امروزه در کلام و رفتار بسیاری از افراد دیده می شود و رشد آن به حدی است که فرهنگ جهادی در میان برخی افراد ترول کرده و در حال گرایش به آهنگ جهادی است.

اهمیت فرهنگ در زندگی به قدری زیاد است که مردم هر پدیده ای را به فرهنگ نسبت می دهند. اصطلاح فرهنگ هم کاربرد زیادی میان پژوهشگران و نویسندگان دارد و در آثار و گفتگوها از تعبیری مثل فرهنگ مقاومت، فرهنگ روستایی، فرهنگ عشایری، فرهنگ جهادی و ... استفاده می کنند.

((فرهنگ جهادی شامل مجموعه وسیعی از اعتقادات، اخلاق و نحوه ی معاشرت و به ویژه یک نوع روش کار خالصانه و ایثارگرایانه است))^۱. پس فرهنگ جهادی، فرهنگ پویایی و فعالیت است و آهنگ جهادی،

دارای رکود و ایستایی است. در آهنگ جهادی، تنها سخن از فعالیت و ایثار و امثال آن است ولی در فرهنگ جهادی عین این ها را می توان دید و لمس کرد.

گذشتن از آهنگ جهادی یعنی ((گذر از ظاهر به باطن و از سطح به عمق و از توسعه ی سطحی به توسعه ی عمقی و ریشه ای و بنیادی. یعنی گذر از فراگیر کردن فرهنگ جهادی در بین قشری خاص و عمومیت دادن آن به اقشار مختلف جامعه، فراگیر کردن آن در بطن جامعه و میان همه مردم از مهد کودک تا دانشگاهی و تغییر در عمق فکر و روش زندگی مردم))^۲.

برای تغییر در نگرش مردم و نهادینه ساختن فرهنگ جهادی باید ریشه ای و بنیادی عمل کرد. یعنی ابتدا فرهنگ کسانی که در رأس امور هستند را تغییر داد، بعداً انتظار داشت که سایر مردم نیز در روش زندگی خویش تغییر ایجاد کنند. اگر مدیران دلسوز و وارسته و متخصص و متعهد به کار گرفته شوند، مردم با مشاهده ی رفتار و منش جهادی آنها، خود به خود تغییر پیدا می کنند. اما وقتی مردم می بینند دست اندرکاران ماتنها در حد کلام و سخنرانی جهادی هستند ولی در عمل تنها به خود

^۱. زواره، علیرضا. ۱۳۸۹. ((راهکارهای توسعه و ترویج فرهنگ جهادی)). مقالات همایش سال فرهنگ و مدیریت جهادی، خرداد ۸۸.

^۲. همان.

فکر می کنند و بی توجه به وضعیت کشور خرج های آن چنانی دارند، نمی توان انتظار داشت فرهنگ جهادی میان مردم رشد کند و بالنده شود.

۵. نهی استفاده از کالاهای بیگانگان

یکی از مسائلی که همواره اقتصاد کشورها را تهدید می کند مسئله ی قاچاق کالاهای خارجی است. این کار علاوه بر اینکه باعث هدر دادن پول و نفع رساندن به بیگانگان می شود موجب ضعف شدن کارخانه ها و تولیدات داخلی می شود و موجب ضرر رسیدن به تولیدات و منابع کشور می شود.

یک راهکار مهم برای ترویج فرهنگ جهادی در اقتصاد، همین ممنوع بودن استفاده از کالاهای بیگانگان

است. چون هم موجب بهبود وضعیت اقتصادی داخلی می شود و هم وابستگی به بیگانه می شود. اگر مردم عادت به استفاده از کالاهای خارجی کنند دیگر علاقه ای به مصرف تولیدات داخلی ندارند. لذا اقتصاد کشور ضعیف می شود. برای جهاد در اقتصاد، باید وضعیت اقتصادی کشور قوی شود و یکی از راهها برای تقویت اقتصاد، مصرف تولیدات داخلی است.

معصومین(ع) به این امر از همان آغاز توجه داشته اند و خطرات و مضرات روی آوردن به استفاده از کالاهای بیگانگان را تذکر داده اند. امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید:

((امیرالمؤمنین علی(ع) می فرمودند: مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و غذاهای آنان را استفاده نکنند همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد)).^۱

مقصود امام علی(ع) شاید این باشد که مسلمانان باید از وابستگی به بیگانگان بپرهیزند و امت اسلامی هرگز نباید درخوراک و پوشاک نیازمند و وابسته به بیگانه باشند چون عواقب خطرناکی دارد زیرا علاوه بر رکود اقتصادی برای مسلمین، موجب ضعف کشور و زبردست بیگانگان شدن می شود.

^۱. برقی، ابی جعفر احمد بن محمد، ۱۴۱۶. ((المحاسن)). تحقیق: سید مهدی رجائی، قم. الجمع العالمی لاهل البیت(ع)، ج ۲، ص ۱۷۸

۶. تشویق به تلاش و کوشش

یکی از راهکارهای نهادهای ساز فرهنگ جهادی، تشویق به کوشش است و پرهیز از تنبلی. زیرا پیشرفت کشور منوط به تلاش فراوان همه ی اقشار جامعه است. خداوند در قرآن کریم می فرماید :

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى»^۱

((هر چند این آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن درسرای دیگر است، ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا رانیز دربرمی گیرد به این معنی که افراد باایمان نباید درانتظار دیگران بنشینند و برای آنها کارکنند، و مشکلات جامعه ی آنها را حل کنند، بلکه خود دامن همت به کمر زده و به سعی و تلاش و کوشش برخیزند))^۲.

پیامبر اکرم-(ص)- درباره ی اهمیت تلاش و مجاهدت می فرماید :

((آن که خانواده خویش را از حلال روزی می دهد، مانند مجاهد در راه خداست))^۳.

امام صادق-(ع)- از قول پیامبر اکرم-(ص)- در این باره می فرماید :

((هرآینه من دوست می دارم که مرد در پی روزی، به این سو و آن سو روان شود. همانا پیامبر خدا-(ص)- فرمودند: بارخدا یا برای امت من در سحر خیزی اش برکت ده))^۴.

۷. برنامه ریزی اقتصادی

یکی از راهکارهای نهادهای ساز فرهنگ جهادی در اقتصاد، برنامه ریزی اقتصادی است زیرا اقتصاد سالم و پویا می تواند جامعه را به رشد و تکامل دنیوی و اخروی برساند.

برنامه ریزی موجب رونق و شکوفایی جامعه می شود و به فعالیتها خط مشی و جهت می دهد و از فعالیت های پراکنده و بدون هدف جلوگیری می کند. پیامبر اکرم-(ص)- می فرماید :

۱. سوره نجم، ۴۱-۳۹

۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۲ ش. ((تفسیر نمونه)). پیشین، ج ۲۲، ص ۵۵۳

۳. صدوق، محمد بن بابویه، من لایحضره الفقیه، تهران، مطبعة الآفتاب، ۱۳۷۶ ق، جلد ۳، ص ۱۶۸

۴. همان، ص ۱۵۷

((نشان ژرف اندیشی هر فرد این است که گذران زندگی اش را به سامان آورد))^۱. امام علی (ع) دراهمیت برنامه ریزی اقتصادی می فرماید :

((برنامه ریزی درست، مال کم را افزایش می بخشد، و برنامه ریزی نادرست، مال بسیار را نابود می کند))^۲. هم چنین امام محمد باقر (ع) - در مورد برنامه ریزی در زندگی می فرماید:

رسیدن به درجات عالی کمال انسانی در سایه سه چیز امکان پذیر است، فهم دین و شناخت آن، داشتن عزمی بلند و همتی استوار در برابر مصائب و مشکلات و اندازه نگه داشتن در امور مربوط به معیشت و زندگی اقتصادی))^۳.

«لذا داشتن برنامه ریزی درست در زندگی، به فعالیتها جهت می دهد و از انجام کارهای بیهوده جلوگیری می کند. برنامه ریزی راهکاری اساسی در فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد است»^۴.

۸. پرهیز از اسراف

ساده زیستی و پرهیز از اسراف، یکی از شئوناتی است که همواره سیره ی اهل بیت (ع) - برای این اساس بوده است. ساده زیستی موجب عدم توجه به کالاهای لوکس و زندگی تجملی و مصرفی می شود. چیزی که امروزه بین اقشار مختلف مردم امری عادی شده این است که در تمام خانه ها باید کالاهای تجملی و لوکس وجود داشته باشد. زیاد شدن این امر موجب هدر رفتن سرمایه های زیادی می شود، سرمایه هایی که به جای اینکه چرخه ی تولید را به کار بباندازند صرف خرید کالاهای لوکس بیگانگان می شود. به همین علت ساده زیستی و پرهیز از اسراف راهکاری برای فرهنگ جهادی در اقتصاد است.

زندگی لوکس و تجملی و سراسر اسراف، مانعی جدی بر سر راه پیشرفت اقتصادی جامعه است و فرو رفتن در آن چیزی جز بازماندن از تولید نیست.

۱. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: الرساله، ج ۳، ص ۵۰.

۲. عذرالحکم، ۱۳۷۸ ش، ج ۳۳، ص ۴۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴. بلداجین، اصغر و بلداجی، آذر، جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن اهل بیت (ع)، فصلنامه علمی پژوهشی کوثر، ش ۷، ص ۴۷.

قرآن کریم از مسلمانان می خواهد در دام چنین زندگی هایی نیفتند و به زندگی ثروتمندان و اشرافگران چشم ندوزند .

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»^۱. اگر زنان و مردانی از آنها را از یک زندگی خوش بهره مند ساخته ایم، تو به آنها منکر این برای آن است که امتحان شان کنیم. رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است .

شهید مطهری در این باره معتقد است انسان هر چه قدر کم هزینه تر باشد زمینه ی رشد و ترقی بیشتری خواهد داشت :

((ما در شرح حال رسول اکرم-(ص)- می خوانیم ((کان رسول الله خفیف المؤمنه)). اولین چیزی که در سیره ی پیامبر اکرم-(ص)- به چشم می خورد این است که مردی بود سبک خرج ،لباس و خوراکش و هم چنین در نشست و برخاست بسیار ساده بود))^۲.

ایشان هم چنین در کتاب سیری در نهج البلاغه می گوید :

((میان کم برداشت کردن و کم مصرف کردن از یک طرف و زیاد بازدهی از طرف دیگر رابطه موجود است ،بازدهی های انسانی انسان چه در بخش عاطفه و اخلاق و چه در قسمت تعاونی ها و همکاری های اجتماعی و چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شرافت و حیثیت انسانی و چه از نظر عروج و صعود روحی ،همه و همه رابطه معکوس دارند .با برداشتها و برخورداریهای مادی ،انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و اسراف در لذات ،اورا از آنچه هنر و کمال انسانی نامیده می شود ،ضعیف تر و بی بارتر می سازد)).

اسراف موجب حیف و میل نعمتها می شود و فرصتهای پیشرفت اقتصادی را از بین می برد .عادت کردن به اسراف باعث می شود انسان قدر آنچه را که دارد ،نداند .اما پرهیز از اسراف باعث شکوفایی اقتصادی می شود ، تولید داخلی رونق می گیرد و نیاز به مصرف کالاهای لوکس بیگانگان از بین می رود و از این طریق به نهادهای فرهنگ جهادی کمک می کند .

۱. سوره طه ،آیه ۱۳۱

۲. مطهری .مرتضی ،نظام اقتصادی اسلام ،انتشارات صدرا، ۱۳۸۹، ص ۹۲.

نتیجه گیری :

این فصل به بیان راهکارهای نهادینه کردن و تقویت فرهنگ جهادی اختصاص داشت. اولین راهکار توجه به قرآن و معارف دینی درزندگی بود که مطابق آیات ذکرشده وروایاتی که بیان شد، تأثیر آن را بیان کردیم. اگر انسان خداوند باری تعالی را درلحظه لحظه ی زندگی حاضر وناظر ببیند، آن وقت درهمه ی مسائل مخصوصا مسائل اقتصادی، سعی می کند به گونه ای باشد که خدا خواسته ورضایت او را برهر چیز دیگری ترجیح می دهد .

راهکار دوم، خود باوری و تقویت اعتماد به نفس است. وراهکار سوم مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی موجب تلاش همه جانبه هم مردم و هم مسئولین می شود ویک فرهنگ جهادی میان امت ایجاد می کند.

راهکار بعدی کنارگذاشتن ظاهر و آهنگ جهادی وپرداختن به فرهنگ جهادی است. یعنی نباید تنها درحرف زدن، ادای جهادی بودن راگرفت بلکه درعمل باید جهادی بود .

راهکار پنجم، ممنوع کردن استفاده از کالاهای بیگانگان است، چون هرچه وابستگی به بیگانه کمتر باشد، عزت مسلمین بالاتر می رود .

قدم بعدی، تلاش و کوشش است وراههای دیگر، برنامه ریزی اقتصادی وپرهیز ازاسراف است. اسراف کردن، موجب قدرشناسی از نعمتهای الهی وکم شدن روزی می شود. هم چنین موجب نیاز بیشتر به مصرف. لذا پرهیز ازاسراف راهکاری برای ترویج فرهنگ جهادی است .

بخش سوم

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتیجه گیری:

بررسی ویژگی ها و شرایط فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد ازدیدگاه قرآن کریم و روایات اهل بیت-علیهم السلام- مارا به این نتیجه می رساند که در درجه ی اول فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد نقش مهمی در بالندگی کشور اسلامی و رساندن ملت به به سعادت و کمال دارد .

نتیجه ی دیگری که از این پژوهش بدست می آید شناسایی فرهنگ جهادی است که با شناخت ویژگیهای آن به این نتایج می رسیم . فرهنگ جهادی دارای ویژگی هایی چون ولایت مداری، عدالت، استقلال، خدامحوری، استقامت است. دانسته شد فرهنگ جهادی، فرهنگ ولایتمداری است یعنی حرکت در مسیر راستین خدا در تمام امور زندگی ما حاضر باشد. هم چنین فهمیدیم فرهنگ جهادی، فرهنگ سختی و تکلیف است، یعنی همراه با فرهنگ جهادی باید صبر و تحمل باشد، البته نتایج آن نیز به موازات این سختی ها بزرگ اند .

یکی دیگر از ویژگی های فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد، سعی و تلاش و قناعت و رزیدن است . پس از بیان ویژگی های فرهنگ جهادی به شرح اهداف فرهنگ جهادی در اقتصاد پرداخته شد .

فرهنگ جهادی دارای اهدافی است که همگی برای جامعه ی اسلامی اموری حیاتی هستند . اهدافی مثل حفظ استقلال و عزتمندی مسلمین، اقتدار، نفی هرگونه سلطه مطابق قاعده ی نفی سبیل، خود کفایی و عدم وابستگی به قدرتهای دیگر و تقویت روحیه ی مسلمانان که با نهادهای سازی فرهنگ جهادی می توان به آنها رسید .

یکی دیگر از بخش های این پژوهش، بررسی موانع پیش روی فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد بود . از جمله موانع، می توان به بروز فساد اقتصادی در کشور اشاره کرد که به نوعی مهمترین مانع پیش روی فرهنگ جهادی است زیرا تأثیر زیادی روی افکار و روحیه ی مردم دارد .

مانع دیگر مدیریت غیرمتخصص و مصرف گرایی است که هرکدام تأثیر خاص خود را بر جلوگیری از ترویج فرهنگ جهادی دارند .

فصل دیگر این پژوهش، به بیان راهکارهای نهادینه سازی فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد اختصاص داشت. اولین راهکار، توجه به قرآن و معارف دینی در زندگی است. راهکار دوم خودباوری و اعتماد به نفس است و راهکار سوم، مدیریت جهادی. مدیریت جهادی موجب تلاش همه جانبه ی مردم و مسئولین همگام با یکدیگر می شود و یکی دیگر از راهکارها، ممنوع شدن استفاده از کالاهای بیگانگان است چون وابستگی به بیگانه راکمتر می کند.

پیشنهاها:

باتوجه به اینکه پایان نامه مجال اندکی برای انجام یک کار پژوهش عمیق است؛ برای تفحص و ژرف نگری در موضوعاتی چون فرهنگ جهادی در زمینه ی اقتصاد، که نقش مهمی در پیشرفت کشور دارد و باتوجه به اوضاع کنونی در شرایطی که ایران در منطقه و جهان دارد و هم چنین دور بودن جو کشور و خانواده ها از فرهنگ جهادی؛ پیشنهاد می شود:

الف) عناوین فرهنگ جهادی در پایان نامه ها، بیشتر مورد توجه دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرد و دفتر پژوهش، دانشجویان را به این سمت سوق دهد.

ب) هریک از فصول این پایان نامه، می تواند موضوع واحدی برای انجام یک پژوهش جامع در مورد فرهنگ جهادی باشد که انجام آن باعث به دست آوردن نتایج خوب و کاربردی برای مردم خواهد بود.

ج) پیشنهاد می شود افراد تحصیل کرده و روشنفکر از قبیل دانشجو، اساتید گرانقدر و تمام کسانی که به نوعی الگوی افراد جامعه هستند با بکار گیری فرهنگ جهادی در رفتارها و تعاملات اقتصادی خویش، زمینه ساز ترویج آن در جامعه گردند.

پیشنهاد می شود علاقمندان و پژوهشگران تحقیقات جامعی در این باره انجام دهند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ابوالقاسمی، محمدجواد سجادی، سید مهدی، ۱۳۸۴ش. چالشهای توسعه ی فرهنگ دینی. دفتر مطالعات توسعه ی فرهنگی.
۲. آرام، احمد، ۱۳۸۵ش. الحیاة. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، بی جا، انتشارات دلیل ما، چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۵ ش.
۳. اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۹۰. مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی. مرکز نشر هاجر، پاییز ۹۰.
۴. افشار، اسدالله، ۱۳۹۰. رشد پیشرفت توسعه ی اقتصادی ضرورتی اجتناب ناپذیر. انتشارات سفید اردهال.
۵. بابایی، احمدعلی و محمدی، رضا، ۱۳۸۲. فهرست موضوعی تفسیرنمونه. قم، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ هیجدهم.
۶. بلنک، ربکا و مک گرن، ویلیام، ۱۳۸۹. اخلاق و بازار. ترجمه: علی سعیدی، ناشر دانشگاه امام صادق (ع) چاپ اول.
۷. بوذرجمهر، محمدحسین. فرهنگ فارسی- عربی. تهران، ۱۳۴۸، القاموس الشامل فرهنگ فارسی، ۱۳۸۰ ش.
۸. پوراحمدی، حسین وشم آبادی، محمد، ۱۳۹۰ش. مقدمه ای بر اقتصاد سیاسی اسلامی. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش. مفاتیح الحیاة. انتشارات اسراء.
۱۰. حکیمی، محمد، ۱۳۹۲. معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی. قم، مؤسسه ی بوستان کتاب، چاپ پنجم.
۱۱. حیدری تفرشی، غلامحسین، ۱۳۹۰. جهاد اقتصادی. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

۱۲. خاکپور، حسین، ۱۳۹۱. راهکارهای ارتقای مدیریت مصرف از دیدگاه قرآن و روایات. مرکز پژوهشی صداوسیما.

۱۳. خرمشاهی، بهاء الدین، ۱۳۷۷. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران، انتشارات دوستان، چاپ اول.

۱۴. دفتر انتشارات اسلامی، فهرست راهنمایی موضوعی تفسیرالمیزان. قم، انتشارات اسلامی چاپ پنجم ۱۳۸۰ ش.

۱۵. سبجانی، جعفر، ۱۳۹۰. سیمای اقتصاد اسلامی. قم، مؤسسه ی امام صادق (ع).

۱۶. سجادی، سیدجعفر. فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپخانه کاویان، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.

۱۷. سیدنژاد، سیدصادق و سید رضی، ۱۳۹۱. تولید، کار و سرمایه. قم، مرکز پژوهش های اسلامی.

۱۸. شرف الدین، سید حسین، ۱۳۹۳. مفاهیم نظری اقتصاد و فرهنگ. قم، مرکز پژوهش های اسلامی.

۱۹. شفیع زاده، منصور، ۱۳۷۳ ش. نگاهی دوباره به اندیشه ی اقتصادی امام خمینی (ره). تهران نشر مقدس، جلد دوم.

۲۰. فراهانی، سعید، ۱۳۸۹. اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام. ناشر: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، چاپ اول.

۲۱. همو، ۱۳۸۷. سیاستهای پولی در بانکداری بدون ربا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۲ ش. تفسیر نور. مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم.

۲۳. لیراوی، محمدصادق، ۱۳۹۳. اهمیت فرهنگ از منظرآیات و روایات. مرکز پژوهشی های اسلامی صداوسیما.

۲۴. محمدی ری شهری، محمد، توسعه اقتصادی برپایه قرآن و حدیث، ناشر: انتشارات دارالحدیث.

۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸. سیری در نهج البلاغه. انتشارات صدرا.

۲۵. همو، ۱۳۸۹، نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا.

۲۶. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۵، ۱۳۶۷ ش..

۲۷. صدر، محمدباقر. اقتصاد ما یا شناخت اقتصاد اسلامی. تهران: بنیاد علوم انسانی، ۱۳۶۰ ش.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.

۲۹. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱. نظام اقتصادی اسلام، مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق.

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر، چاپ دوم.

۳۰. نوراحمدی، محمدجواد، ۱۳۸۹. اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی. ناشر: دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.

۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۷۵ ش. تفسیر راهنما. جمعی از محققین سازمان تبلیغات اسلامی، قم، بی جا.

منابع عربی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی

۲. نهج البلاغه ترجمه محمددشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، قم، چاپ شانزدهم ۱۳۸۲ ش.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة. مکتب الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن. دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ قرآن. ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۶. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه. مؤسسه آل بیت، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۹ ق.

۷. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه علی کرمی، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۰ ش.

۸. طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. محقق: حسین اشکوری، احمد، ناشر: مرتضوی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۹. عبدالباقی، محمد فؤاد. معجم المفهرس. بی جا، انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۳۷۲ ش.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. الکافی. دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. متقی هندی، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. مؤسسه الرساله بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار. بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه. مترجم: حمیدرضا شیخی، تحقیق مرکز تحقیقات دارالحديث، ناشر: دارالحديث، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.

مقالات

۱. ابراهیمی، فاطمه، اهمیت جهاد اقتصادی ازدیدگاه قرآن کریم. پایگاه اینترنتی راسخون، به نقل از نشریه جوهره ی وحی شماره ۳۴.
۲. بهداروند، محمد مهدی، ۹۰. بسترهای تهدید و تطمیع در جهاد اقتصادی. مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۹۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، صفحه ۱۸.
۳. تاجیک، شیرین و خاکپور، زهرا. رویکرد اخلاقی اسلام نسبت به جهاد اقتصادی. مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران (بشارت).
۴. جانی پور، محمد و ستوده نیا، محمدرضا، ۱۳۹۲. جهاد مقوله ای فرهنگی-اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی. دوفصلنامه تخصصی پژوهشی میان رشته ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۲.
۵. حجازی فر، سعید. شناسایی مؤلفه های فرهنگ و مدیریت جهادی باروش فراتبریک. اولین همایش علمی مدیریت جهادی.
۶. حسین قورتانی، سیدعلی. جهاد اقتصادی از نگاه دین. پایگاه اینترنتی راسخون.
۷. رحیمی دهنسوری، جواد، ۱۳۹۳. موانع و راهکارهای ارتقای فرهنگ کاروهمت در جامعه اسلامی. مجله بصیرت و تربیت دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، سال یازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۹۰.

۸. رضوان خواه، سلمان وفاضلی دهکردی، مهدی، ۱۳۹۰. احصاء وبررسی مبانی، اصول و روش های کاروتلاش جهادی ازمنظر قرآن کریم. مجله مطالعات قرآن وحديث، سال چهارم، شماره دوم، بهاروتابستان ۹۰.

۹. رفیعی آتانی، عطاء الله، ۱۳۹۰. بازخوانی مجدد ماهیت اقتصاد اسلامی مجله معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره اول، پاییز وزمستان ۹۰.

۱۰. زواره، علیرضا، راهکارهای توسعه وترویج ونهادینه کردن فرهنگ ومديریت جهادی درنظام اداری. مجموعه مقالات.

۱۱. سیدنورانی، سیدمحمد رضا وخاندوزی، سیداحسان، ۱۳۹۱. مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی دراسلام. دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۱۷، بهار وتابستان ۹۱.

۱۲. سیدی نیا، سیداکبر، ۱۳۸۸. مصرف ومصرف گرایی ازمنظر اسلام وجامعه شناسی اقتصادی.

فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۴۴، تابستان ۸۸.

۱۳. محمدی، مظاهر. تبیین فرهنگ ومديریت جهادی وشاخص های آن. مجموعه مقالات.

۱۴. مرتضوی، سیدمیر محمود وع راقی جلال. عنصر مراقبت درفرهنگ ومديریت جهادی. مجموعه مقالات همایش فرهنگ ومديریت جهادی، سال ۱۳۸۷.

۱۵. مشایخی، کریم وتاج آبادی، رضا وشعبانی، سمیه. مقایسه ی تطبیقی سبک مديریت جهادی با سایر سبک های مدیریتی. مجموعه مقالات.

۱۶. ملکی زورام، حسین، مقایسه تطبیقی سبک مديریت جهادی با سایر سبک های مدیریتی. مجموعه مقالات.

۱۷. مهدی پور، محمود. امام صادق(ع) وجهاد فرهنگی. سایت اینترنتی

<http://www.daneprairie.com>.

۱۸. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱. اقتصاد مقاومتی وملزومات آن باتاکید بردیدگاه مقام معظم رهبری. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۹۱.

۱۹. همو، ۱۳۹۲. درآمدی برعلم اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

۲۰. همو، ۱۳۸۳. نظریه رفتار و تولیدکننده تقاضای کار در اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال چهارم، بهار ۸۳.

۲۱. هزاوی، سیدمرتضی وزیرکی حیدری، علی، ۱۳۹۳. اقتصاد مقاومتی، نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، تابستان ۹۳، شماره ۳۷.

۲۲. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۹. انسان شناسی و رفتار مصرفی. فصلنامه علمی پژوهشی کوثر معارف، سال ششم، شماره ۱۳، بهار ۸۹.

ملخص

بحث حول الموضوع ((ملامح الثقافة الجهادية في مجال الاقتصاد والموثوقية جهة نظر القرآن)) ويهدف إلى دراسة القرآن وتعاليم الأئمة - (أ) - وكذلك مصادر سيرى كتب ذات الصلة، لمناقشة القضية و لبعض الأسئلة والمشاكل في هذا الصدد.

هذه الطريقة وفقا للموارد الأساليب التحليلية المتاحة يحمل أيضا خلصت الدراسة إلى أن:

الثقافة الجهادية والثقافة الإسلامية هي المحور الرئيسى للمحافظة مداره. سوف محافظة المدارية تحت إشراف الوحدة والتعاطف مع المسلمين أيضا ميزة أنشطة مثل العدالة والمثابرة والقناعة والاعتدال. ميزة أخرى هي شعور بالمسؤولية عن أنشطة كل من الشخصية والاجتماعية والشعور بالمسؤولية يلغى الكماليات في الحياة. عموما، هذه الميزات تعطى لنا أهداف في المجتمع، مثل الوصول إلى السلطة السياسية، والاستقلال الاقتصادى والاكتفاء الذاتى، والتنمية الاقتصادية، واعتماد وتنفيذ حكم الاقتصاد نفى المقاومة الشارب.

لتعزيز ثقافة الجهاد في مجال الاقتصاد إلى العقبات مثل الفساد والنزعة الاستهلاكية، والنفائات، وأشار إلى أن الحلول المقترحة لمواجهة هذه التحديات: وفقا للقرآن والتعليم الدينى في الحياة، وتجنب الإسراف. الجهاد الذى يضم مجموعة متنوعة من القطاعات والقضايا، وتشجيع الجهود في محاولة لتجنب الكسل. وثمة نهج آخر للتخطيط الاقتصادى الذى هو دورا قيما للغاية. يحتوى القسم الأخير أعربت الاستنتاجات والاقتراحات.

الكلمات الرئيسية: القرآن، والتقاليد، والثقافة، والحرب، والاقتصاد، والثقافة، الجهاد، الجهاد الاقتصادى.

Abstract

The research subject ((features jihadi culture in the field of economy and reliability point of view of the Quran)) examines the inspection Athar-Quran and traditions of the Imams (AS) - as well as Siri sources related Books, to discuss the issue Vbtvand to part of the questions and problems in this regard.

This method according to the facilities and resources available descriptive and analytical method is also carrying out the study concluded that:

Jihadist culture, Islamic culture is the main axis of its orbit province Ast.vlayt circuit under the direction of unity and empathy to Muslims will also feature activities such as justice, perseverance, contentment is Vmyanh on .vyzhgy no longer feel responsible for the activity That is both personal and social, sense of responsibility eliminates the luxuries in life in general Bourne these features give us the objectives in society, such as access to political power, economic independence Vkhvdkfayy, economic development, employment rule The rejection of the mustache and the realization of the strength of the economy.

To promote the culture of jihad in the field of economy to obstacles such as corruption, consumerism, waste and noted that the solutions proposed to address these challenges: According to the Quran, and religious life, avoiding Azasraf, Jihad, which includes the and in several cases, to try and encourage efforts to try and avoid other Aztnbly.rahkar economic planning is that it is very valuable role.

The final part of the speech Conclusions and recommendations.

Key words: Quran, traditions, culture, war, economy, culture of jihad, Jhadaqtsady.

